



ماهنامه فرهنگی - مذهبی هیأت رزمندگان اسلام

سال چهاردهم - شماره ۱۱۹ - خرداد ۱۳۹۷ - قیمت ۶۰۰۰ ریال



سلام به ماه خدا

پرونده ای برای روزها و شب های ماه رمضان



نگاهی به واقعه ۱۵ خرداد و وقایعی که به دنبال
دستگیری حضرت امام رحمت الله علیه روی داد

قیام خونین ۱۵ خرداد



یکی از مهم ترین سنت های
مذهبی ها در ماه مبارک رمضان، ختم قرآن است

قرآن خوانی در بهار



بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب
در باره روز قدس

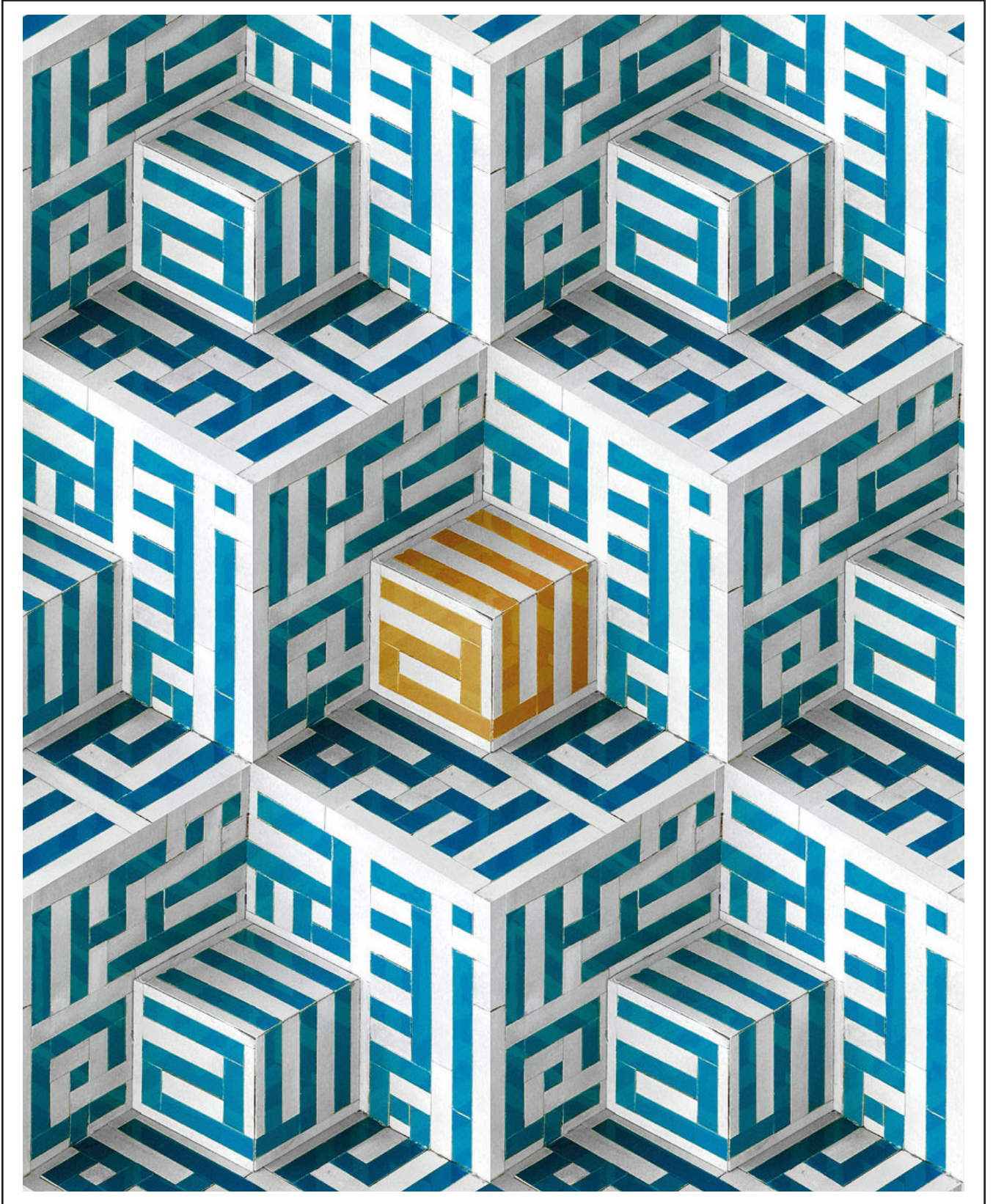
یوم الله

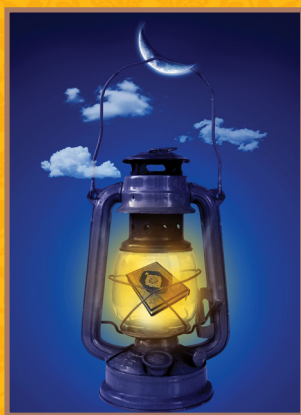




سال ۱۳۹۷

حماسه کالایی ایران





۳۲

خودمان را از
آلودگی‌ها مصفا کنیم

۳۴

جریمه نگرفتن روزه

۳۸

تدبیر در آیات قرآن
فراموش نشود

۴۰

دو قدم مانده به اشک

۴۲

مردانی از جنس مناجات

۴۴

بهتر از هزار ماه

۴۶

شکست فرق نماز خدا
به شمشیری

۸

مروری بر مهمترین برنامه‌های
هیأت رزمندگان اسلام

۱۰

هیأت‌های مذهبی
مراقب نفوذی‌ها باشند

۱۶

دیکتاتورها معتقدند
مبنای قانون خودشان هستند

۱۸

هیأت‌ها برای حمایت از تولید
داخلی گفتمان‌سازی کنند

۲۰

استمرار و بقاء قیام عاشورا مهم‌ترین
کارکرد هیأت‌های مذهبی

۲۲

هدف دشمن
قداست زدایی از قدرت است



هیأت رزمندگان اسلام ماهنامه فرهنگی-مذهبی

سال چهاردهم - شماره ۱۱۹
خرداد ۱۳۹۷

صاحب امتیاز:

هیأت رزمندگان اسلام

رئیس شورای سیاستگذاری:

حجت‌الاسلام والمسلمین
اسماعیل سعادت‌نژاد

مدیر مسئول:

محمدصادق آهنگران

جانشین مدیر مسئول:

حجت‌الاسلام والمسلمین
عبدالرحمن سفیدی امین

سردبیر:

محمدامین ایمانجانی

جانشین سردبیر:

امیرحسین صالحی

دبیر تحریریه:

دانیال معمار

تحریریه:

فاطمه صناعی، زهرا مهاجری، طاهره ایمانی،
مرضیه یوسف اقدم، وحید فراهانی، اعظم سادات
هراتی، الهام مرادی، مهدی واعظی، محمد
مجد امیرحسین بکائیان، سعیده محمدی،
مریم شاه‌کلا، سیما خوشرو، مهدی پیرزمان،
احمد سیفی، سجاد شیرافکن، عاطفه جعفری
وزینب محبوبی، عباس بخشی، مسعوده
فراهانی، علیرضا بهرامی، حسین مرصادی،
سیده محدثه حسینی، فاطمه سادات
بکایی، علیرضا پیوکانی، فائزه سادات پاکزاد،
مینو فلاحی، سارا راجایی، نیلوفر صالحی

مدیر هنری: رضا ماه پیکر

صفحه‌آرایی: امیررضا ماهان

ویراستاری: مهدی واعظی

عکس: حسین جهانی

چاپخانه: شرکت پیام آوران نشروز

۶۸

چرا رهبری اصرار دارند فلسطین
کماکان مسئله اول اسلام باشد؟

۷۰

لبخند تو خلاصه همه خوبی هاست

۷۴

بانویی که با ثروت و رشادتش اسلام را
حیات بخشید

۷۶

ملائکه همه امشب به سجده افتادند

۷۸

۱۵ خرداد تداوم و تجلی
مبارزه

۸۰

نگاهی به واقعه ۱۵ خرداد و واقعی
که به دنبال دستگیری حضرت امام
رحمت الله علیه روی داد



۶۲

نفر بدون محاکمه و دادگاه
در زندان های آل سعود

۶۳

پیام مهم پیروزی
حزب الله لبنان

۶۴

خروج آمریکا از برجام
به ضرر چه کسانی است؟

۶۵

اروپا هم ضرر می کند

۶۶

بیشترین خسارت برای
خودروسازان فرانسوی و آلمانی

۶۷

خروج از برجام بازار
گاز شیل آمریکا را داغ می کند

۴۸

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب
درباره روز قدس

۵۰

سازشی به رنگ ننگ

۵۲

نوستالوژی های جهانی رمضان



۵۶

بلارا از خودتان دور کنید

۵۸

روضه هدف نیست، بلکه وسیله
است برای معرفت بیشتر

نشانی:

تهران، میدان فاطمی، نبش
خیابان فلسطین و زرتشت،
پلاک ۵۵۴، واحد ۵

تلفن و نامبر:

۸۸۹۶۰۴۳۰ — ۸۹۷۸۰۳۱۳

نشانی اینترنتی:

www.eheyat.com



چند سخن کوتاه

سخن اول: از کجا آمده‌ام؟

رمضان در طول عمر انسان‌ها بارها می‌آید و می‌رود اما همیشه ما مسلمانان این‌طور فکر می‌کنیم رمضان که رفت همه چیز را با خود می‌برد؛ و در ما هیچ تحولی ایجاد نمی‌کند.

ماه رمضان بهترین فرصت برای خودسازی است؛ حتی رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) در دورانی که هنوز مبعوث نشده بود، ماه رمضان را روزه می‌گرفت و در آخرهای رمضان به اعمال مخصوصی می‌پرداخت و در غار حراء اعتکاف می‌کرد. یعنی به تنهایی آنجا می‌رفت و راز و نیاز می‌کرد. این ماه یک فرصت فوق‌العاده برای تحول در انسان است.

اما این مسئله را قبول دارم که پس از ماه رمضان می‌بینیم باز همان آدمی هستیم که قبل از ماه رمضان بودیم. تغییری در ما ایجاد نشد. چرا تغییری در ما ایجاد نشد و چرا باز دروغ می‌گوییم، باز محرم و نامحرم را رعایت نمی‌کنیم و یا در نماز خواندن تنبلی می‌کنیم مثل قبل از ماه رمضان؟

در سلوک عرفانی یک اراده و یک همت داریم. همت، آن هدف‌گیری بلند انسان است که می‌گوید من می‌خواهم این‌طور شوم. ولی اراده مربوط به اقدامات قدم به قدم انسان‌هاست.

در این فرصت کم نمی‌توانیم به اراده انسان‌ها بپردازیم اما می‌توانیم بگوییم که همتان را باید از اول تعریف کنیم که می‌خواهیم بنده محبوب خدا باشیم؛ از مقربان درگاه حق باشیم اگر این همت را پیشاپیش خودمان قرار دادیم مطمئناً رمضان روی ما تأثیر زیادی می‌گذارد؛ ولی ندانستیم که می‌خواهیم چه کاره باشیم مثل همان دزدی می‌شویم که بیت‌المال را با آن همه حرمتی که در اسلام دارد در زندگی‌مان به کار می‌گیریم و رفاه برای خودمان درست می‌کنیم؛ روزه چنین فردی روی او اثر نمی‌گذارد.

سخن دوم: هم گام با رهبری

مگر می‌شود ولی امر مسلمین دستوری صادر کند و برای همه لازم الاجرا نباشد؟ امسال مهمترین دستوری که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای صادر کردند حمایت از کالای ایرانی بود که این قدم مهم می‌تواند فتح بابی شود برای رفع مشکلات عمده و عیدهای که اقتصاد ایران اسلامی با آن مواجه است و سال‌هاست رهبری انقلاب این مسئله را به تمامی مسئولان گوشزد کرده‌اند. اما ویژگی مهم نامگذاری امسال از سوی ایشان، فراگیر بودن این مسئله است که همه آحاد جامعه باید تلاش کنند که از کالای ایرانی استفاده کنند؛ البته تأکید می‌کنم که استفاده کنند و نه مصرف. چرا که ظاهراً همه ما عادت کرده‌ایم به مصرف و بطور ناخواسته در بند فرهنگ لیبرال غربی که از مهمترین اهداف مصرف‌گرایست گرفتار شده ایم؛ بدون هیچ دلیلی به دنبال خرید هستیم و تأسف آور وقتی است که می‌بینیم بیشترین خرید مردم از کالاهای لوکس و گران قیمت خارجی است که به کلی با فرهنگ اسلامی به دور هستند. بیایید ما هیأتی‌ها به عنوان پیشانی بچه‌های مذهبی در همین لحظه و با زبان روزه قول بدهیم که نگذاریم این دستور حضرت آقا زمین بماند و هر خریدی که برای خودمان و مهم‌تر از آن برای هیأت‌مان داریم از جنس ایرانی باشد تا رونق اقتصادی به کشور بازگردد.

سخن سوم: به نام پدر

نمی‌شود از ماه رمضان گفت و از مولا علی (علیه السلام) نگفت؛ از یتیمی نگفت؛ از بچه‌هایی نگفت که کاسه شیر به دست در خانه مولا ایستاد و چشم امید بستند شاید دوباره قد و قامتش را در چارچوب در ببینند.

نمی‌شود از چشم‌های گریان زینب کبری (سلام الله علیها) نگفت؛ چشم‌هایی که یک عمر غم دیده‌اند و حالا عزیزترین خانواده مقابل چشمانش پر می‌کشد و او کاری نمی‌تواند بکند. آخر دخترهای خیلی باباییند نبود پدر برایشان دنیا را جهنم می‌کند.

نمی‌شود از غم حسنین (علیهما السلام) نگفت؛ انگار همین دیروز بود که مادرشان را تشییع کردند و حالا زیر تابوت پدر را می‌گیرند.

نمی‌شود از یل ام‌البنین نگفت؛ از حرف‌های زیر لبش نگفت. «من که پسر فاطمه نیستم...» اتفاقاً همه حرف‌های علی با تو بود عباس جان. نمی‌شود از ماه رمضان گفت و برای مولا نخواند:

این دست‌پاچگی ز سر اتفاق نیست

هول وصال کم ز نهیب فراق نیست

شرح بسیط وصل به بسط و رواق نیست

اصلاً مزار انور تو در عراق نیست

معنی کجا به کار ببندد مزار را



مروری بر مهمترین برنامه های هیأت رزمندگان اسلام

هیأت

هیأت رزمندگان اسلام
ماهنامه فرهنگی - مذهبی



اعیاد شعبانیه در شهر سبز شمالی

جشن میلاد حضرت علی اکبر و روز جوان در شهر رشت طی تعامل با مدیر پرورشی دبیرستان مطهری جهت جذب دانش آموزان برای عضویت در هیأت و استفاده آنها از برنامه های تابستانی هیأت در این مدرسه برگزار شد.

این مراسم با قرائت قرآن آغاز گردید و سپس در ادامه با سخنرانی مدیر پیروان عترت خواهر روستایی در رابطه با آشنا کردن دانش آموزان با کارها و فعالیت های هیأت و تشویق آنها برای عضویت در هیأت و شرکت در برنامه های آن ادامه یافت. مولودی خوانی هم بخشی از این برنامه بود. در پایان مراسم هم قرعه کشی بین دانش آموزان با بسته های شکلات که به اسم شهدا مزین شده بود انجام گرفت و به نیت ۱۴ معصوم به ۱۴ نفر جایزه نقدی اهدا شد. همچنین جشن جشن میلاد امام زمان در این شهر هم همراه با نماز مغرب و عشاء در میدان شهرداری برگزار شد. سخنران جشن حجه الاسلام فلاحتی، نماینده ولی فقیه در شهرستان رشت بود. مداحی مداحان برگزیده رشت هم بخشی از برنامه در نظر گرفته شده بود. در این مراسم بیش از ۴ هزار جمعیت حضور داشتند.

رشت



از جشن های شعبانیه تا جشن تکلیف دختران

جشن ولادت با سعادت حضرت علی اکبر و روز جوان با همکاری دفتر امام جمعه در مصلی امام خمینی (ره) شهرستان رودبار برگزار شد. این برنامه شامل قرائت قرآن، ادای خیرمقدم توسط امام جمعه، مولودی خوانی کربلایی یاسر شهابی و سخنرانی حجت الاسلام فلاحتی، نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه شهر رشت بود. در این مراسم از مهمانان پذیرایی شد و به ۱۵ نفر از جوانان در مراسم به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهداء شد. همچنین مراسم باشکوه ولادت میلاد نور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با همکاری حوزه علمیه خواهران و دفتر امام جمعه در مصلی حسینییه رودبار برگزار شد. این برنامه هم شامل مولودی خوانی و سخنرانی بود. همچنین در این مراسم توسط اعضای هلال احمر از شرکت کنندگان به طور رایگان فشار خون گرفته می شد. چادری هم برای کودکان برپا شده بود که در آن مربی قرآن حضور داشت و والدین با خیال راحت، بچه هایشان را به مسئولان این چادر می سپردند. همچنین در ماه گذشته جشن تکلیف کلاس سوم از دبستان زینیه، شهید مطهری و شهید حقانی شهرستان رودبار در مسجد جامع ابوالفضل العباس با همکاری پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام برگزار شد.

رودبار



سمنان

احیای نیمه شعبان توسط خواهران

جلسه هفتگی هیأت عاشقان ثارالله رزمندگان اسلام شهرستان سمنان (واحد عترت خواهران) در اواسط اردیبهشت برگزار شد. در این جلسه که در گلزار شهدای امامزاده یحیی علیه السلام برگزار شده بود، حجت الاسلام دیانی به سخنرانی پرداخت. در ضمن این برنامه به نیابت از شهید مجید و مسعود شحنه و پدر ایشان هادی شحنه و به مناسبت ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برپا شده بود. از دیگر برنامه های شهر سمنان می توان به جلسه هفتگی دعای کمیل هیأت عاشقان ثارالله رزمندگان اسلام شهرستان سمنان (واحد عترت خواهران) اشاره کرد که به مناسبت سالگرد بسیجی شهید و جستجوگر نو شهید محمد بازو کی طرودی برگزار شد. این مراسم هم در گلزار شهدای امامزاده یحیی علیه السلام و با مداحی حاج محمدعلی پارسا برپا شد. در این شهر مراسم احیای نیمه شعبان هم توسط خواهران با سخنرانی حجت الاسلام مهدی نژاد و مداحی حاج ماشاالله ذاکری نژاد برگزار شد.



راهپیمائی کاروان منتظران ظهور در نیمه شعبان

کاروان پیاده‌روی منتظران ظهور به همت هیأت رزمندگان بافق و پیروان عترت خواهران همزمان با روز نیمه شعبان مسیر بلوار مهدیه تا آستان امامزاده عبدالله علیه‌السلام را با همراهی امت حزب الله طی کردند. همزمان با نیمه شعبان، سالروز ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کاروان پیاده‌روی منتظران ظهور متشکل از بسیجیان و اعضای هیأت رزمندگان و پیروان عترت خواهران و با تجمع در بلوار مهدیه و به دست داشتن شاخه‌های گل و پرچم از میدان فاطمیه تا آستان امامزاده عبدالله علیه‌السلام را پیمودند. هدف از این برنامه پاسداشت فرهنگ مهدویت و انتظار است که دوستان اهل بیت علیهم‌السلام و منتظران ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با پای پیاده مسیر تعیین شده را به شوق ظهور آن حضرت همراه با مدیحه سرایی راهپیمائی نمودند. همچنین در روز نیمه شعبان خواهران پیروان عترت در بقعه قاضی میر جعفر گردهم آمده و نماز استغاثه امام زمان را خواندند. سپس یک روحانی با سخنرانی در مورد امام زمان (ع) خواهران را به فیض رساندند. مراسم جشن میلاد سرور آزادگان و برادر با وفایش حضرت قمر بنی‌هاشم نیز در یادمان شهدای گمنام بافق برگزار شد. هیأت رزمندگان پیروان عترت خواهران ضمن دعوت از خواهران، مراسم ویژه اعیاد شعبانیه خود را جهت ارج نهادن به مقام شهید و شهادت به دانشگاه آزاد اتصال داده و ضمن همکاری در تشکیل نمایشگاه جنبی یادمان، از مدیحه سرایی و سخنرانی سردار اسلام حاج اکبر توکلی بهره‌مند شدند.

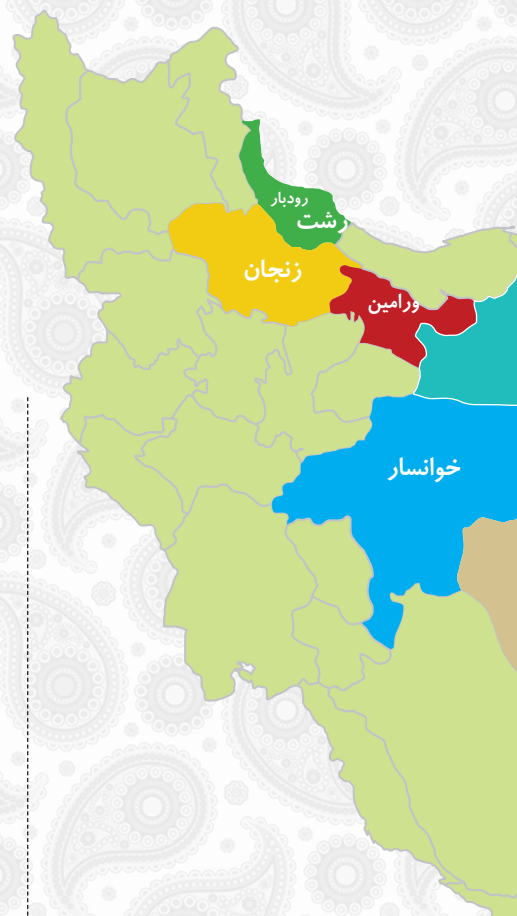
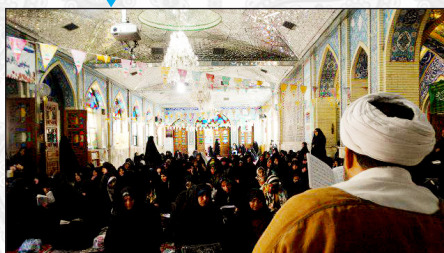


جشن‌های شعبانیه برای خواهران و برادران زنجانی

جشن میلاد امام حسین علیه‌السلام، حضرت ابوالفضل علیه‌السلام و امام زین‌العابدین علیه‌السلام در حسینیه عاشقان ثارالله زنجان به صورت مشترک برای خواهران و برادران برگزار شد. همچنین جشن بزرگ اعیاد شعبانیه با حضور جمع کثیری از خواهران در روز میلاد حضرت ابوالفضل علیه‌السلام با سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر بابایی در خصوص سبک زندگی اسلامی و اخلاق و مداحی ماحین اهل بیت علیهم‌السلام حاج جلیل محمدی و کربلایی سعید نوری برگزار شد. در این مراسم حجت‌الاسلام بابایی در خصوص فضایل اخلاقی امام حسین علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام به ایراد سخنرانی پرداختند.

برگزاری جشن میلاد منجی عالم برای خواهران

جشن میلاد منجی عالم بشریت حضرت حجة بن الحسن عسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط حوزه علمیه خواهران کریمه اهل بیت سلام‌الله علیها در امامزاده احمد علیه‌السلام شهرستان خوانسار برگزار شد. صدیقه سعادتیار، مسئول خواهران هیأت رزمندگان شهرستان خوانسار با بیان این خبر ابراز داشت: همزمان با سالروز ولادت با سعادت فخر کائنات و امام عارفان و عاشقان حضرت حجة بن الحسن عسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف، مراسم جشن نیمه شعبان با حضور پرشور و کم نظیر خواهران هیأت رزمندگان، طلاب بسیجی، بانوان و کودکان در امامزاده احمد علیه‌السلام شهرستان خوانسار برگزار گردید. این محفل با شکوه که در دو بخش مجزا ویژه کودکان و بانوان برپا شد شامل برنامه‌های متنوعی از جمله تلاوت قرآن کریم، اجرای سرود و تواشیح، مسابقه، مولودی خوانی، شعرخوانی همگانی، اهدای جوایز و پخش کلیپ بود و همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین سهیلی به ایراد سخنرانی با موضوع سیره مهدوی پرداختند.



برگزاری میلاد سرداران کربلا

جشن میلاد سرداران کربلا با حضور بیش از هزار نفر از خواهران هیأت رزمندگان اسلام در شهر ورامین برگزار شد. در این برنامه خانم آذریون به سخنرانی پرداخت و بخشی از مراسم هم به مداحی اختصاص داشت. برگزاری جشن میلاد سراسر نور منجی عالم بشریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از دیگر برنامه‌های هیأت رزمندگان اسلام در این شهر بود. در این مراسم هم بیش از هزار نفر از خواهران حضور داشتند و خانم شاکری به سخنرانی پرداخت. مدیحه‌سرای هم بخشی از این مراسم بود.



هیأت

هیأت رزمندگان اسلام
ماهنامه فرهنگی-مذهبی



حجت الاسلام دکتر ناصر رفیعی در بیست و چهارمین همایش مدیران هیأت رزمندگان اسلام:

هیأت‌های مذهبی مراقب نفوذی‌ها باشند

توفیقی برای حقیر شد در جمع شما برادران و سروران معظم هیأت مذهبی و هیأت رزمندگان حاضر باشیم. پیشاپیش میلاد علی ابن الحسین (علیه السلام) و میلاد حضرت حجت (عج) را تبریک عرض می‌کنم. دو مقدمه کوتاه عرض می‌کنم و بعد راهکارهای جذب جوانان به هیأت‌ها اشاره می‌کنم. مقدمه اول حدیثی از امام کاظم (علیه السلام) است که همه ما هیأتی‌ها، مذهبی‌ها، آخوندها بر نامه‌هایی که داریم باید با این هدف باشیم یعنی ما می‌خواهیم این را در زندگی مردم ایجاد کنیم.





قرآن کریم می‌فرماید کسی می‌تواند متصدی احیای مسجد و هیأت باشد که باور قوی به خدا داشته باشد، باور قوی به قیامت داشته باشد، اهل نماز باشد و الا حرف اثر نمی‌کند، اهل زکات باشد و جزء از خدا نترسد. این ۵ ویژگی اداره کنندگان مساجد، هیأت‌ها، جلسات، برنامه‌های مذهبی است.

تمام علوم در ۴ کلمه

امام کاظم (علیه السلام) فرمود تمام علوم در ۴ کلمه جمع شده است؛ هدف اصلی هیأت مذهبی باید تحقق این ۴ مورد باشد. مداحان، سخنرانان و غیره باید این ۴ مورد را هدف اصلی خود قرار دهند. روش‌ها و شیوه‌ها فرق دارد ولی اگر غیر از این باشد باخته‌ایم.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند علوم را در ۴ چیز یافتم. یک؛ خداشناسی. ما باید مردم را خداشناس کنیم، با خدا رفیق کنیم. این که چطور بحث دیگری است. این هدف اصلی است. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هم که شروع کرد خدا به او فرمود مردم را به راه من دعوت کن! به خود دعوت نکن! داعی به سوی من هستی.

همه انبیاء آمدند مردم خداشناس شوند. ما باید جوانان را خداشناس کنیم. خدا به حضرت موسی (علیه السلام) وحی کرد و فرمود تو مبلغ و پیغمبر هستی و من را نزد مردم محبوب کن! من را بشناسان.

دو؛ خودشناسی! باید به جوان بگوئیم کیست، چیست، استعداد او چیست، ظرفیت مردم چیست. خیلی مهم است. اگر آدم خود را بشناسد به جهنم نمی‌فروشد. ارزان نمی‌فروشد. بدن به این گران قیمتی که پول آن بهشت است، قصر و حور و رضوان الله، رجعی الی ربک راضیه مرضیه را به آتش بفروشد؟ همانند این است که ماشین ۵۰ میلیونی را بدهی و یک کتک هم بخوری و به خانه هم بیاویی. همه به شما می‌خندند.

إِنَّهُ لَيْسَ لِتَنفِيسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا. (قصار و حکمت ۴۵۶ نهج البلاغه)

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود جسم به این با ارزشی را به کمتر از بهشت نفروشد. دومین وظیفه ما شناساندن استعدادها، توانمندی‌های جوانان به خودشان است.

سوم؛ وظیفه شناسی! وظیفه شناسی شامل احکام، اخلاق، سیاست و غیره می‌شود. وظیفه جوان امروز چیست؟ دو ساعت در فضای مجازی بازی کند؟ یا پای فلان سریال و فیلم بنشیند؟ وظیفه چیست و چه باید کرد؟ این خیلی مهم است. وظیفه مذهبی‌ها، هیأتی‌ها چیست؟ آیا شلوغ بودن هیأت کافی است؟ آیا جمعیت جذب کردن کافی است؟

برخی هیأت‌ها گمان می‌کنند با جمعیت زیاد تبلیغات آنها شروع می‌شود. می‌گویند شما قول دهید مردم می‌آیند، پس مردم برای من می‌آیند برای هیأت شما نمی‌آیند. من هیأت و مسجد پائینی هم بروم مردم می‌آیند. مردم برای هیأت شما نمی‌آیند برای فلان مداح



استفاده می‌کند. لیبر عالم جلو می‌اندازد و می‌گوید این با قمه بر سر خود می‌زند تو هم بزن! نفوذی همیشه برای ورود خود استفاده از خویشاوندان، استفاده از ارزش‌ها همانند قرآن، استفاده از مکان‌های مقدس همانند مسجد، استفاده از عالمان و نخبگان را دارد. در جنگ جمل فردی گفت یا امیرالمومنین (علیه السلام) طلحه و زبیر و عایشه بر باطل اجتماع می‌کنند؟ سه فرد به نام که یکی پسر عمه پیامبر (ص)، یکی زن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یکی طلحه‌الخیر با آن سابقه محال است بر باطل اجتماع کنند.

این صحبت‌ها امروز هم وجود دارد. آقا مگر می‌شود جریانی که مقابل رهبری ایستاده است اشتباه باشد، فلان عالم در این جریان است. فلان شخصیت در این راه است. کسی که مقابل نظام ایستاده است فلان سید را همراه دارد. این خیلی حرف است.

امیرالمومنین (علیه السلام) صحبتی بیان کردند که طه حسین اذعان دارد بعد از قرآن کلامی محکم‌تر از این نداریم. فرمودند برای شما حق و باطل قاطعی شده است، شما نمی‌فهمید و با آدم‌ها می‌شناسید. حق و باطل را از روی آدم‌ها نمی‌شناسند. حق را بر اساس حق می‌شناسند و اگر با امیرالمومنین (علیه السلام) منطبق بود با او همراه می‌شوند و اگر نبود همراه نیستند. حق را می‌شناسند و کاری به آدم ندارند. حق را بشناسید بعد اهل حق را بشناسید، نه این که اهل حق را بشناسید و با معیار افراد بخواهید حق را بشناسید.

مقدمه دوم که کوتاه عرض کردم جدی گرفتن خطر نفوذ است که بارها مقام معظم رهبری این را متذکر شدند و خطر نفوذ با شبهه افکنی است. شبهه

می‌آیند. باز هم جمعیت می‌آید؟ این مهم است. اگر به مسجد پائینی یا هیأت دیگر رفت مردم به دنبال او می‌روند. این را فرد به سوی خود می‌کشد، این جاذبه هیأت نیست. این اشتباه است که برخی جاذبه هیأت را می‌خواهند با افراد ایجاد کنند. گرچه این خود یک عامل است ولی این عامل اصلی نیست. پس ما چهار وظیفه خداشناسی، خودشناسی، وظیفه شناسی. مورد چهارم که اکثر از آن غافل هستیم آسیب شناسی است. این مقدمه اول بود.

نفوذ را جدی بگیرد

مقدمه دوم را عطف به مقدمه اول می‌گویم. بارها مقام معظم رهبری فریاد زدند و فرمودند و غفلت هم کردیم؛ یکی از خطرات بسیار مهم خطر نفوذ است. نفوذ را جدی بگیرد. نفوذ باورها را تغییر می‌دهد، نفوذ ارزش‌ها را تغییر می‌دهد، نفوذ خودی و غیر خودی می‌کند، نفوذ ارزش‌ها را از ما می‌گیرد. نفوذی در خویشان نفوذ می‌کند، پسر نوح را به دنبال خود می‌کشاند، زن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عایشه را به دنبال خود می‌کشاند، طلحه و زبیر را به دنبال خود می‌کشاند. از طریق مسجد اقدام می‌کند. او هم برای شما مسجد می‌زند. برای کوبیدن مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مسجد ضرار را بنا کردند. قرآن این نام را بر این مسجد گذاشته است.

سوم این که از ارزش‌ها نفوذ می‌کند. عمرو عاص قرآن را بالای نیزه برد. نفوذی این طور است. شبکه‌های وهابی حرف قرآن را می‌زنند و حدیث می‌خوانند و قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌گویند. نیروی نفوذی از علما



برخی موارد را یادداشت کردم و مورد به مورد بیان می‌کنم. من نزد آیت‌الله سیستانی در نجف رفتم و ایشان اذعان داشتند بر جذب جوانان متمرکز شوید. افراد سن بالا هر چه می‌خواستند بشوند شدند، نمی‌گوئیم طرد کنید اما محوریت باید روی جوان باشد. جامعه ما هم جامعه جوانی است.

باید به جوان شخصیت بدهید

برای جذب اینها به مساجد باید به جوان شخصیت داده شود. این نکته مهمی است. این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) را گوش دهید که شما را به جوانان سفارش می‌کنم، قلب اینها رقیق است و پذیرش اینها بیشتر است، به خدایی که من را مبعو نکرد وقتی من آمدم پیرمردها با من مخالفت کردند و جوانان با من بیعت کردند.

یکی از اشکالاتی که ابوسفیان به پیامبر (صلی الله

آقای که مسئول کلیسا بود گفت کنار کلیسا و مکان مذهبی این چه جایی است ساخته‌اید؟ گفت جوانان را باید جذب کرد. ما به این طریق جوانان را به این کنار می‌آوریم و به هوای کاباره و مرکز فساد به اینجا می‌آید و در کنار آن به کلیسا هم می‌بریم و دعایی هم برای او می‌خوانیم.

اصل همان برنامه‌های مذهبی است

اصل برنامه هیأت و مسجد برنامه مذهبی است، دعای کمیل، دعای ندبه، برگزاری جلسات کرسی‌های آزاداندیشی، پرسش و پاسخ، سخنرانی، تجلیل از ائمه اصل برنامه مسجد است. برخی گمان می‌کنند اگر الان ۵ اینترنت در مسجد بگذاریم، ۵ میز پینگ‌پونگ در مسجد بگذاریم، استخری بعد از ظهرها برای بچه‌ها گذاشتیم، جذب به مسجد می‌شوند.

جوان این کارها را از طرق دیگر هم می‌تواند انجام دهند. اینها کار پاشگاه است. کار مسجد اینها نیست. مسجد و هیأت ما زوم بر برنامه‌های مذهبی داشته باشد. جذب از طریق برنامه‌های غیرمذهبی اگر اصل شود درست نیست. یعنی این جوان می‌خواهد از اینترنت استفاده کند و به اینجا بیاید و عصر هم نماز بخواند. خوب هست ولی مبنایباید باشد.

اول عراضم گفتم جذب فرد محور هم خوب نیست. شما بیایید جمعیت می‌آید، این مداح بیاید جمعیت خواهد آمد. اگر این مداح روز دیگر نبود باید چه کرد؟ اگر قرار باشد به فرد جمعیت جذب شود این جذب به هیأت نیست.

لذا من شیوه‌هایی که عرض می‌کنم را توجه کنید و

در جوانان ما زیاد شده است. نمی‌توانید هیأت‌ها را همانند قدیم اداره کنید. شبها به روز و دقیق فراوان در سایت‌ها و فضای مجازی است. مسئله به کارگیری ابزارهای مختلف است. ما روی منبر حدیث می‌خوانیم و هنوز نصف آن را نگفته‌ام جوان کل آن را بیان می‌کند. در اینترنت می‌زند و بیان می‌کند. روزه می‌زند و مقتل را می‌آورد و می‌گوید اینجا دروغ است. نمی‌توان اقرار به جعل کرد و باید منابر و مداحی‌ها و ادارات جلسات حساب‌شده باشد.

جذب جوانان به هیأت‌های مذهبی

بعد از عرضی که درباره حدیثی که خواندم و تذکر به نفوذ، سراغ بحث راهکارهای جذب جوانان به هیأت‌ها می‌آئیم. اولاً یک نکته بیان کنم که هر کسی متصدی مسجد، هیأت، اداره یک مجموعه مذهبی است این آیه را توجه کند؛ قرآن کریم می‌فرماید باید ۵ ویژگی خود این فرد داشته باشد والا نمی‌تواند به تعمیر مساجد و عمران مراکز مذهبی بپردازد. پس باید اول خود را درست کنیم. عمران مسجد تنها تعمیر ساختمان مسجد نیست بلکه عمران مسجد هم منظور است که یک بخشی با اجتماعات و برگزاری مراسم است.

قرآن کریم می‌فرماید کسی می‌تواند متصدی احیای مسجد و هیأت باشد که باور قوی به خدا داشته باشد، باور قوی به قیامت داشته باشد، اهل نماز باشد والا حرف اثر نمی‌کند، اهل زکات باشد و جزء از خدا نترسد. این ۵ ویژگی اداره کنندگان مساجد، هیأت‌ها، جلسات، برنامه‌های مذهبی است.

زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکسری از مشکرین و اهل کتاب می‌گفتند ما کمک می‌کنیم و مسجد می‌سازیم، ما کمک برای تعمیر مسجد الحرام می‌کنیم. این آیه نازل شد. کسی که متصدی امور مساجد و هیأت‌ها و برنامه‌های مذهبی است باید این ۵ ویژگی را داشته باشد.

کسانی که دست‌اندر کار کارهای مذهب یو هیأت هستند این آیه را تابلو کنند و در هیأت‌ها و مساجد قرار دهند. ایمان به خدا، ایمان به معاد، نماز، زکات و ترس از خدا باید ویژگی متصدیان امور مذهبی باشد. اینها خود هدایت‌شده هستند. وقتی خود هدایت شده باشند می‌توانند دیگران را هم هدایت و جذب کنند.

راه‌های جذب جوانان به هیأت‌ها چیست؟ مقام معظم رهبری زمانی یک مثالی زدند که جالب بود. من نقل به معنا می‌کنم، فرمودند یکی از دوستان و یا افرادی که به کلیساهای کشورهای اروپایی رفته بودند در کنار کلیسا مرکزی باز کردند که دختر و پسر در کنار هم می‌نشینند و صحبت می‌کنند. به





چهارمین نکته برای جذب جوانان به هیأت‌ها پرهیز از تعصب به ویژه تعصب‌های سیاسی است. یک خط قرمزهایی فرد دارد و این جوان به فرد دیگری رای داده باشد. چه اشکالی دارد؟ مگر می‌شود نظر و رای او را در کشور خفه کرد؟ به هر حال جریانات سیاسی در کشور وجود دارند و این غلط است.

در شورای گزینش در وزارت علوم و حوزه شرکت می‌کنم این را بیان می‌کنم که این نگاه غلط است. به هر حال شما در این کشور دو فکر دارید. بسیاری از این جوانان مقلد آقا هستند. این طور نیست که خیلی از اینها بخواهند نظام را بفرروشند. خط قرمز داریم.

اگر کسی جلوی رهبری و نظام و شهدا ایستاد است خط قرمز است. من در شهری برای سخنرانی رفتم و دو نفر آمدند و گفتند این رئیس اصلاح طلبان در این شهر و آن یکی رئیس اصولگرایان در این شهر است. هر دو هم پدر شهید بودند و خیلی با هم رفیق بودند.

همانند طرفداران تیم‌های فوتبال که یکی قرمز و یکی آبی است. این خارج از چهارچوب‌های تیم ایران نیست. هر دو در این مملکت هستند. لذا پرهیز از تعصبات سیاسی یکی از راه‌های جذب جوانان است. اگر بخواهیم یا نخواهیم هیأت‌های رزمندگان یک طیف را جذب می‌کنند. این درست نیست. گاهی مواقع در موضع‌گیری و برنامه‌ها و سخنران‌ها به گونه‌ای عمل می‌شود که درست نیست.

نیازهای جوانان را بشناسید

راهکار دیگر بحث نیازسنجی در جوانان است. یکی از مشکلاتی که داریم این است که در سخنرانی‌ها، برنامه‌های مذهبی و هیئات موضوع صحبت و محوریت بیان نمی‌کنیم. به یاد ندارم با من تماس گرفته باشند و بگویند درباره این موضوع صحبت کنید، فقط من را دعوت می‌کنند. در جمکران همین است. ما فقط در حرم حضرت معصومه (س) و امام رضا (علیه السلام) توانستیم بقبولانیم که موضوع بدهند.

از الان موضوع ماه رمضان حرم را داده‌ام. تفسیر سوره احزاب است. در مشهد هم این کار را می‌کنند اما ۵۰ مورد دعای ندبه در هیأت رزمندگان داریم و این جلسات نیاز به موضوع سخنرانی دارد. همان حرف‌های هفته پیش من را این هفته یک نفر دیگر بیان می‌کند. همدیگر را نمی‌بینیم، گوش نمی‌دهیم، کنترل نداریم. در جمکران سخنرانی دارم ولی یک نفر به من نمی‌گوید این موضوع سخنرانی باشد. به خود ما واگذار می‌کنند. این اشکالی ندارد اما نیازسنجی

دیگر به مسجد و هیأت نیاید. جوانی در مسجد نماز می‌خواند و در میان نماز حرف می‌زند و اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ناراحت شدند و خواستند با او برخورد کنند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه نداد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایشان را خواند و گفت تو حرف می‌زنی و اشتباه می‌کنی! بلکه فرمودند نماز سه چیز است قرآن و ذکر و دعا! غیر مستقیم تذکر داد که حرف نزند. این خوش رفتاری با جوان دومین عاملی است که باعث می‌شود جوانان به مساجد جذب شوند.

عامل سوم مسئولیت دادن به جوانان است. جوانانی که دور شما به هیأت‌ها می‌آیند یکی طراح است و یکی در کامپیوتر تجربه دارد، یکی در برق تجربه دارد. من این را امتحان کردم، یک زمانی در دانشگاه مسئول نهاد نمایندگی رهبری بودم، مراسم داشتیم به دانشجویان مسئولیت می‌دادیم و این جوان به خود می‌بالید.

مسئولیت دادن به جوانان در هیأت‌ها

مسئولیت دادن یکی از راه‌های جذب جوانان است. همه کارها را خود بر عهده نگیرید. یک زمانی آقای قرائتی این نکته را بیان می‌کردند که چرا خدا به حضرت ابراهیم (علیه السلام) فرمود تو و پسررت خانه من را تمیز کنید؟ نمی‌خواهد بگویم معنای این آیه این است ولی برداشت می‌تواند باشد که برای اداره یک هیئت و مسجد نیروهای قدیمی باید در کنار خود نیروهای جوان را داشته باشند. استفاده از تخصص‌های گوناگون جوانان باید صورت گیرد.



علیه و آله) می‌گرفت این بود که این آقا جوانان ما را از ما گرفته است. وقتی نزد ملکه حبشه آمدند عمروعاص همین را گفت که بچه‌های کم‌سن و سال ما دور این مرد جمع شدند. پیران و بزرگان این را قبول ندارند.

این مهم است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نخستین نیروهای خود را از میان جوانان گرفت که آن هم با شخصیت دادن آنها بود. اسامه را فرمانده گذاشت، فلانی را استاندار گذاشت، یکی دیگر را اولین امام جماعت مدینه گذاشت. این شخصیت دادن اولین نکته است و مقصود من همان چیزی است که مقام معظم رهبری و امام (ره) معتقد بودند. بارها نزد مقام معظم رهبری رسیدیم و ایشان مرتب امید به این جوانان می‌دهند. نکته دوم خوش رفتاری و تعامل با جوانان است. یک حادثه امکان دارد یک جوان را طرد کند و





کرسی آزاداندیشی به این معنا است دو فردی که تفکر موافق و مخالف نسبت به موضوعی دارند دعوت می‌کنیم تا حول محور آن موضوع با هم بحث و مناظره علمی کنند و مردم هم گوش دهند. یا جلسات پرسش و پاسخ داشته باشیم. بارها گفته‌ام به این سمت حرکت کنید که خود یک نوع تنوعی در مخاطب ایجاد می‌کند و آن را به برنامه‌ها جذب می‌کند.

و جلسات بحث برگزار کنید و گفت‌وگو کنید. این که بفهمید به چه دلیل می‌گویند ۱۳ سال باشد؟ با هم بحث کنید و حتی ممکن است به وجوه مشترکی برسید، اصلاً فتوای یک عالم تغییر کند. لذا یک جلسه نقد مقتل برگزار کنیم. چه اشکالی دارد. یک جلسه فقط جوانان متاهل با خانم‌ها بیایند. بحث ارتباط با همسر و خانواده‌داری برگزار کنیم. جوانان مجرد شرکت کنند و معیارهای ازدواج را بیان کنیم. آنها که فرزند دارند راه‌های تعامل با فرزند را آموزش دهیم. در تهران برخی از مساجد این برنامه‌ها را دارند. برگزاری جلسات تخصصی در قالب نقد، کرسی آزاداندیشی، پرسش و پاسخ باشد. خیلی هیأت‌ها را سنتی برگزار می‌کنیم. مداح بخواند و سخنران سخنرانی کند و بعد سینه بزنند و تمام شود.

من ده سال است در هیأت رزمندگان منبر می‌روم، یکی از اینها به یاد دارند من در این ده سال چه گفتم. این حرف‌ها به یاد نمی‌ماند. موضوع سخنرانی سال قبل من را کسی به یاد ندارد. اگر پرسش و پاسخ، نقد و تخصصی شود و خود فرد درگیر جلسه شد این بیشتر به ذهن‌ها می‌ماند. من مخالف برگزاری هیأت‌ها به آن شیوه نیستم. آنها باشند. در ماه محرم ما منبر سنتی می‌خواهیم. ماه رمضان جلسات می‌خواهیم.

ماه رمضان تفسیر قرآن بگویید

به تمام روحانیون گفتم همه مبلغین تفسیر بگویند.



نکته دیگری که باید بیان کنم رویکرد به تنوع برنامه‌ها است. به سمت کرسی‌های آزاداندیشی در هیأت‌ها بروید. نگاه به جمعیت نکنید، سه شب در مشهد سخنرانی داشتیم که هیأت خوبی هم بود. سالی یکی دو بار برای آنها برنامه داریم. این سه شب موالید را سخنرانی نکردیم و پرسش و پاسخی برگزار کردیم.

آقای شریعتی به عنوان مجری آمدند و من هم کنار ایشان نشستم و مردم سؤال پرسیدند و ما جواب دادیم. خیلی جمعیت هم جمع شدند و این شیوه خیلی جواب داد. نمی‌گویم این کار را در دهه محرم بلکه عصرهای محرم برگزار کنیم یا شب‌های ماه رمضان، بعد از ظهرها در هیأت‌ها این شیوه جواب می‌دهد.

کرسی آزاداندیشی به این معنا است دو فردی که تفکر موافق و مخالف نسبت به موضوعی دارند دعوت می‌کنیم تا حول محور آن موضوع با هم بحث و مناظره علمی کنند و مردم هم گوش دهند. یا جلسات پرسش و پاسخ داشته باشیم. بارها گفته‌ام به این سمت حرکت کنید که خود یک نوع تنوعی در مخاطب ایجاد می‌کند و آن را به برنامه‌ها جذب می‌کند.

مثلاً یک جلسه در ماه محرم نقد مقتل می‌گذاریم. مردم شرکت کنند و از برگزاری این مراسم نترسیم. یک زمانی خدمت مقام معظم رهبری بودم و صحبت ۱۳ سال تکلیف مطرح شدند که برخی از آقایان قم اذعان دارند تکلیف باید ۱۳ سال باشد و مشهور می‌گویند ۹ سال است. ایشان در این جلسه فرمودند به فتوای مخالف حمله نکنید. مبنایی را بگیرید

لازم است. یک بار در خوی رفته بودم و نیازهای این شهر با شیراز قابل مقایسه نیست. یک شهر مذهبی و بسته و اصلاً قابل مقایسه با شیراز نیست. اصلاً قابل مقایسه با اصفهان نیست.

لذا ببینیم منبرها از باورهای اعتقادی خالی شده است. بیشتر اخلاقی و تاریخی و سیاسی شده است. اعتقادات جوانان توجه نمی‌شود. یک زمانی در مدینه بودم چند جوان هم با ما بودند. در بقیع رفتند، آقایی که آنجا اهل افغانستان است و صحبت می‌کند و سال‌ها روی این کار شده تا بتواند حرف بزند، چند شبیه برای جوانان ما ایجاد کرده بود.

شیخ طوسی در کتاب فلان و صفحه فلان می‌گوید قبر نباید این میزان بالاتر باشد. روایت‌های این چنینی را پیدا کرده بودند تا شبیهات را ایجاد کنند. این جوانان به هتل آمدند و به من گفتند حرف‌های اینها درست است. خیلی بی‌ربط نمی‌گویند. چطور ۱۵ سال پای منبر من بود و یک نیم ساعت پای منبر این فرد و هابی بود و این شبیه اثر کرد؟

معلوم است درباره عقاید کار نکردیم. زمینه‌های سست است که به این سادگی با چهار حرف فرد و هابی چنین اثراتی ایجاد می‌شود. برخی مردم ما وقتی به مکه و بقیع می‌روند و برمی‌گردند با این حرف‌ها در اعتقادات خود سست می‌شوند.

نیازسنجی یعنی ببینیم امروز نیاز جوانان این منطقه، این شهر در چه بخشی است و طبق همان سخنران دعوت کنیم و طبق همان موضوع بدهیم، طبق همان روش و کتاب بدهیم. این خیلی مهم است.

کرسی‌های آزاداندیشی در هیأت‌ها



نکته مهمی که همه باید توجه کنیم شناخت جریان‌های انحرافی در هر زمان است. ماز ابتدای تاریخ جریانات انحرافی داشتیم. جریان سامری جمعیتی را تبدیل به گوساله پرست کرد. الان جریان یمانی جریانی انحرافی در جوانان است. جریاناتی جذب این شدند. نام انحرافی هم نمی‌گذارم و تنها می‌گویم جریان‌های فکری معاصر هستند.



هیچ کسی غیر تفسیر در ماه رمضان نگویید. چرا تفسیر نمی‌گوییم؟ آیه قرآن است. آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله صدر کتاب دارد. متن هم باشد و امتحان هم بگیرد و در عید فطر جایزه هم بدهید. یک زمانی در مسجد امام در قم منبر می‌رفتم و یک سال بیشتر هم نبودم. ساعت یک منبر می‌رفتم و تا نزدیک ساعت دو ادامه داشت. دو الی سه روز بعد برخی از بازاریان اعتراض کردند که تا ساعت دو صحبت کنید. من گفتم چرا؟ گفتند ما تایم برنامه‌های خود را روی ساعت دو تنظیم کردیم. منبری که نگاهش را با زمان می‌بندد و کاری به مطالب ندارد و فقط می‌خواهد این ساعت پر شود فایده‌ای ندارد.

همانند آن کسی که آمد کتاب بخرد و گفت قطر دو سانت باشد، طول این میزان باشد، رنگ سبز باشد. گفتند موضوع چه باشد؟ گفت هر چه می‌خواهد باشد. کتابخانه من کتابی دو سانتی کم دارد. این طور نباشد و باید تاثیر منبر وجود داشته باشد.

شناخت جریان‌های انحرافی

نکته دیگری که عرض می‌کنم شناخت جریان‌های انحرافی در هر زمان است. ماز ابتدای تاریخ جریانات انحرافی داشتیم. جریان سامری جمعیتی را تبدیل به گوساله پرست کرد. الان جریان یمانی جریانی انحرافی در جوانان است. جریاناتی جذب این شدند. نام انحرافی هم نمی‌گذارم و تنها می‌گویم جریان‌های فکری معاصر هستند.

شما می‌دانید الان اخباری گری در بین گروه‌های مذهبی ما رشد می‌کند؟ می‌دانید تفاوت دیدگاه



حضور در صحنه جامعه است. چهارم تربیت سیاسی است که موضع داشته باشد و رای تعیین می‌کنند. جوان رای پدر و مادر خود را هم تعیین می‌کند. پنجم تربیت علمی است، ارتقای سطح علوم و دانش‌های روز است.

باید برای این ۵ تربیت هیأت‌ها برنامه‌ریزی کنند و نگاه آنها به کثرت جمعیت نباشد. آقایان امام صادق (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) دوران امامت یکسانی دارند و هر دو ۳۴ سال امامت کردند. امام صادق (علیه السلام) ۴ هزار شاگرد دارند و امام سجاد (علیه السلام) ۱۷۳ شاگرد دارند. امام سجاد (علیه السلام) در طی ۳۴ سال ۱۷۳ شاگرد دارد و امام صادق (علیه السلام) در طی ۳۴ سال ۴ هزار شاگرد دارد. فکر نکنید جمعیت انبوه نشانه موفقیت یک هیأت است. ممکن است یک هیأت با ۱۰۰ نفر اداره شود. یک روحانی خوش ذوق، عالم، جوان پسند در هیأت‌ها محور قرار دهید. دنبال افراد خاص نگردید. مگر چند هیأت را آقای عالی می‌تواند شرکت کند؟ مگر چند هیأت را آقای پناهیان می‌تواند شرکت کند؟ ده برابر شما هیأت در شهرها وجود دارد که باید آنها هم حفظ شود.

لذا یک فرد محوری در هیأت‌ها پیدا کنید که این برای شما پایه و اساس باشد و در واقع بتواند جلسات شما را اداره کند. موارد دیگر هم دعوت شوند منعی ندارد ولی فرد محوری باید ویژگی‌هایی اعم از خوش اخلاقی، باسوادی داشته باشد و گرایش‌های سیاسی تند نداشته باشد. این خیلی موثر است و این رمز موفقیت یک جریان و هیأت داشتن یکی دو نیرو این چنینی است که ان شاء الله روی این کار خواهد شد.

بین حوزه قم و مشهد امر جدی است؟ مسئله جریانات فکری، چه درست و چه غلط، در هر زمانی که وجود دارد مهم است که بتوانیم برای جوانان تبیین کنیم. این آشنایی خود هیأت را می‌خواهد. هیأت مذهبی هیأت علمی می‌خواهند که علاوه بر هیأت امنا است یعنی برنامه‌ریز مذهبی و برنامه‌ریز فرهنگی می‌طلبید. کسی که بگوید در جلسات این بار خود به این موضوعات و این مطلب اشاره کنید. ما که نمی‌توانیم چشم خود را ببندیم. به هر حال جریاناتی پیرامون ما وجود دارد و این جریانات کار می‌کند و بخواهیم و نخواهیم برخی از جریانات جذب جوانان را دارند. جریان دراویش، صوفیه چقدر آدم داشتند و چطور جذب کردند؟ جریان یمانی چطور در شهرها جذب نیرو داشتند؟ هنوز منبر بی‌بدیل است. نمی‌خواهیم یاس ایجاد کنیم، امید فراوان است. مقام معظم رهبری بارها اذعان داشتند که آن اربعین ماست، آن عرفه ماست، آن اعتکاف ماست. ذات جوان پاک است. ایشان اعتقاد و آفری به جوانان دارند. منتها جوان نیاز به چند تربیت دارد. نیاز به تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت علمی دارد

۵ محور برنامه‌ریزی برای جوانان

این ۵ محوری است که باید روی جوانان برنامه‌ریزی کنید. نخست تربیت اعتقادی و دینی است یعنی باورها را محکم کنید. دوم تربیت اخلاقی است، پدر و مادر خود را احترام کند، فحش ندهد، پای فیلم مبتذل ننشیند. سوم تربیت اجتماعی است که

سردار حسین نجات در گفت و گو با ماهنامه هیأت اظهار کرد: مطالبه مقام معظم رهبری از هیأت‌ها انتقال معرفت دینی، عشق و علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام با روش‌های هنرمندانه به مخاطب به ویژه نسل جوان است و همچنین دغدغه‌های نظام جمهوری اسلامی را نیز منتقل کنند.

وی با بیان اینکه هیأت رزمندگان سراسر کشور چند مهم از جمله زنده نگه داشتن فرهنگ دفاع مقدس را مدنظر قرار داده است، گفت: مقام معظم رهبری فرموده اند که هیأت غیرسیاسی نداریم به این معنا که هیأت باید دغدغه‌های نظام را شناسایی سپس به تبیین این مسائل بپردازد.

سردار نجات ادامه داد: هیأت‌های رزمندگان ترفند و برنامه‌های دشمنان برای نسل جوان را باید به خوبی شناسایی کنند و برای مقابله با این برنامه‌ها نیز آمادگی لازم را کسب کند و این آمادگی می‌تواند شامل مداحی، سخنرانی، کلیپ یا حتی نمایشگاه باشد.

وی با تاکید دوباره بر توجه هیأت‌ها به سه مولفه انتقال معرفت دینی، عشق به ائمه اطهار و دغدغه‌های نظام گفت: باید از ظرفیت هیأت‌ها در این سه موضوع به ویژه دغدغه‌های نظام بهره‌گیری کرد.

نجات ابراز کرد: اسلام آمده که شرک را بردارد و توحید را جایگزین آن کند؛ تنها حاکمیت‌ها هستند که می‌خواهند شرک و بت پرستی و اشرافی‌گری را نگه دارند لذا انبیاء الهی با حاکمیت‌هایی که دنبال زر و زور تزویر بودند روبه‌رو بوده‌اند.

وی با بیان جمله‌ای از امام خمینی رحمت‌الله علیه مبنی بر اینکه دین ما عین سیاست ما است عنوان کرد: مبنای قانون خدا و قرآن است اما دیکتاتورها معتقدند مبنای قانون خودشان هستند؛ اسلام غیرسیاسی نداریم و در رأس نظام سیاسی کشور باید کسی باشد که قانون خدا را اجرا کند و مکانیزمی را تبیین کند که مبنای الهی داشته باشد.

سردار نجات گفت: سایت، نشریه هیأت و بولتن تحلیل نسبت به تولید محتواهای انقلابی و مرتبط با دفاع مقدس برای سخنرانان و مسئولین هیأت‌ها اقدام می‌کند و این کار در حال انجام است.

وی با اشاره به شعار امسال و حمایت از کالای ایرانی افزود: هیأت رزمندگان می‌تواند با استفاده از ظرفیت منبر نسبت به حمایت از کالای ایرانی تبلیغات لازم را انجام دهد و مردم را نسبت به اشتغال جوانان تشویق و ترغیب کند تا فرهنگ استفاده از کالای ایرانی نیز در بین عموم مردم نهادینه شود. سردار نجات افزود: فعالیت در حوزه خدمات اجتماعی جزو رویکردهای امسال است که نسبت به این موضوع تاکید شده لذا ایجاد صندوق خیریه، کمک در ازدواج آسان و حل مشکلات مردم در سراسر کشور مدنظر قرار خواهد گرفت.



سردار نجات:

دیکتاتورها معتقدند مبنای قانون خودشان هستند

سردار حسین نجات گفت: مبنای قانون خدا و قرآن است اما دیکتاتورها معتقدند مبنای قانون خودشان هستند؛ اسلام غیرسیاسی نداریم و در رأس نظام سیاسی کشور باید کسی باشد که قانون خدا را اجرا کند و مکانیزمی را تبیین کند که مبنای الهی داشته باشد.



مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان اصفهان:

مسئله «آتش به اختیار» در هیأت‌ها مغفول واقع شده است



مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان اصفهان گفت: این مسئله مغفول واقع شد چرا که آتش به اختیار مورد اشاره رهبر انقلاب، هیأتی‌ها و قشر فرهنگی هستند. محمد نادر اصلی مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان اصفهان در گفتگو با ماهنامه هیأت اظهار داشت: دست اندرکاران هیأت

رزمندگان به صورت جهادی و با عشق و علاقه فعالیت می‌کنند و این روحیه به استان‌ها نیز سرایت کرده است.

وی با تأکید بر تربیت افراد جایگزین برای مدیران اجرایی در استان‌ها و قرار گرفتن مشاور جوان افزود: مهم این است که دل و اعتقاد جوان باشد؛ باید به موضوع جوان گرایی بیش از پیش در همایش‌های دوره ای هیأت رزمندگان پرداخته شود.

مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان اصفهان عنوان کرد: حضرت آقا فرمودند هیأت‌ها نباید سکولار باشند و این آفت است؛ امروز روز مرگی نباید فراگیر شود چرا که باعث کند شدن حرکت‌های دینی و انقلابی می‌شود و باید مقابل این انحراف ایستادگی کرد.

وی با اشاره به شعار سال تأکید کرد: کالای ایرانی یعنی مردم ایران؛ اگر هیئات به دنبال حمایت از مردم باشند شعار سال هم محقق می‌شود چرا که هیأت‌ها نباید کار اقتصادی انجام دهند اما باید به دنبال کشف افراد مستقل باشند؛ کشف کسانی که دنبال ناپیداها هستند. نادر اصلی بیان کرد: امروز لیدر هیأت‌ها دو نفر هستند؛ یک مدیر و دوم مداح، اگر مداح انقلابی باشد و تهدید را بشناسد می‌تواند تصمیم بگیرد چه نوحه‌ای را بخواند و چه شعری را انتخاب کند.

وی با تأکید بر مسئله آتش به اختیار عنوان کرد: این مسئله مغفول واقع شد چرا که آتش به اختیار مورد اشاره رهبر انقلاب، هیأتی‌ها و قشر فرهنگی هستند؛ هیأت حرکتی است در راستای حرکت امام حسین علیه‌السلام لذا باید با همه نوع گرایش سیاسی و عقیدتی گفت‌وگو کرد.

مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان اصفهان گفت: باید به مسئله نفوذ فرهنگی بیش از پیش پرداخته میشد اما این نکته مغفول ماند. ما امروز در اصفهان مداحانی تربیت میکنیم در تراز انقلاب اسلامی هستند. وی افزود: حرکتی در اصفهان تحت عنوان «منتظران ظهور» نیازسنجی شد که حدود ۵ هزار و ۲۰۰ نفر مصادف با ۱۱ شعبان و روز جوان از اصفهان به سمت جمکران حرکت کردند و این کار با دیدگاه‌های انقلابی و با هیمنه انقلابی این حرکت انجام شد؛ پیام این حرکت این است که هر جایی ولایت احساس نیاز کند می‌تواند روی ما حساب باز کند.



مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان قم:

همایش‌های دوره‌ای هیأت رزمندگان با حضور فعالان فرهنگی جوان برگزار شود

مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان قم گفت: در همایش دوره‌ای باید جوانان در کنار پیشکسوتان قرار بگیرند و با تبادل تجربه از ظرفیت جوانان، نظرات ایشان نیز استفاده شود.

حمیدرضا شمس، مدیر اجرایی هیأت رزمندگان استان قم در گفت‌وگو با ماهنامه اظهار کرد: همایش ماهیانه که هر سال برگزار می‌شود در تبادل تجربیات سایر استان‌ها و همچنین آشنایی با مسائل سیاسی روز بسیار خوب و مفید است. وی گفت: بصیرت در مسائل سیاسی، آگاه‌سازی خانواده‌ها و جذب جوانان مهمترین دغدغه‌هایی است که هیأت‌ها باید به آن بپردازند.

شمس افزود: بر اساس فرمایش بزرگان جلسات مذهبی باید مقداری از حالت سنتی فاصله بگیرد و به روز شود که این مهم با برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، پرسش و پاسخ و شبیه‌زدایی عملیاتی می‌شود.

بیان کرد: در هیأت رزمندگان قم معاونت فضای مجازی تشکیل شده که در این راستا فعالیت می‌کنند و مطالب و متون خوب و مفید و در راستای پاسخ به شبهات تولید می‌گردد.

شمس تأکید کرد: کار هیأت کار اقتصادی و تشکیل تعاونی نیست. در کارهای اصلی چنین مسائلی پیگیری شود خوب است اما نباید به عنوان اصل مورد توجه قرار بگیرد. وی افزود: در همایش دوره‌ای باید جوانان در کنار پیشکسوتان قرار بگیرند و با تبادل تجربه از ظرفیت جوانان، نظرات ایشان نیز استفاده شود.



هیأت

بیات رزمندگان اسلام
ماهنامه فرهنگی - مذهبی



مقام معظم رهبری، سال ۹۷ را با عنوان «حمایت از کالای ایرانی» نامگذاری کردند



مسلمانان تنها رانجات اقتصاد کشور از همین مسیر توجه به تولید داخلی می‌گذرد و همه مردم، نهادهای، گروه‌ها و سازمان‌ها وظیفه دارند در راستای تحقق این امر مهم گام‌هایی بلند بردارند. شاید این سؤال ایجاد شود که آیا هیأت‌ها هم در این زمینه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟ قطعاً پاسخ به این سؤال مثبت است و فقط باید به دنبال پاسخ به این سؤال بود که هیأت‌ها در این زمینه چگونه باید نقش آفرینی کنند؟ در این زمینه با احمد پناهیان، مسئول جوانان عاشورایی هیأت رزمندگان اسلام گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

♦ با توجه به اینکه رهبری امسال را سال حمایت از تولید داخلی نام گذاری کردند به ما بفرمایید یک هیأت چگونه می‌تواند در این راستا اثر گذار باشد؟

• امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «به دیدار یکدیگر بروید و اجتماعات را تشکیل بدید و امر ما را بگفتن ساز و احیا کنید.» این یک تعریف برای هیأت است. هیأت‌ها می‌توانند نقش موثری در حمایت از تولید داخلی داشته باشند در گفتمان سازی این مهم یعنی در حوزه اقتصادی، اگر بحث امروز، بحث جهاد اقتصادی است و مشخصاً در حوزه تولید و حمایت از تولید داخلی و مقابله با واردات بی‌رویه اجناس خارجی، این فضا اولین اتفاقی که باید ایجاد کند گفتمان سازی در جامعه است. هیأت متشکل از مجموعه‌های مردمی است یعنی مردم نهاد بوده و مستقیم در ارتباط با زندگی روزمره مردم است در جلسات متعدد در مباحث و یاد بر نامه‌های فوق العاده‌ای که معمولاً در هیأت‌ها برگزار می‌شود از قبیل فضای مجازی‌ای که در اختیار هیئت‌ها هست و نمایشگاه‌هایی که می‌توانند ایجاد کنند در بحث گفتمان سازی این اصل یا بهتر بگوییم فرهنگ سازی این فرمان امام و ولی فقیه اولین گام را می‌توانند بردارند که یک اقدام بسیار موثری است. افراد زیادی در این دوران به مناسبت اعیاد و مراسم‌های مختلف به این فضا می‌آیند. اکثریت مردم مامومن و متدین هستند و به اهل بیت، هیأت و عبادات اهتمام دارند باید گفتمان سازی شود و در مرحله اول ضرورت این امر تبیین شود و در مرحله دوم باید اقدام عملی صورت بگیرد.

در بحث منویات ولایت وظیفه دوم اقدام عملی است هیأت‌ها در فضای حاشیه‌ای خود می‌توانند خیلی از این موضوعات را مدیریت کنند در ایجاد فضای تولید داخلی می‌توانند موثر باشند زیرا اجتماعات مردمی را

گفت‌وگو با احمد پناهیان، مسئول معاونت جوانان عاشورایی هیأت رزمندگان اسلام درباره نقش موثر هیأت‌های مذهبی در تحقق شعار امسال

هیأت‌ها برای حمایت از تولید داخلی گفتمان سازی کنند





هیأت علاوه بر اینکه خود مطالبه می کند در جامعه هم باید فضای مطالبه از مسئولین را ایجاد بکند... افرادی از مسئولین که مقید نبوده و مومنانه در پست خود قرار نگرفته باشند به دلیل اینکه جایگاه خود را از دست ندهند و مقبولیت عامه را هنوز داشته باشند قطعاً به مطالبه پاسخ خواهند داد...



نگاهی به همایش

است که محور اساسی آن تبیین اوامر ولایت باشد که شامل ولایت الله، ولایت نبی و ولایت ائمه هدی و امروز ولایت فقیه است که قطعاً ولایت فقیه در طول ولایت الله قرار دارد و جزو وظایف و جهت گیری های هیأت است. بحث دیگر تعمیق ایمان است، باید خروجی یک هیأت، مومنان با صلابتی باشد ما معارف عمومی اسلامی را عنوان می کنیم ولی هیأت موظف است معارف عمیق اسلامی در دین که دستور امام معصوم نیز هست یعنی درک عمیق از دین را بیان کند... هیأت خوب آن است که معارف عمیق اسلامی را ملزم باشد که انتقال دهد صرف اینکه یک کشکولی از اطلاعات را عنوان کند کفایت نمی کند لازمه این آن است که هم منبر هیأت هم مداح روز به روز رشد کند

♦ **مداح و روحانی خوب به چه کسی گفته می شود؟**
♦ مداح و منبری هیأت اگر روز به روز رشد نکند هیأت را دچار خمودی و ایستایی و پس رفت می کند و در این صورت ریزش زیاد خواهد بود. مردم برای اقبال معنوی به هیأت مراجعه می کنند اگر اشباع نشود این خواسته آن ها و این مطالبه اجابت نشود در آن صورت مستمعین ریزش کرده و ممکن است به سمت عرفان های کاذب و اعتقادات واهی بروند. پس باید هم مداح هم منبری همزمان با هیأت رشد کند و طوری شود که کسی که هیأت می آید شرایطش به گونه ای شود که با ۱۰ سال گذشته تغییر بسیار داشته باشد

شاخصه دیگر هیأت خوب این است که شعائر و محورهای اصلی که جمهوری اسلامی تعیین کرده را با فریاد به گوش همه برساند و موضعش را صریح اعلام کند. یکی از مهم ترین توصیه های رهبر انقلاب در دیدار آخر با مداحان وضوح موضع در هیأت ها بود. خط مشی هیأت باید مشخص باشد که این باعث بالا رفتن انگیزه جبهه خودی و ارزشی و یاس و ناامیدی جبهه دشمن می شود. ویژگی دیگر هیأت خوب این است که برای همه اقشار سنی مختلف برنامه داشته باشد. مشخصه دیگری که یک هیأت خوب باید داشته باشد این است که در حاشیه باید اقدامات عملی نظیر راهیان نور، اردوهای جهادی و... داشته باشد به شرطی که اصالت و سنتی بودن هیأت به همان شکل باقی بماند

♦ **به نظر شما برای مقابله با هیأت هایی که خلاف اصول عمل می کنند باید چه کرد؟**

♦ دوا را برای مقابله و وجود دارد یکی ایجابی و دیگری سلبی مقابله مثبت یا ایجابی آن است که هیأت های مذهبی تقویت شود به طوری که کسی جذب هیأت های دیگر نشود و راه دیگر این است که اگر در موقعیتی منبری یا مداحی خلاف اسلام و انقلاب و ولایت فقیه موضع گرفت هیأت ها و منبری های دیگر باید روشنگری کنند و با آن شخص صحبت کرده و امر به معروف کرده و او را از این راه اجتناب بدهند.

آن ها یک بازاریابی می شود و با یک تخفیف ویژه ای با کد خاصی یا با یک کارت پستال خاصی پخش شود که این ها بعداً به فروشگاه مراجعه کنند و یک درصدی تخفیف به آن ها داده می شود و خود این خرید و توجه بیشتر به محصولات داخلی باعث تبلیغ می شود زیرا هر شخصی که این جنس را می خرد بین خانواده و اقوام و خویشان تبلیغ می کند مطلب دیگر بحث تعاونی هاست هیأت ها بستر ایجاد تعاونی ها را دارند. تعاونی هایی که بعداً تسهیلاتی را برای تولیدگران و کسانی که اهل تولید هستند ایجاد کنند. از آنجا که هیأت با مومنین ارتباط دارد و کمتر فضای سودجویانه در آن مطرح است می تواند از این جهت هم کمک کند یعنی مجموعه های اقتصادی مومنان را ایجاد کند یا مجموعه هایی که بنیان های اقتصادی را تقویت کند مانند همین ماجرای تعاونی ها که اوایل انقلاب به سرعت شکل گرفت و توانست در آن مقطع دوران بحران شدید کاری انجام دهد که جامعه با بحران های نظامی و امنیتی و سیاسی مقابله کند به طوری که بحران اقتصادی در آن زمان مسئله اول نبود علت این بود که خود مردم وارد عرصه شدند. نکته دیگری که باز هیأت های می توانند در آن نقش داشته باشند جریان مطالبه از مسئولین است دولتمردان و مسئولین ذریع حمایت از تولید باید از آن ها مطالبه شود هیأت بعنوان یک نهاد مردمی می تواند این مطالبه را انجام دهد و زبان مردم شود یا نامه نگاری و مراجعه کردن حتی در فضاهای مجازی گله مندی خویش را ابراز کند.

باب نقد مسئولین بشدت باز است. دولت نهیم وقتی شکل گرفت مقام معظم رهبری در جلسه عمومی فرمودند: «حالا دولت تشکیل شد اما سوال و مطالبه وظیفه شما جوانان است.»

در حال حاضر هیأت های ما هم که غالباً شامل جوان ها می باشد نباید از مطالبه از مسئولین و سوال غافل شوند. برای ما فرقی ندارد که مسئول چه کسی است هر کس که هست باید سوال کنیم و به جاهایی هم که اوامر رهبر انقلاب نادیده گرفته شد یا اهمالی شد آنجا باید مردم از مسئولین مطالبه کنند... هیأت علاوه بر اینکه خود مطالبه می کند در جامعه هم باید فضای مطالبه از مسئولین را ایجاد بکند... افرادی از مسئولین که مقید نبوده و مومنانه در پست خود قرار نگرفته باشند به دلیل اینکه جایگاه خود را از دست ندهند و مقبولیت عامه را هنوز داشته باشند قطعاً به مطالبه پاسخ خواهند داد...

♦ **از نظر شما ویژگی های یک هیأت خوب چیست؟**

♦ در بیان مقام معظم رهبری این ویژگی به طور مبسوط بیان شده است که وظیفه یک هیأت گفتمان سازی اوامر و ولایت است یعنی باید اگر امام و ولایت مطلبی را عنوان یا فرمانی را صادر کردند یا چیتی را مشخص کرد هیأت ها وظیفه دارند برای جامعه این را تبیین و تشریح کنند. وظیفه یک هیأت انقلابی خوب شاخص هیأتی

دارند خیلی از تولیدات مادر صنایع دستی یا پوشاک و بعضی از مسائلی تولیدات خانگی این باب تولیدات خانگی اگر باز شود و پس از آن هیأت بتواند یک فضایی را ایجاد کند و با هماهنگی که با مسئولین ذریع دارد و در بحث بازار فروش و عرضه با قیمت مناسب و کیفیت عالی می تواند عملاً هیأت هم در این عرصه وارد شود. در حال حاضر بسیاری از هیأت ها اردوهای جهادی برگزار می کنند این اردوها به کسانی که در هیأت شرکت می کنند کمک می کند تابا واقعیت ها بسیار ملموس تر رو به رو شوند هیأت های ما غالباً در شهر ها هستند و خیلی از کسانی که در آن هستند مشغله های روزمره اجازه نمی دهد که این ها به مناطق محروم خیلی سفر کنند و با اوضاع از نزدیک آشنا و با خبر بشوند اردوهای جهادی خیلی کمک می کند ما یکی از مخاطبین اصلی مادر هیئت ها جوانان هستند و یکی از توصیه های موجد مقام معظم رهبری به جوانان اردوهای جهادی است. اردوهای جهادی اصولاً کانون های اقتصادی است زیرا وقتی وارد مناطق محروم می شویم می بینیم که به خاطر محرومیت های اقتصادی دچار این حادثه شدند خیلی از این مشکلات را می شود هماهنگ و درست کرد. به عنوان مثال بسیاری از محصولات داخلی با کیفیت خوب را می شود توزیع کرد و خیرین را پیدا کرد و از کسانی که تولید می کنند خریداری کرد و به محرومین رساند. این توزیع کار مقدس و نورانی است که هم صدقه جاریه است هم اینکه از محصولات داخلی استفاده می شود. در مقاطع خاصی مانند ایام شهریور ماه که مردم آماده می شوند برای مهرماه یک مجموعه ای در حاشیه هیأت با محصولات ایرانی تهیه کنند و در حاشیه هیأت عرضه بشود... راه دیگر این است که به عنوان مثال اگر ایام عید است مقداری لوازم که قرار است خریداری شود می توانند گروه های مجازی را ایجاد کنند با تولیدات داخلی و این را در کانال های هیئت ها عرضه کنند و از طریق همین فروشگاه های مجازی با پیچه های هیأت و کسانی که به هیأت می روند و استفاده می کنند آن ها بهره مند شوند یعنی تأسیس این فروشگاه ها و هماهنگ کردن جنس های ایرانی برای عرضه کاری شدنی و آسان است و در هیأت می تواند این کار تقویت شود اما نکته دیگر معرفی مجموعه ها و محصولات خوب است که این هم می تواند از طریق کانال ها و سایت هایی که هیأت های مختلف دارند این مجموعه ها به خانواده ها معرفی شوند تا کسانی که با سخت کاری و پشتکاری مخلصانه ای تولید مناسبی را عرضه می کنند در هیأت ها معرفی شوند نمونه دیگری از کارهایی که هیأت می تواند انجام دهد این است که تعدادی از اعضای هیأت که خود تولیدگر یا محل عرضه تولیدات داخلی را با یک تخفیف ویژه برای هیأتی ها و کسانی که در مجالس شرکت می کنند ارائه شود در مناسبت ها این افراد شناسایی شده و برای

قائم مقام صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین کارکردهای هیأت‌های مذهبی را استمرار و بقاء قیام عاشورا دانست و گفت: یکی از بهترین بسترها برای انتقال فرهنگ هشت سال دفاع به نسل آینده هیأت‌های مذهبی هستند سید رمضان موسوی مقدم، قائم مقام صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با ماهنامه هیأت اصل شکل‌گیری هیأت رزمندگان در سراسر کشور را اقدام بسیار موثری دانست و اظهار کرد: برای بررسی هر موضوع ابتدا باید فلسفه آن موضوع را مدنظر قرار داد که آیا از دوام، بقا و استحکام لازم برخوردار است یا خیر؛ فلسفه وجودی، دلیل بر اصالت یا عدم اصالت هر موضوعی تلقی می‌شود.

موسوی مقدم با اشاره به هشت سال جنگ تحمیلی، سختی‌های رزمندگان در دفاع مقدس و جنگ یک کشور مقابل حداقل ۱۸ کشور بیان کرد: فرهنگ دفاع مقدس در قرن بیست و یکم به یک فرهنگ ناب و بزرگ‌مقابل سایر فرهنگ‌های دنیا تبدیل شد.

وی ادامه داد: از سویی دیگر فرهنگ دفاع مقدس برآمده از یک موضع تاریخی دیگری به نام عاشورا است که این فرهنگ توسط رزمندگان طی ۸ سال ظهور و بروز پیدا کرد که در نهایت به عنوان یکی از دستاوردهای این فرهنگ در کنار سایر آثار و برکات، سبب حفظ تمامیت ارضی کشور شد. قائم مقام صدا و سیما افزود: در حال حاضر همان رزمندگان در بهترین شکل سنتی و اثرگذار در قالب هیأت به بقاء این فرهنگ دامن می‌زنند و سبب احیاء ارزش‌های دینی می‌شوند.

وی یکی از مهمترین کارکردهای هیأت‌های مذهبی را استمرار و بقاء قیام عاشورا دانست و بیان کرد: یکی از بهترین بسترها برای انتقال فرهنگ هشت سال دفاع به نسل آینده هیأت‌های مذهبی هستند که خوشبختانه این محافل از گستردگی خوبی در سراسر کشور برخوردار هستند و از لحاظ کیفی نیز در حد بالایی قرار دارند. موسوی مقدم با تاکید بر اینکه هیأت‌های مذهبی باید غالب و شیوه سنتی موجود را حفظ کنند، گفت: غالبی که اثرگذاری دارد را نباید از دست داد لذا باید مراقب بود بعضی از کارهای نوآورانه موضوعات سنتی که برگرفته از مبانی دین است را تحت الشعاع قرار ندهد؛ به عنوان مثال در سینه‌زنی نباید موسیقی‌های امروزی اضافه شود و باید همان شکل سنتی استمرار یابد.

وی حضور عالم‌دارای بینش، با درک و فاضل را در هیأت مورد تاکید قرار داد و گفت: شعار عاشورا و دفاع مقدس باید تبدیل به سرود و شعر شود؛ یکی از آسیب‌هایی که بعضی هیأت‌ها را تهدید می‌کند مبالغه‌گویی، کم‌گویی، افراط و

قائم مقام صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد

استمرار و بقاء قیام عاشورا مهم‌ترین کارکردهای هیأت‌های مذهبی



بخش زیادی از مداحی باید اخلاق و پندیات باشد؛ بر همین اساس مداح باید آموزه‌های اسلامی را از عالم دریافت و آن را در غالب شعر منتقل کند؛ همچنین محتوای روضه و مداحی هم از عالم باید گرفته شده و به صورت هنرمندانه توسط مداح به مخاطب منتقل شود چرا که محوریت اگر عالمانه نباشد احتمال انحراف وجود دارد.

حشمت الله قنبری، استاد دانشگاه:

هیئت‌های مذهبی نباید وارد جناح بندی‌های سیاسی شوند

حشمت الله قنبری استاد حوزه و دانشگاه گفت: در هیئت هیچ وقت نباید وارد جناح بندی‌های سیاسی شد و حرکت باید در سایه ولایت و رهنمودهایی که از ناحیه ایشان متبادر می‌شود حرکت کرد و تصمیم گرفت.

حشمت الله قنبری کارشناس مسائل فرهنگی و استاد دانشگاه جوان‌های امروزی را اهل تعقل می‌داند و معتقد است: جوان‌های امروزی از ضرب هوشی بالایی برخوردارند؛ حق را از باطل به خوبی تشخیص می‌دهند؛ به طور طبیعی در مقابل موضوعات سست، زود کرنش نمی‌کنند و با هیچ مسئله‌ای بر اساس ترس و جَوّ کنار نمی‌آیند.

هیئت یک موجودیت و موضوعیت حرکت آفرین است و در اتصال به اهل بیت علیهم السلام می‌تواند اثر بخشی بسیار زیاد و فوق العاده‌ای داشته باشد چه بسا که در حال حاضر انقلاب اسلامی را می‌توان محصول هیئت دانست.

انتظار این است که در فضای هیئت علاوه بر مراعات حال مخاطب و مستمع، مطالب فاخر، متناسب با شئون جامعه، مستند، محکم و متین ارائه شود و اشعار نیز از ارزش ادبی و محتوایی بالایی برخوردار باشد.

جذب حداکثری در هیئت برقرار بوده و باید برای دفع حداقلی چند نکته را مدنظر قرار داد از جمله اینکه زائرین اهل بیت علیهم السلام که در فضای هیئت حضور می‌یابند را در تراز اهل بیت علیهم السلام مورد احترام قرار دهیم به این معنا که خادم هیئت خادم اهل بیت علیهم السلام است و هر کسی را که در هیئت خدمت میکند زائر اهل بیت علیهم السلام بدانیم. همچنین وقتی که از مستمع و مخاطب در هیئت میگیریم بر اساس تراز و خواسته اهل بیت علیهم السلام پُر شود نه بر اساس سلیقه‌های شخصی یا ضرورت و اضطرار؛ ضمناً نکته مهم اینکه در جلسات هیچ وقت نباید وارد جناح بندی‌های سیاسی شد و حرکت باید در سایه ولایت و رهنمودهایی که از ناحیه ایشان متبادر می‌شود حرکت کرد و تصمیم گرفت. در نقد کسانی که مسئله اسلام سکولار و اسلام سیاسی را مطرح می‌کنند باید گفت که قرآن و نهج البلاغه کتاب سیاست است لذا اسلام سیاسی است و اسلام برای اداره دین و دنیای مردم آمده است.



تفریط است که باید مراقب بود.

موسوی مقدم ابراز کرد: هنری کار کردن و استفاده از ابزارهای نوین و سنتی در عصر حاضر بسیار مهم است و تاثیر بالایی در انتقال فرهنگ عاشورا به ویژه در نسل و فکرهای جدید خواهد داشت و مخاطب را از سطح حسینیه به سطح ملی و فراملی فراتر می‌برد؛ به همین خاطر یکی از برنامه‌های مهم هیأت باید بررسی چگونگی استفاده از ابزار رسانه و قرار گرفتن در بستر رسانه به منظور افزایش مخاطب و تاثیر گذاری فراوان و منشأ برکات زیاد باشد. قائم مقام صدا و سیما با اشاره به موضوع عالم محوری یا مداح محوری در هیأت‌های مذهبی عنوان کرد: هیأت باید عالم محور باشد اما گفتگوی یک عالم دین شناس و تاریخ شناس و واجد شرایط در هیأت باید از طریق مداحی هم منعکس شود.

وی ادامه داد: بخش زیادی از مداحی باید اخلاق و پندیات باشد؛ بر همین اساس مداح باید آموزه‌های اسلامی را از عالم دریافت و آن را در غالب شعر منتقل کند؛ همچنین محتوای روضه و مداحی هم از عالم باید گرفته شده و به صورت هنرمندانه توسط مداح به مخاطب منتقل شود چرا که محوریت اگر عالمانه نباشد احتمال انحراف وجود دارد. موسوی مقدم با اشاره به انعکاس بخشی از برنامه‌های هیأت رزمندگان توسط رسانه ملی در مناسبت‌های مختلف، گفت: این تعامل در سراسر کشور برقرار بوده و دور بین صدا و سیما در این مراکز منعکس کننده همیشگی محافل خادمان اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.

وی در پایان با بیان اینکه در تولید برنامه و برنامه سازی شاد، کمبودهایی وجود دارد گفت: هیأت‌های مذهبی در اعیاد اسلامی برای احیاء بیش از پیش این اعیاد باید فعالیت بیشتری به خرج دهند تا مانند سایر مناسبت‌ها جشن‌های اهل بیت علیهم السلام در صدا و سیما ظهور و بروز بیشتری داشته باشد.

حمیدرضا مقدم فر، کارشناس مسائل استراتژیک
در بیست و چهارمین همایش مدیران هیأت رزمندگان اسلام:

هدف دشمن قداست زدایی از قدرت است



قیام امام حسین (علیه السلام) سیاسی بود. نه این که همه هیأت‌ها و مساجد خود را سیاسی کنیم. سیاست در این پیکره جدا نیست، جدا کنیم خواهه ربیع می‌شود. در این قوم که فرد انگلیسی در دفتر شان است. پول انگلیس مستقیم در بیت اینها وارد می‌شود.



عرض مختصری که خدمت شما دارم در دو بخش است. یک بخش گزارش از



وضعیت سیاسی کشور است و بخش دیگر برخی نکات درباره هیأت‌ها بیان خواهیم کرد. در مورد بخش اول عرض می‌کنم آنهایی که پرچمدار هیئت رزمندگان هستند این که در انقلابی بودن در زمان حال فقط ضد امریکا، ضد اسرائیل و گفتن شعار مرگ بر امریکا کافی نیست. عرصه دشمنی‌ها بعد از ۴۰ سال بسیار پیچیده و درهم شده است. اگر این پیچیدگی‌ها و معادلات جدید از جانب فرهیختگان و نخبگان و مدیران عرصه فرهنگی شناخته نشود ممکن است در پازل دشمن عمل کنیم و عملی انجام دهیم که دشمن می‌خواهد و یا کاری انجام شود که با شعار مرگ بر امریکا است اما در راستای خواسته‌های امریکا باشد. این را آگاهانه عمل نمی‌کنیم چون میدان و عرصه را نمی‌شناسیم گمان می‌کنیم این میدان برای ده و یا سی سال پیش است. این میدان نسبت به زمان ابتدای انقلاب تغییر کرده است. اگر این پیچیدگی‌ها را نشناسیم و به روز نباشیم اصلانمی توانیم انقلابی باشیم.



عرصه نفوذ، عرصه عجیبی است

ما در مقابل جبهه‌ای قرار گرفتیم که چند بعدی و چند وجهی است. این طور نیست که او هم شرایط بسیط و روشن و شفاف همانند دوران جنگ داشته باشد که صدام حمله کرده و ما می‌دانیم تکلیف چیست و می‌جنگیم. این طور نیست. همانند آن دوران نیست.

الان عرصه نفوذ در کشور ما عرصه عجیبی است. امروز می‌گویند ایران بهشت جاسوسان است. به برکت دولت جدید نفوذ و جاسوسی عجیب است. اوضاع بسیار پیچیده است. مدیر فرهنگی باید بسیار دقیق و هوشمند باشد. حواس او باید به همه جا باشد. پشت سر و مقابل و بالا و همه جا باید مراقب باشد.

یک سو داستان هیئت داریم و صادق شیرازی و سکولار هستند و باید برای آنها جواب داشته باشیم که جذب نیرو می‌کنند. شیعه انگلیسی یک گوشه است که شاید جلسات این چنینی بود که عرض کردم در تاریخ ما خیلی روشن بیان شده است. فردی گفته بود اینها خیلی شیعه هستند و از قمه

استغفار کرد. گفت من برای چه قضاوت و داوری کردم و این دور از تقوا است. دو مسلمان با هم جنگیدند. آدمی که سیاسی نیست، دشمن شناس نیست، به روز نیست، سیاست را از دین جدا می‌داند این چنین می‌شود.

قیام امام حسین (علیه السلام) سیاسی بود. نه این که همه هیأت‌ها و مساجد خود را سیاسی کنیم. سیاست در این پیکره جدا نیست، جدا کنیم خواهه ربیع می‌شود. در این قوم که فرد انگلیسی در دفتر شان است. پول انگلیس مستقیم در بیت اینها وارد می‌شود.

او آخر زهد و تقوا در زمان خود بود. این را در تاریخ ببینید. او این چنین گرفتار می‌شود. ما هم باید حواس خود را جمع کنیم که سکولار نشویم. همه حواس مان به دنیا باشد، باید به روز باشیم، این وضعیت چیست. کجا هستیم. چند نکته عرض خواهیم کرد.



هدف؛ تغییر رفتار جمهوری اسلامی

۴۰ سال انقلاب داریم و بعد از ۱۴۰۰ سال شیعه حکومت برقرار کرد. ۴ سال و ۷ ماه امیرالمومنین (علیه السلام) و ۶ ماه امام مجتبی (علیه السلام) حکومت کرد و در آن ۴ سال و ۷ ماه حضرت ۳ جنگ داشت. به حکومتداری نمی‌رسید. دست ما در حکومت خالی است به این دلیل است که اجازه ندادند ائمه ما حکومت کنند تا ما مدل و الگورا داشته باشیم. دست ما خالی است. دست حوزه‌های

زنی و لعن عایشه کم ندارند و دین اینها را باید چه گفت؟ گفتیم این چیزی نیست، در تاریخ می‌بینید افرادی هستند که درس آموزند. صادق شیرازی مقابل آنها عددی نیست.

در مشهد خواهه ربیع دارید که معاصر امیرالمومنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) است. خواهه اباصلت و خواهه مراد بیرون مشهد هستند و خواهه ربیع درون مشهد سخن دارد و ضریح و بارگاهی دارد. این خواهه ربیع در زمان خود جزو عباد و زهاد نمره یک بوده است. عابدتر و زاهدتر و باتقواتر از این وجود نداشت.

در سابق هم به مشهد به سختی می‌رفتند. اگر کسی به مشهد می‌رفت ده روز کمتر نبود. وقت هم زیاد داشتند و غیر از امام رضا (علیه السلام) این سه زیرآنگاه را هم می‌رفتند. در تاریخ تحقیق می‌کنید این آدم فرد بی‌بصیرت و بسیار نفهم بوده است. ضریح و بارگاه در مشهد دارد و مردم به او متوسل می‌شوند. خیلی باتقوا بود. فکر گناه هم نمی‌کرده است. چرا توهین می‌کنیم؟

من هم مطالعه کردم و هم استاد ما آیت الله لواسانی بیان داشت که ایشان زمان سیدالشهدا (علیه السلام) که حضرت برای کربلا رفتند این فرد نرفت و گفت دو مسلمان با هم می‌جنگند و دور از تقوا است من دخالت کنم. به او خبر دادند سیدالشهدا (علیه السلام) را کشتند و فرزندان او را قطعه قطعه کردند و اهل بیت او را به اسارت بردند. فریاد زد وای به حال امتی که پسر پیغمبر خود را بکشند. می‌گویند لحظاتی نگذشت و بلافاصله



هدف راهبردی و غایی است. ۴ هدف عملیاتی دارند. حرف مادر این جلسه این ۴ هدف است. این ۴ هدف را با هم مرور می‌کنیم. همه اهداف دنبال می‌شود که تغییر رفتار صورت گیرد. خودشان می‌گویند قداست زدایی از قدرت اولین هدف است ولی منظور قداست زدایی از رهبری انقلاب است. اولین هدف عملیاتی است. چرا قداست زدایی را دنبال می‌کنند؟ چرا رهبری را انتخاب کردند؟ این را عرض کنم که از ابتدای انقلاب تا کنون، چه در زمان امام (ره) و چه در ۳۰ سال که حضرت آقا رهبری را عهده‌دار بودند، همیشه ولی فقیه مورد هجوم بوده است ولی در تمام این ۴۰ سال هیچگاه ولی فقیه به اندازه امروز مورد هجوم نبوده است.

عجیب است. در بخشی از کار خود یکی دو روز رصد این وضعیت را عهده‌دار هستم. حمله‌هایی که به شخص آقا می‌شود را رصد می‌کنیم. برای قداست زدایی چه می‌کنند؟ این را باید مدیران هیأت‌ها بدانند. چرایی این است که آنها فهمیده‌اند ستون اصلی این خیمه نظام نه در داخل بلکه در بیرون همین آقا است.

دشمن این را فهمیده است. هفته گذشته دیدم یکی از سران ضدانقلاب بیرون گفته بود چرا به قوه قضائیه و شورای نگهبان و سپاه و بسیج می‌زنید؟ اصل و منش را بزنید چرا که ۴۰ سال است آنها را می‌زنیم. سرچشمه را بزنید و توان خود را در این متمرکز کنید. همین کار را کردند.

آنها فهمیدند یمن سرپا است و عربستان سه سال آن را می‌زند و یمن دست خالی بود به دلیل تدبیر و نفس این آقا است. اگر حزب‌الله در لبنان جان دارد و اگر فلسطینی‌ها جان دارند و این مقاومت در عراق و سوریه است و اگر داعش در این کشورها از بین می‌رود برای وجود این آقا است.

اگر انقلاب اسلامی سرپا است برای مدیریت، حکمت، تدبیر و نفس این آقا است. دشمنان این را فهمیده‌اند. سال گذشته خدمت سید حسن نصرالله بودیم. یکی از حرف‌های ایشان این بود که چرا در ایران خوب این آقا را نمی‌فهمند و قدر این ولایت را نمی‌دانند؟ می‌گفت در ایران هنوز قدر این آقا را نمی‌دانید و حتی خطاب به ما و بچه‌های انقلاب این صحبت را



ما هم پر نیست و باید تحقیق کنند. بعد از ۱۴۰۰ سال امام (ره) پیدا شد و کلی از علما مخالف بودند که قبل از ظهور نباید حکومتی باشد که امام (ره) فرمودند باید زمینه‌سازی کنیم. ما مظلوم باشیم و بایستیم تا حضرت بیاید این درست نیست. از حکومت اسلامی ۴۰ سال گذشته است. ۴۰ سال خیلی مهم است. اینها خیلی عجله دارند سال ۹۷ نتیجه بگیریم. چرا؟

چون ۴۰ برای ما در ادبیات دینی بسیار مهم است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۴۰ سالگی مبعوث شد، حضرت موسی (علیه السلام) که به کوه طور می‌رود ۴۰ شب ماند. ۴۰ سن بلوغ است. در ادبیات سیاسی هم برای ما مهم است. انقلابی به ۴۰ رسید ماندنی است. انقلاب‌های دنیا ۷۰-۶۰ ساله هم شدند همانند انقلاب اکتربر روسیه و فرانسه ولی این انقلاب‌ها در ۴-۳ سال اول تمام شد.

صورت انقلاب باقی ماند و سیرت آن از بین رفت. مردمی نبودند که پای انقلاب بایستند. انقلابی‌ها عوض شدند. مسئولین عوض شدند. مردم هم از ارزش‌های خود روگردان شدند و همه دنیا می‌دانند. ولیکن انقلابی ۴۰ ساله شد و نسل تغییر کرد و باقی ماند و همانند ۲۲ بهمنی شد که مردم میلیونی با آن انقلاب بیعت کردند. این انقلاب ماندنی است. این انقلاب ریشه گرفته است، آنها هم می‌دانند. امسال می‌خواهند کار را تمام کنند و خیلی عجله دارند ولی به کجا رسیدند؟

این پیچیدگی‌ها را باید متوجه شد. از فروپاشی انقلاب ناامید هستند. چون از ساقط کردن انقلاب ناامید هستند یک هدف راهبردی جدید پیدا کردند که یکی دو سال است این هدف را یافته‌اند. می‌گویند این انقلاب که هست و نمی‌توان تغییر داد، هدف راهبردی جدید این است که باید کاری کرد این انقلاب و جمهوری اسلامی تغییر رفتار دهد.

تغییر رفتار جمهوری اسلامی هدف راهبردی جدید شده است. نمی‌توانند براندازی کنند و هر کاری می‌خواستند در این ۴۰ سال انجام دادند. صدام دیوانه را ۸ سال به جان ما انداختند. منافقین، گروهک‌ها، ترور، جنگ نرم و غیره را امتحان کردند و نتوانستند. کارهایی کردند و برای ما زحمت بسیار ایجاد کردند. ۲۰۰-۳۰۰ هزار شهید دادیم. آخرین راهبرد تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران است.



اولین هدف؛ قداست زدایی از قدرت

چطور باید این جمهوری اسلامی تغییر رفتار دهد؟ از اینجا بحث ما شروع می‌شود. پس تغییر رفتار



می کنند. از تئوری پردازی ها می توان فهمید برنامه چیست. این را عرض کنم که در این ۴ طرح یک اتفاق جدید افتاده است. همه با هم شده اند و جنگ احزاب است، همه این چهار مورد را دنبال می کنند. ضد انقلاب خارجی، امریکا، اسرائیل، عربستان به داخل کشور می آید و احمدی نژادی ها و ۳۰۰ نامه دانشجویی و اصلاح طلب و نهضت آزادی همه این حرف را بیان می کنند و این ۴ هدف را دنبال می کنند. احمدی نژادی ها روی این اجماع دارند. این ۴ مورد مهم است.

یک مصاحبه احمدی نژاد در روز پیش انجام داد و پرت و پلاهای بسیاری در آن وجود دارد خصوصا نسبت به شخص آقا این چنین است و احمدی نژاد ماهیت خود را در این مصاحبه نشان داده است. حجاریان تئوری پردازی می کند و امثال تاجزاده عملیات می کنند. توفیتر دارند و توفیت می کنند و در روزنامه ها منتشر می کنند. رسانه ها عملیات می کنند. امثال حجاریان اتاق فکر هستند.

حجاریان مقاله ای نوشت در خصوص «شبیه عبا یه» نوشت. بحث های اصولی مطرح می کنند. حجاریان تیتراژ را هم این عنوان انتخاب کرد. مقاله را می خوانید می گوید مکانیزم انتخاب ولی فقیه از ابتدا در کشور ما غلط بود. اصلا انتخاب غلط است. می گوید مدل انتخاب همانند انتخاب مرجع تقلید و مقلد است. چطور می گویند اگر مجتهد نیستید باید تقلید کنید و دو نفر عالم بگویند چه کسی اعلم است و او انتخاب می کند. این مدل انتخاب در خبرگان آمده است و برای مجلس خبرگان و انتخاب رهبر است.

انتخاب رهبر مدل فقهی است. در این مقاله می گوید این از ابتدا اشتباه بود. چه کار به شبیه عبا یه دارد؟ ایشان می گوید رئیس جمهور را برداریم و خود رهبری قدرت دارد ولی پاسخگو نیست. رئیس جمهوری هم به او بدهیم تا پاسخگو باشد. اینها همه شبیه است. همه قداست زدایی می کنند.



می گویند باید دو قطبی درست کنیم

آخرین مورد توهین آقای بن سلمان به آقا بود. گفت این آقا همانند هیتلر می ماند. رسانه های خارجی بعد از فتنه سال ۸۸ که فیلم خط و نشان رهبری درست کردند و یک ساعت بی بی سی برای زندگی رهبری درست کرد. نقطه هدف عملیاتی خود را نشان دادند. ایشان را بزنند ستون خیمه را زده اند.



عدهای نظریه پردازی می کنند، عدهای عملیات

در جلسه ای گفته شد آقا می شود از شما نقد کرد؟ آقا گفت بله و من معصوم نیستم. نقد کنید. آقا گفت می توان نقد کرد. در روزنامه، سایت و غیره شروع می شود. در مشهد سخنرانی کردند و با این قسمت سخنرانی مخالف هستیم. مخالفت ها اذعان می شود و در انتها چه خواهد ماند؟ هر کسی یک گوشه ای را مخالف است و همه هم بیان می کنند و در روزنامه ها و رسانه ها هم نوشته می شود و این کشور را می توان دیگر راهبری کرد؟

او می داند چه کار کند. نقد رهبری را باب می کند. شکل نقد این است؟ در روزنامه و رسانه و در فریاد است؟ نائب امام زمان (عج) است، اگر اشکالی داشتید اول باید بدانید آقا حکیم است و سید حسن نصرالله سر این مسئله غصه می خورد و می گفت چرا قدر نمی دانید؟

راهش چیست؟ نقد خود را بنویسید و به آقا برسانید. هیچ مسئولی در نظام همانند آقا با مردم ارتباط ندارد. محرم، فاطمیه و مناسبت های دیگر آقا با مردم می نشیند و صحبت می کند. دیدارهای مختلف با مردم دارند. این نقد خود را به آقا برسانید ولی دشمن بلد است چه کار کند.

سعید حجاریان مقاله ای نوشت و تیتراژ آن قداست زدایی از قدرت بود. قدرت منظور آقا بود. امثال حجاریان نظریه پردازی می کنند. عدهای عملیات



می کردند. چرایی این است که دشمن این مطلب را فهمیده است.

چه می خواهند بکنند؟ چه تکنیک هایی برای این اقدام دارند؟ اول می گویند باید این آقا را روی زمین بیاوریم. تعبیر خودشان را استفاده می کنم. می گویند برای چه می گویند این آقا نائب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؟ این فرد را باید در سطح سایر مسئولین بیاوریم.

وقتی در سطح سایر مسئولین آوردیم می توانیم راحت به او حمله کرد. می توان به راحتی بی اعتبار کرد، می توان اصل ولایت فقیه را به چالش کشید. اول باید از محبوبیت و عامه بکاهیم. برای این که پائین بیاوریم باید نقد رهبری شود.





تمام جنگ ۸ ساله ما تمام کسانی که به جبهه و جنگ رفتند و برگشتند و سالم ماندند و جانباز شدند و شهید شدند می گویند حدود ۲ میلیون هستند. همان دو میلیون پای انقلاب بایستند این انقلاب می ایستد. آقا فرمودند امروز با دهه اول انقلاب فرق دارد و اگر امروز جنگ شود این جوان امروزی هم جمعیت بیشتری دارد و هم انگیزه و علم و اراده و فهم بالاتری دارد.

دست احمدی نژاد است و اگر نباید کار نظام تمام است. در این مصاحبه سوال می شود که آقای احمدی نژاد نامه به آقا دادید جواب به شما ندادند. می گوید ایشان می توانست بگوید این را قبول دارم و این را قبول ندارم ولی هیچ چیزی نگفته است و باید تاریخ بدانند من همه اینها را بیان کردم حالا که سقوط در حال انجام است. با ایشان اتمام حجت کردم.

دل مردم را خالی می کنند. از هدف دوم چه چیزی عاید اینها می شود؟ یک؛ ایجاد یاس و ناامیدی در مردم است. دوم؛ ایجاد انفجار در نیروهای انقلاب اعم از حزب الهی، هیئت رزمندگان، ها، سپاه، ها، بسیجی ها است. منظور کسانی که باید از انقلاب دفاع کنند و اصل هم اینها هستند.

تمام جنگ ۸ ساله ما تمام کسانی که به جبهه و جنگ رفتند و برگشتند و سالم ماندند و جانباز شدند و شهید شدند می گویند حدود ۲ میلیون هستند. همه مردم درگیر جنگ نبودند. همان دو میلیون پای انقلاب بایستند این انقلاب می ایستد. آقا فرمودند امروز با دهه اول انقلاب فرق دارد و اگر امروز جنگ شود این جوان امروزی هم جمعیت بیشتری دارد و هم انگیزه و علم و اراده و فهم بالاتری دارد.

با بحران نمایی که وضع خراب است و همه چیز تمام است مردم را مایوس می کنند و نیروی انقلابی را منفعل می کنند. رهبری تضعیف شد و مردم این حس را پیدا کردند، نظام مجبور می شود رفتار خود را تغییر دهد. یکی نیست از اینها بپرسد آقای احمدی نژاد، آقای حجابیان، آقای خاتمی، آقای نتانیاها، آقای ترامپ این انقلابی که کارش تمام می شود چطور این میزان جان و قوه دارد که امریکا



اینها میان مردم مطرح نمی شود که دشمن استفاده کند و دوقطبی رهبری و دولت درست کنند. آقا پیگیر زندگی مردم است. دغدغه مردم را دارد. ولیکن دشمن طوری نشان می دهد که این آقا مقابل مردم است. مردم و آقا را دو تا کنیم.



ایجاد بحران نمایی در کشور

نکته دوم این است که بحران نمایی از کشور باشد. پروژه عملیاتی دوم است. می گویند باید کاری کنیم که این احساس در عموم مردم ایجاد شود که عن قریب انقلاب اسلامی در حال فروپاشی است. همه چیز تمام است. مردم از انقلاب روی گردان شده اند. اوضاع خراب است. این را چه کسی می گوید؟ اصلاح طلبان همین را می گویند، نامه نهضت آزادی همین را می گوید، ضدانقلاب این را می گوید، نتانیاها همین را می گوید، احمدی نژاد هم همین را می گوید، ۳۰۰ امضای دانشجویان طرفداران احمدی نژاد هم همین را می گوید. ۱۵ صفحه تحلیل خطاب به آقا کردند که آقا حواستان جمع باشد که کار تمام است. شورای نگهبان تمام است، قوه قضائیه تمام است، سپاه تمام است، بسیج تمام است. ۱۵ صفحه تمام نظام را گفتند تمام است. هر کسی این را ببیند می گوید کار تمام است ولی پروژه است. همه با هم همین را می گویند.

در نامه این دانشجویان نوشته شده است راهکار

یکی از مهم ترین کارها ضمن نقد و تشکیک در مجلس خبرگان و انتخاب رهبری و غیره، در همان بحث رئیس جمهوری خط را او می دهد و رسانه های خارجی هم همزمان عمل می کنند، می گویند باید کاری کنیم مردم هر اتفاقی رخ می دهد بگویند مسئولش رهبری است.

الان اقتصاد بحران داریم می گویند مسئولش این آقا است. مشکلات داریم مسئولش این آقا است. چرا این آقا را عوض نمی کنند و چرا این کار را نمی کنند و همه چیز را به سمت رهبری می برند و عینوا این است که در این کشور هیچ کسی مسئول نیست و هیچ کسی نباید پاسخگو باشد و جواب همه را باید این آقا بدهد. می گویند باید در ذهن مردم با جنگ روانی و ادراسی در فهم و شناخت مردم کاری کنیم که گمان کنند هر چه مصیبت است از جانب رهبری است. بعد می گویند باید دوقطبی درست کنیم. فیلم خط و نشان رهبری برای شبکه بی بی سی این بود که اولین تصویر آقا بود و می گفت این آقا یک چیز می گوید و در تصویر مردم و اجتماع مردم در میدان آزادی می گفت این مردم یک چیز دیگر می گویند. یعنی مردم و رهبری جدا هستند.

آن برای سال ۸۸ بود. امروز یک چیز دیگر می گویند. امروز می گویند باید کاری کنیم مردم بگویند این آقا یک طور دیگر فکر می کند. نیازهای ما را نمی داند. یعنی نه تنها دوقطبی بلکه بگویند این نیازها را نمی داند.

آقا خطاب و عتاب دارد، یقه گیری دارد. گریبان مسئولین را می گیرند و باید پاسخگو باشند. خیلی از



کشور چهار فصل، معدن گاز، نفت و غیره است. اگر آب در کشور ما به خوبی مدیریت شود می توان به کشورهای همسایه صادر کرد. مدیریت نمی شود. آب داریم. دسترسی به دریا داریم و که نعمات زیادی را شامل می شود. مدیریت نیست. دولت فروت و ناتوان و فشل رای آورده و وارد صحنه شده تا کار کند. چه کار می تواند انجام دهد؟



را از منطقه بیرون می کنند؟ الان همه دنیا اذعان دارند قدرت اول منطقه ایران است و کسی بدون ایران نمی تواند حرفی بزند. اگر این در حال فروپاشی است چرا نگران موشک های آن هستید؟ چرا نگران هسته های هستید و دانشمندان آن را ترور می کنید؟ اگر این نظام در حال فروپاشی است چرا آمارهای مرکز توسعه سازمان ملل اعلام می کند در بحث توسعه نیروی انسانی، امید به زندگی و غیره ایران شماره یک است؟ اگر این انقلاب در حال فروپاشی است علی رغم تمام فسادهای ترویجی شما در عرصه فرهنگی میلیونی پای راهپیمایی اربعین می روند؟ میلیونی در اعتکاف شرکت می کنند! چرا دل مردم را خالی می کنید؟



حمایت از کالای ایرانی یک راهکار است

ابتدای انقلاب همه اینها می گفتند ۶ ماه دیگر انقلاب تمام است، دوباره ۶ ماه تمدید می کردند. الان انقلاب ۴۰ ساله است. الان همان داستان را ادامه می دهند. نادان هایی که باور می کنند دل مردم را خالی می کنند. چه چیزی تمام شده است؟ اوج تمام شدن بعد از حوادث پارسال دی ماه بود. ۸۰ شهر ما درگیر شدند و در خیابان ها ریختند. اوج داستان آقا فرمودند ما در ۲۲ بهمن شما را می بینیم که نظام تمام شده است یا خیر. ۲۲ بهمن مردم در خیابان ها ریختند. چه چیزی تمام شد؟ مردم روی گردان شدند؟ مشکل بسیار داریم. بالاترین مشکل اقتصادی است. تازه همین

کشور است. می خواهند حس ناامنی در مردم ایجاد کنند. همانند حس بحران و فروپاشی است. فرانسه را در چند روز گذشته ببینید که حمل و نقل او نابود شد. فرانسه به هم ریخت. اگر یک صدم اتفاقاتی که در فرانسه افتاد در ایران رخ می داد می گفتند برای ۵۰ سال بعدی انقلاب تمام شده است. هیچ کسی از نابودی کشور و نظام فرانسه نمی گوید. ترابری در فرانسه خوابیده است و فرانسه الان فلج است. کسی نمی گوید فرانسه نابود شد. در کشور ما دوشیشه بانک می شکانند و دو بانک آتش می زنند تمام رسانه های دنیا می گویند کار تمام شد و مردم در خیابان ها هستند و انقلاب تمام شد. این را در افکار عمومی ایجاد می کنند و این طور نیست.



خروج ایران؛ هدف سوم آنها

نکته سوم خروج ایران است. خروج از چه چیزی؟ می گویند باید کاری کنیم ایران که الان در منطقه نفوذ پیدا کرده است، از منطقه هم عبور می کند و وارد دنیا می شود، به کشور خودش بازگردانیم. قاسم سلیمانی باید برگردد و از سوریه خارج شود. حمایت از یمن باید تمام شود، از لبنان باید برگردند، افغانستان و عراق را رها کنند و ایران باید در کشور خود محدود شود.

اینها همه در راستای تغییر رفتار است. این تکنیک جدید نیست. این قدیمی است. چه کار کنند این محقق شود؟ همان کاری که در صدر اسلام انجام

مشکل اقتصادی اگر حرف آقا را گوش کنند حل می شود. اوضاع درست می شود. مملکت ظرفیت بالایی دارد. نیروی جوان بالاترین ظرفیت و نعمت در این کشور است.

کشور چهار فصل، معدن گاز، نفت و غیره است. اگر آب در کشور ما به خوبی مدیریت شود می توان به کشورهای همسایه صادر کرد. مدیریت نمی شود. آب داریم. دسترسی به دریا داریم و که نعمات زیادی را شامل می شود. مدیریت نیست. دولت فروت و ناتوان و فشل رای آورده و وارد صحنه شده تا کار کند، چه کار می تواند انجام دهد؟

آقا اقتصاد مقاومتی را توصیه کرد. امسال حمایت از کالای ایرانی را داشته باشید و این راهکار است و کار درست می شود. مهم تر از همه روحیه انقلابی و جهادی است. این کار است. این را داشته باشید که اکسیر است، می شکافد و جلو می رود.

این را داشته باشید حسن تهرانی مقدم می شود و موشک درست می کند. این را داشته باشید دانشمندان هسته ای می شود و دنیا از این بهت می کند. علوم برجسته دنیا را کسب کردیم و دلیل این روحیه جهانی است. خودروسازی در مقابل موشک و نانو و هسته ای چیزی نیست. این جوان با استعداد داریم.

بالاترین مشکل ما امروز اقتصادی است ولی می توانیم کشور را اداره کنیم و فقط آن روحیه جهادی مهم است. حالا می خواهند مردم را ناامید کنند.

در اطراف مادر دنیا چه خبر است. کشور ما امن ترین





آقای می گوید اگر مسلمانید و درب بخوابید و در دمسلمان دیگر را نداشته باشید، مسلمان نیست. این‌ها می گویند مردم باید فشار وارد کنید، چرا حکومت در سوریه پول هزینه می کند؟ چرا در عراق و لبنان کمک می کند و ما خود محتاجیم. نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران! کاری کنیم مردم این را بگویند که برگردید. ایران از منطقه خارج شود.

و حیف این است که اکثر مردم در پناهگاه‌ها زندگی می کنند و اوضاع اسرائیل به هم ریخته است. سید حسن نصرالله فرمود وقتی من تهدیدی می کنم این مردم اسرائیل و یهودی‌ها بسیار جدی می گیرند. نتانیاهو می گوید مردم باور ندارند و می گویند عملیات روانی است و مسئولین خود را جدی نمی گیرند. من یا آقا حرفی می زنیم جدی می گیرند چون می دانند درست است. اخیراً ایشان گفت ایرانی‌ها تلافی می کنند و آقای شمعانی هم به این رسمیت داد و فرمانده سپاه هم کم‌وبیش تهدید کردند. وضعیت اینها چگونه است؟ اینها از تهدید بیچاره شدند. اسرائیل از ۲۵ سالی که آقا گفته است نزدیک به ۳ سال را گذرانده است. ۲۲ سال حداکثر وقت دارد و آن شالله زودتر سقوط خواهد کرد. وضع اسرائیل را همه دنیا می بیند. برخی از اندیشکده‌ها اینها شروع کرده‌اند و بدون اشاره به صحبت آقا اعلام می کنند اسرائیل در حال فروپاشی است. کد و نشانه برای آن دارند. مثلاً این نشانه‌ها این است که این کشور نمی تواند ادامه یابد. آمریکا در حال فروپاشی است. چندین بحران را درگیر است و صورت خود را با سیلی سرخ نگه می دارد.



ترامپ کاسب است، فهم سیاسی ندارد

چرا ترامپ را آوردند؟ او کاسب است. عرضه و فهم سیاسی ندارد. الان کاسبی نیاز دارند و اوضاع در

آنها عالی ترین تکنیکی که خرج کردند این بود که مردم را از ما ترسانند. گفتند اگر به اینها رای دهید جنگ می شود. یک رئیس جمهور بی عرضه بهتر از جنگ است. الان هم همین تکنیک را دارند. حمله اسرائیل به تیغور را در نظر بگیرید. پایگاهی پهباد در سوریه داشتیم که بچه‌های هوافضای سپاه بودند. پهباد هم تاکنون برای داعشی‌ها بسیار موثر بوده است. چند پهباد ما روی اسرائیل رفت. تلاویورفت و چند ساعت فیلم گرفته شد هر چند زدند ولی اینها دیدند ما هم جرات و جسارت داریم. اینها می خواستند تلافی کنند و برای این که بگویند ما می دانیم کار شما ایرانی‌ها است موشک شدند و در سوله بچه‌های ما اصابت کرد. سوله‌ای که بچه‌ها و پهبادها مستقر بودند. ۷ نفر از بچه‌های سپاه شهید شدند و تعدادی هم مجروح شدند. الان می خواهند تبلیغ و عملیات روانی در مردم داشته باشند که آمریکا و اسرائیل آماده جنگ با ایران هستند. در صورتی که الان شرایطی که ایجاد شده است بعد از این داستان سید حسن نصرالله اولین نفری بود که موضع گیری کرد و گفت ایرانی‌ها جواب می دهند. سید حسن نصرالله گفت اسرائیل حواست باشد که ایرانی‌ها جواب می دهند و اینجا ایرانی‌ها را زدید. حزب الله و سوریه و افغانی نبودند، پایگاه ایرانی‌ها را زدید. اینها تلافی می کنند. دو روز گذشته آقای شمعانی موضع گیری کرد و گفت تلافی می کنیم ولی زمان و مکان معلوم نیست. از بعد از این که سید حسن نصرالله موضع گرفت اطلاعات از تلاویو

دادند. مالک اشتر به پشت خیمه معاویه رسید و حضرت گفت برگردد. گفت پیغام به حضرت بدهید که چند قدم تا خیمه معاویه دارم تا کار را تمام کنم. حضرت گفت برگردد، چرا؟ این که شما معاویه را بکشید و برگردید عقبه ندارید. شمشیر را زیر گلو امیرالمومنین (علیه السلام) گذاشته بودند. سربازان امیرالمومنین گفته بودند با چه کسی بجنگیم؟ اینها مسلمان هستند و روی همه چیز تشکیک کردند. حضرت را محاصره کردند که مالک باز گردد. حضرت گفت مالک برگردد که تو معاویه را بکشی اینجا علی نیست. الان هم می گویند باید کاری کنیم که در فشارهای داخلی اینها باز گردند. انقلاب اسلامی به خانه خود باز گردد و توسعه نیابد. چه کار باید کرد؟ همان تکنیک معاویه را انجام می دهند. در داخل و اطراف و در خود کشور مشغول کرد. باید مسئله برای آن تولید کرد. یکی از مسائلی که می توانند تولید کنند این است که در باور مردم بیاورند که شما هزینه می دهید. چرا کشور ما که اقتصادش این گونه است و تحریم است باید هزینه کشورهای دیگر را پرداخت کند؟ چرا باید برای فلسطینی و سوریه و لبنانی و عراقی هزینه کنید؟ در فکر مردم این را جا می اندازند. آقا فرمودند هر جا مظلومی باشد ما مدافع آن‌ها هستیم. اعلام هم می کنیم و از آن حمایت هم می کنیم. او می گوید نباید این چنین باشد. آقا می گوید اگر مسلمانید و شب بخوابید و درد مسلمان دیگر را نداشته باشید، مسلمان نیست. این‌ها می گویند مردم باید فشار وارد کنید، چرا حکومت در سوریه پول هزینه می کند؟ چرا در عراق و لبنان کمک می کند و ما خود محتاجیم. نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران! کاری کنیم مردم این را بگویند که برگردید. ایران از منطقه خارج شود.



پروژه ایجاد هراس از جنگ در مردم

پروژه چهارم ایجاد هراس از جنگ است. سایه جنگ و ترس از جنگ را باید در مردم حاکم کرد. این تکنیکی است که اینها در انتخابات بکار می برند و چند دوره هم به خوبی نتیجه گرفته‌اند. من معتقدم در این انتخابات اخیر آقای روحانی رای نداشت و مردم در چهار سال اول دیدند عرضه و توان ندارد و نمی تواند کشور را اداره کند. مردمی که به او رای دادند هم از او ناامید بودند چرا دوباره رای دادند؟





امام (ره) فرمود اینها همانند سگ‌ها هستند و آقا هم چند بار این را متذکر شدند. اگر بترسید به سمت شما حمله می‌کنند. اگر واگذار کردیم و عقب بر گردیم تمام می‌شود. می‌گویند انقلاب اسلامی کاری به نفوذ ندارد و در خود درگیری بسیاری دارد و شاید تا چند سال دیگر تمام شود. این آقایانی که مقام مسئول در کشور است، نامه داده و با جسارت این حرف را عنوان می‌کنند. فهم آنها این میزان است.



نگاهی به همایش

باز گردد و ترس از جنگ هم در مردم زیاد است، باید کوتاه بیاید و در هسته‌ای به خاطر تحریم‌ها کوتاه آمد و این هم تفاوتی ندارد. الان باید روی ارزش‌ها کوتاه بیاییم. روی حجاب زنان کوتاه بیاییم، روی ناموس کوتاه بیاییم، روی دفاع از مظلوم کوتاه بیاییم. هسته‌ای برای ما ارزشی نبود، سلاح و ابزار علمی بود که می‌توانست ما را جلو ببرد و خیلی از مشکلات پزشکی و انرژی را حل کند، این نشد و ۲۰ سال پیش هم نداشتیم.

این چیزها هسته‌ای نیست. برجام دو خلع سلاح موشکی از این جنس است یعنی تغییر رفتار است. تغییر رفتار بدهد و موشک به دنیا ندهد و موشک‌ها را تعطیل کند. یک کاری با این ۴ پروژه کنیم که برجام دو انجام شود. اگر در انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی عقب‌نشینی قهرمانانه در موشک هم باید چنین باشد، در حجاب زنان هم باید چنین باشد و قص علی هذا.



انقلاب در حال پیشرفت است

در خصوص بحث بحران نمایی و این که انقلاب در فروپاشی است یک نکته عرض کنم که الان بچه‌های حزب‌اللهی قدری تحت تاثیر این شرایط هستند و برخی واقعا منفعول هستند. وقتی این ۳۰۰ امضا آمد به برخی گفتم خدارحم کرد سن و سال شما برای سال ۵۹ و ۵۸ نبود. گفتند چرا؟ گفتم آن زمان را درک کردیم و اگر آن زمان بودید نامه می‌دادید که امام (ره) تعطیل کنید. آن زمان وضع بدتر بود و انقلاب ۴۰ ساله نمی‌شد.

آن زمان بنی‌صدر بود، آن زمان دوره اول مجلس بود، نهضت آزادی و جبهه ملی و منافقین در مجلس بودند، قوه قضائیه شهید بهشتی بود ولی بدنه همان زمان طاغوت بود. این جوانان در این نامه نام بردند و گفتند کار تمام است. اگر این بود همان سال ۵۷ این اتفاق می‌افتاد و انقلاب ۴۰ ساله نمی‌شد.

این حرف‌ها معنی نمی‌دهد. انقلابی که این راه‌ها را جلو آمده است. آقا اهل غلو نیست. گفته است من خیلی امیدوارم. مشکلات هست و در جبهه جنگ و در وسط میدان هستیم و در داخل و خارج برای ما مسئله تولید می‌کنند ولی انقلاب در حال پیشرفت است. گاهی کند می‌کنند. چرا حزب‌اللهی ناامید می‌شود؟ چرا باید منفعل شود؟

در برخی حزب‌اللهی‌ها پوزیشن شده است و می‌خواهند بگویند خیلی جلو هستند، همان

چرب می‌کنند. ما باید قدر تمند باشیم. این می‌گوید حالا که ما قدر تمند شدیم و نفوذ پیدا کردیم تهدید خلق شده است و اگر واگذار کنیم و به عقب برگردیم و به دست سفارتخانه‌ها و دیپلماسی رسمی بدهید کاری با ما ندارند و تهدیدها دفع می‌شود.

امام (ره) فرمود اینها همانند سگ‌ها هستند و آقا هم چند بار این را متذکر شدند. اگر بترسید به سمت شما حمله می‌کنند. اگر واگذار کردیم و عقب برگردیم تمام می‌شود. می‌گویند انقلاب اسلامی کاری به نفوذ ندارد و در خود درگیری بسیاری دارد و شاید تا چند سال دیگر تمام شود. این آقایانی که مقام مسئول در کشور است، نامه داده و با جسارت این حرف را عنوان می‌کنند. فهم آنها این میزان است.

این خروج ایران تنها برای امریکایی‌ها نیست. در داخل هم همین حرف‌ها را بیان می‌کنند. آقای احمدی‌نژاد در مصاحبه خود بیان کرده است. می‌گوید از ابتدا مخالف کمک به سوریه و عراق و بشار اسد بودم. الان با جسارت بیان می‌کنند. در سابق مسخره می‌کرد و از بیداری انسانی و بهار عربی و غیره نام می‌برد.

در هر صورت می‌خواهم عرض کنم منظور از تغییر رفتار این است که رهبری را تضعیف کردیم و در باور مردم آوردیم که این جمهوری اسلامی تمام است و نمی‌تواند مسئله مردم را حل کند و بحران‌های زیادی دارد، این تغییر رفتار شکل می‌گیرد.

یعنی جمهوری اسلامی با این مواجه شود و بگوید نیروی انقلابی منفعل است و مردم آن ناامید هستند و فشار روی این است که جمهوری اسلامی از منطقه

هم بهمریختن است. این کاسب است. به عربستان و چین رفت تا پول بگیرد و گفت همانند گاو می‌دوشم. اینها به ایران حمله می‌کنند؟ آن زمان که ما ناتوان بودیم همه جمع شدند و دیوانه‌ای همانند صدام را به جان ایران انداختند. این که مستقیم به ایران حمله کنند تحلیلی غلط است. این را تبلیغ می‌کنند که جنگ بسیار نزدیک است. اینها خیلی سعی کردند عربستان و بن سلمان را جلو بیاورند و تحریک کنند و حمله‌ای به ایران کنند ولی او فهمیده است صدام با آن قدرت نتوانست غلبه کند، او که اصلاً نمی‌تواند و خدا هم در کاسه‌شان گذاشت و در کاخ خود به جان هم افتادند. این پروژه چهارم فقط ترساندن است، عملیات روانی سایه جنگ است.

همه اینها این بود که هدف اصلی تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران محقق شود. در این تغییر رفتار می‌خواهند بگویند تغییر رفتار ایران در حوزه فرهنگی و حجاب ایجاد شود. می‌گویند برای چه در ایران حجاب اجباری است؟ باید جمهوری اسلامی رفتار خود را تغییر دهد. این حجاب را بردارید.

برای چه به کشورهای منطقه کمک می‌کنید و باید سیاست خود را تغییر دهید. این که از خروج ایران اسم می‌برند برخی از آقایان اصلاح طلب نامه به مقامات عالی کشور دادند که این نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی دارد مورد تائید ما هم هست ولی در اعماق منطقه رفته و ما قدرت منطقه شدیم ولی به صلاح ما نیست و تهدید و آسیب خلق کرده است. نادانی تا کجا؟! آقا می‌گوید اگر ما قدرت نداشته باشیم ما را لقمه





الان سلبریتی‌ها مرجع شدند. تلویزیون هم برنامه عید بر گزار می کند برنامه دورهمی و غیره است همه هنر پیشه و خواننده هستند. اینها الگوی مردم هستند و این روند الگوسازی است. قهرمان ملی بیاورند، مدافع حرم بیاورند، بگویند مردم اینها هم هستند. بعد می گوئیم چرا مرجع فکری مردم عوض شده است. بعد می گوئیم چرا مردم نگاه می کنند فلان هنر پیشه به چه کسی رای می دهد.



درست نیست. الان می گوئیم آقای حداد عادل، می گوید حداد عادل را رها کنید که فلان است. آقای فلان را نام می بریم می گویند فلان است. حزب اللهی ها این طور می گویند. همه ایراد دارند. انتها چه کسی می ماند؟ آقا می ماند و بعد نسبت به آقا شروع می کنند. شیعاتی هم دشمن رو می کنند. همه فرزندان آقا در ایام عید در مشهد بودند، آمدنیوز شروع کرد فرزند آقا، آقا مجتبی برای کار تجاری به لندن آمده است. آقا دو داماد دارند و هر کدام را صدا کردند که من یک شرط دارم دلماد من نباید کار تجاری بکند و کاسبی نباید داشته باشند. آقا این اندازه حساس هستند. سالم تر از بیت آقا پیدا نمی کنید. در راس آنها حاج آقا مجتبی است، منتها کاری کردند که نمی توانیم در تربیون ها بیان کنیم. سال ها است در قم درس خارج و فقه و اصول دارد. یک شخصیت بزرگ نظام است ولی چه کسی می تواند از ایشان حمایت کند؟

چرا کسی سوال نمی کند چرا ایشان را این میزان می زنند؟ چرا این میزان فرزند آقا را می زنند؟ چرا روی ایشان متمرکز هستند؟ دشمن فهمیده است این آقا کیست و ما نمی دانیم. این در بچه های انقلابی رسم شده است. چرا؟ مرجعی باقی نمی ماند. همه کانال ها و شبکه های اجتماعی هم دین نیست و دینی وجود ندارد و آنجا می توان دروغ گفت و به هر چیزی غیبت کرد و حرف هر کسی را زد، انگار در این فضای مجازی خدایی وجود ندارد. این بد است و بچه های حزب اللهی باید رعایت کنند.

سوال شده است که چرا اطلاعات سپاه در خصوص آقایانی همچون احمدی نژاد اقدامی نمی کنند، این را باید از سخنران بعد من سر دار نجات بپرسید. اصل کار ایشان هستند و یقه ایشان را بگیرید. من وارد حریم ایشان نمی شوم.

یکی از ایرادات همین است که حرف های کنایه آمیز و دوپهلوی می شود. احمدی نژاد هم الان این روش را دارد. آقای روحانی هم همین روش را دارد و همه با این روش جلو می روند. افتخار ما حزب اللهی ها این است وقتی احمدی نژاد راه را کج کرد اولین مخالف خودمان شدیم. بنده در جلساتی در شهرستان ها صحبت می کردم و وقتی می گفتم ماهیت احمدی نژاد این است از خود جلسه دوستان اعتراض می کردند. نمی دانستند احمدی نژاد راه را کجا کج کرده است. نمی دانند آقای احمدی نژاد و دار و دسته اش و آن خانم کیست و از انگلیس آمده چه ماموریتی را دنبال می کند. هیچ صلاح نیست احمدی نژاد دستگیر شود، هیچ صلاح نیست حتی به مجمع تشخیص برود. ما به بازگشت احمدی نژاد خیلی امیدوار نیستیم.

حرف را می زدید، همه را با آثار و تبعات بیان کردم. مسئولین جلسات که معاونین آقای لاریجانی بعد جلسه گفت هر لحظه منتظر بودم یکی بلند شود و به شما حرف بزند. هیچ کسی نفس نمی زد و اعتراض نکردند می دانند خود آقا فرمودند مشکلات هست اما این صورت نظام است. قوه قضائیه نباید حفظ شود؟ نابود کنیم؟ شورای نگهبان هم اشکالاتی دارد. همه جا اشکالات است. همه آدمیزاد هستند و اشکال دارند ولی این که مد شود درست نیست. نظام هم باطن دارد و هم ظاهر دار دایم باین باین ساختارها را بزنیم چیزی از این نظام باقی نمی ماند، همه را بزنیم مثل این که مرجعی در جوانان وجود ندارد. اول روحانیت را زنند، آقا مصباح این جور است، آن آقا اینجور است، فلان این است و شخصیت های سیاسی را زنند. حرف هیچ کسی را نمی توان گوش کرد.



وقتی سلبریتی ها مرجع شده اند

الان سلبریتی ها مرجع شدند. تلویزیون هم برنامه عید بر گزار می کند برنامه دورهمی و غیره است همه هنر پیشه و خواننده هستند. اینها الگوی مردم هستند و این روند الگوسازی است. قهرمان ملی بیاورند، مدافع حرم بیاورند، بگویند مردم اینها هم هستند. بعد می گوئیم چرا مرجع فکری مردم عوض شده است. بعد می گوئیم چرا مردم نگاه می کنند فلان هنر پیشه به چه کسی رای می دهد. خود ما مرجع سازی می کنیم. اگر همه را بزنیم

حرف ها را بیان می کنند. یعنی چه؟ به ساختارهای نظام حمله می کنند. فهرست می دهد، کسی که مدافع انقلاب است و بسیجی است این طور صحبت می کند. این پوزیشن شده است که خیلی دانا و منتقد است. برخی هم در حوزه نقد آقا وارد شدند. حزب اللهی است ولی این چنین رفتار می کند. اینها را مراقب باشیم و نگذاریم این اتفاق رخ دهد. این انقلاب یک صورت و یک سیرت دارد و هر دو مهم است. آقا درباره قوه قضائیه فرمودند قاضی فاسد در قوه قضائیه داریم و بحثی نیست و باید اصلاح شود. دیروز در ساری در اجلاس سراسری روسای دادگستری ها و دادگاه های کشور بود، با آقای آملی، رئیس قوه قضائیه صحبت کردم و محبت کردند ما را دعوت کردند و بعد از ایشان من صحبت کردم دوستانی که من را دعوت کردند را گفتم من اول و آخر هستم اگر اجازه دهید من سالم از اینجا بیرون بروم. گفتند چرا؟ گفتم می خواهم انتقاد کنم. گفتند اینها قاضی و رئیس دادگستری هستند و به سادگی چیزی را نمی پذیرند. گفتم این اتفاقاً خوب است چون همه اینجا کارت تبریک و احسانت می گیرند و کسی همانند من نقد کند و نهایتاً من را در جلسات دعوت نمی کنند یا نهایت زندان ببانند. دوستان می خندیدند. اتفاقاً این حرف ها را هم بیان کردم. تحلیلی دادم و گفتم قوه قضائیه برای نظام زحمت ایجاد می کند و مصداق آوردم. گفتم نباید اینجا این حرف را می زدید و اینجا نباید این حکم را زود اجرا می کردید و اینجا باید زود اجرا می کردید و آنجا این حرف را نباید می زدید و اینجا باید این





توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به روزه‌داران

خودمان را از آلودگی‌ها مصفا کنیم

البته کار خدا تعطیل‌بردار نیست و همه ماه‌ها،

ماه و روز خداست؛ اما حالا قرعه به نام ماه



مبارک رمضان افتاده است که به طور خاص، ماه خدا نام بگیرد. این ماه به واسطه ویژگی‌ها و انرژی معنوی جمعی فراوانی که در دل خودش دارد، ماهی خاص معنویات و بحث و فعالیت در این زمینه‌ها تلقی می‌شود. اما اهمیت این ماه وقتی برای ما پررنگ‌تر خواهد شد که گوش‌ها و چشم‌هایمان را به صحبت‌های بزرگان بسپاریم؛ که گفته‌اند غذای جسم، از راه دهان منتقل می‌شود و غذای جان، از راه گوش؛ یعنی که نصیحت و توصیه‌پذیری، چنین اهمیتی پیدا می‌کند وقتی انسان صاحب نفسی، شروع می‌کند به نصیحت کردن ما، انگار که جان آدم زنگارهایش را کم‌کم پاک می‌کند و شفافیت آرام آرامی پیدا می‌کند. به همین نسبت است که هر سال در آستانه ماه مبارک، سخنرانی‌ها و توصیه‌های مختلفی انجام می‌شود تا غذای جان‌های مردم نیز تأمین شود؛ تا با انگیزه و اهمیت بیشتری، راهی این ماه نورانی بشوند. در این زمینه، رهبر معظم انقلاب نیز هر ساله، سخنرانی‌ها و پیام‌هایی را تقدیم جامعه می‌کنند تا به نوعی، غذای روحانی نیازمندان این مسیر معنوی باشد. حال که در آستانه این ماه عزیز قرار گرفته‌ایم، برای پرروار ساختن جان‌هایمان، به بخش‌هایی از این گفته‌ها و توصیه‌ها و بیانات گوش می‌سپاریم؛ گوش جان.



طهارت قلبی روزه‌دار

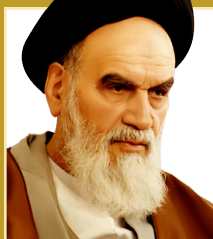
این ماه، ماه ضیافت الهی است. پذیرایی خداوند از بندگان خود در این ماه - که یک پذیرایی معنوی است - عبارت است از گشودن درهای رحمت و مغفرت و مضا‌عفا کردن اجر و ثواب اعمال خیری که بندگان در این ماه انجام می‌دهند. روزه‌ی ماه رمضان هم یکی از مواد همین ضیافت عظیم الهی است، که مایه تصفیه روح انسان و ایجاد زمینه‌ی طهارت قلبی روزه‌دار است. امام سجاد (علیه‌السلام) در خطبه‌ی فرمود: «شهر الطهور و شهر التمجیص»؛ رمضان، ماه پاک شدن و طهارت قلب و ماه مغفرت است؛ چون خدای متعال استغفار را در این ماه بیش از دیگر ایام سال مورد لطف و عنایت خود قرار می‌دهد. لذا در یک روایت وارد شده است که «فمن لم یغفر له فی رمضان ففی ای شهر یغفر له»؛ اگر کسی در ماه رمضان - که درهای رحمت و مغفرت الهی به روی انسان‌ها گشوده است - نتواند به مغفرت و رحمت الهی دست پیدا کند، پس کی چنین توفیقی نصیب او خواهد شد؟





باید تلاش مسلمان در این ماه این باشد که حداکثر بهره را از این ضیافت الهی بگیرد و دست پیدا کند به رحمت و مغفرت الهی، که من تأکید کنیم بر روی استغفار؛ استغفار از گناهان، استغفار از خطاها، استغفار از لغزش‌ها؛ چه گناهان کوچک، چه گناهان بزرگ. این خیلی مهم است که در این ماه، ما خودمان را، دلمان را از زنگارها پاک کنیم؛ خودمان را از آلودگی‌ها مصفا کنیم، شست‌وشو بدهیم؛ و این با استغفار امکان‌پذیر است.

نگاهی به ماه رمضان



معنویت امام خمینی رحمت‌الله
علیه در ماه رمضان به روایت
مقام معظم رهبری

این حالاتی که شما در کسانی مثل امام رضوان‌الله‌علیه در سنین بین هشتاد و نود سالگی می‌بینید، ادامه حالات جوانی ایشان است. چون امام، تقریباً ۷۹ ساله بودند که به ایران آمدند و جمهوری اسلامی شروع شد؛ یعنی امام از نزدیک هشتاد سالگی این مسؤولیت‌های سنگین را شروع کرده‌اند! وقتی که همه انسان‌ها در این سنین، بازنشسته می‌شوند و اهل افتادن در یک گوشه و در بستر و بی‌رغبتی و بی‌نشاطی نسبت به همه کارها؛ امام در آن سن، بزرگترین کارهای عالم را شروع کردند. اداره یک کشور، بلکه ایجاد یک نظام و قدم به قدم پیش بردن این نظام! این از جهت مشاغل و مسؤولیت‌های مهم.

امام رضوان‌الله‌علیه، از جهت معنوی هم همین‌طور بودند. بنده این را مکرر گفته‌ام. معمولاً امام در ماه رمضان، دیدار نداشتند. البته ما گاهی بین ماه رمضان می‌رفتیم و با ایشان ملاقات می‌کردیم - افطاری، یا به دلیل دیگری پهلوی ایشان بودیم؛ یک بار یا دو بار - اما غالباً مردم ایشان را نمی‌دیدند؛ ما هم کمتر از معمول می‌دیدیم. بعد از ماه رمضان که انسان ایشان را می‌دید، در یک دیدار و ملاقاتی که با مردم حرف می‌زدند، آدم به طور محسوس می‌فهمید که ایشان در این یک ماه، نورانیتر شده‌اند آدم، این را حس می‌کرد. پیرمرد هشتاد و چند ساله - نزدیک نود ساله - این یک ماهه حرکت می‌کرد و پیش می‌رفت! همیشه در حال حرکت بودند؛ اما ماه رمضان، بیشتر و جدی‌تر! چون میدان، میدان مناسب‌تری است.

اجتناب از گناهان

امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) سؤال می‌کند از پیغمبر که در این ماه رمضان کدام عمل بافضیلت‌تر است. در جواب می‌فرماید: «الورع عن محارم الله». اجتناب از گناهان و از محارم الهی، بر کارهای اثباتی و ایجابی مقدم است؛ جلوگیری از آلودگی و زنگار روح و دل است. این افراد از گناه هم اجتناب می‌کنند. پس هم روزه‌داری است، هم تلاوت است، هم دعا و ذکر است، هم دوری از گناهان است. این مجموعه، انسان را از لحاظ اخلاق و رفتار هم به آن چیزی که مورد نظر اسلام است، نزدیک می‌کند. وقتی این مجموعه کار انجام گرفت، دل انسان از کینه‌ها خالی می‌شود؛ روح ایثار و فداکاری در انسان زنده می‌شود؛ کمک به محرومان و مستمندان برای انسان آسان می‌شود؛ گذشت به نفع دیگران و به زیان خود در امور مادی برای انسان روان می‌شود. لذا می‌بینید در ماه رمضان جرم و جنایت کم می‌شود، کار خیر زیاد می‌شود، محبت بین افراد جامعه بیش از اوقات دیگر می‌شود؛ که اینها به برکت همین ضیافت الهی است.

حداکثر استفاده را ببرید

باید تلاش مسلمان در این ماه این باشد که حداکثر بهره را از این ضیافت الهی بگیرد و دست پیدا کند به رحمت و مغفرت الهی، که من تأکید کنیم بر روی استغفار؛ استغفار از گناهان، استغفار از خطاها، استغفار از لغزش‌ها؛ چه گناهان کوچک، چه گناهان بزرگ. این خیلی مهم است که در این ماه، ما خودمان را، دلمان را از زنگارها پاک کنیم؛ خودمان را از آلودگی‌ها مصفا کنیم، شست‌وشو بدهیم؛ و این با استغفار امکان‌پذیر است. لذا در روایات متعددی دارد که بهترین دعاها یا در رأس دعاها، استغفار است؛ طلب مغفرت از پروردگار. برای همه هم استغفار هست. پیغمبر اکرم هم - آن انسان والا - استغفار می‌کرد. حالا استغفار امثال ما از نوعی از گناهان است؛ این گناهان متعارف و معمولی و گرایش‌های حیوانی در وجود ما و همین گناهان به تعبیری می‌گوئیم گناهان چارواداری؛ گناه‌های آشکار و واضح. بعضی‌ها استغفارشان از چنین گناهانی نیست؛ از ترک اولی است. بعضی ترک اولی هم نمی‌کنند؛ اما استغفار می‌کنند، که این استغفار از قصور ذاتی و طبیعی انسان ممکن در قبال عظمت ذات مقدس پروردگار است؛ استغفار از عدم معرفت کامل، که این مال اولیاء و مال بزرگان است.

پایه‌های اصلی تکامل انسان

هدف از روزه‌ی ماه رمضان، بنا بر تصریح آیه‌ی قرآن، عبارت است از تقوا و افزایش این ذخیره‌ی معنوی در وجود انسان، می‌فرماید: «كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم». ما می‌دانیم که نماز و زکات، مخصوص امت اسلام نبوده است؛ بلکه پیامبران قبل از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در صدر احکام خود، نماز و زکات را داشته‌اند. «و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیا» از قول حضرت عیسی (علیه‌السلام) است که به مخاطبان خود می‌فرماید: خدا من را به نماز و زکات وصیت کرده است. از آیات دیگر قرآن هم این معنا استفاده می‌شود. آیه‌ی اولی که تلاوت کردیم، می‌فرماید: روزه هم مثل نماز و زکات، در شمار احکامی است که مخصوص امت اسلام نیست؛ بلکه امم سابق و پیامبران گذشته هم مأمور به روزه بوده‌اند. این، نشان‌دهنده این حقیقت است که در بنای زندگی معنوی انسانها در هر زمان، همچنان که نماز لازم است و این نماز، رابطه‌ی معنوی میان انسان و خداست، و همچنان که زکات لازم است و این نکات، تزکیه‌ی مالی انسان می‌باشد، روزه هم واجب و ضروری است و این یکی از پایه‌های اصلی تکامل انسان و تعالی معنوی اوست؛ والا در طول زمان و با تغییر ادیان مختلف، این خط، ثابت و مستمر نمی‌ماند.



کسانی که بدون عذر یا با
عذر شرعی روزه نمی گیرند چه وظیفه‌ای دارند؟

جریمه نگرفتن روزه

روزه ماه مبارک رمضان یکی از واجبات دینی ماست که بر همگان واجب شده احکام مربوط به این واجب شرعی را هم یاد بگیرند. بخشی از احکام روزه مربوط به موضوع کفاره، کفاره جمع، کفاره تأخیر و فدیة است که شاید خیلی‌ها با احکام مربوط به آن آشناسیی نداشته باشند. در این دو صفحه سعی شده است که این احکام در یک دسته‌بندی مشخص بیان شود.



میزان کفاره

کفاره باطل کردن عمدی روزه ماه مبارک رمضان در شرع اسلام یکی از این ۳ چیز است:



شصت فقیر را غذا دادن



دو ماه (شصت روز) روزه گرفتن



آزاد کردن یک برده



از آن جایی که در این دوران برده‌ای وجود ندارد
که بتوان آزاد کرد مکلف باید یکی از آن دو کار دیگر را انجام دهد.



کسی که می‌خواهد ۲ ماه کفاره روزه ماه رمضان را بگیرد باید یک ماه تمام و حداقل یک روز
از ماه دوم را پی در پی بگیرد و اگر بقیه ماه دوم پی در پی نباشد اشکال ندارد.



غذا دادن به ۶۰ فقیر را می‌توان به ۲ صورت انجام داد: ۱- این که با غذای آماده آنان را اسیر
کند. ۲- این که به هر نفر به اندازه ۷۵۰ گرم (یک مد) گندم یا آرد یا نان یا برنج یا امثال
آن بدهد. (معمولاً همراه با میزان فطر به مبلغ کفاره یک روز هم توسط مراجع
تقلید هر سال در پایان ماه رمضان اعلام می‌شود).



ممکن است یک نفر علاوه بر قضای روزه، کفاره هم بر او واجب شده باشد. اما این فرد نه توانایی ۶۰ روز روزه گرفتن را دارد و نه پولی که بخواهد به فقرا بدهد. خوب حالا چه وظیفه‌ای در مورد کفاره بر عهده اوست؟ باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط واجب آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان بگوید: «اَسْتَغْفِرُ الله».

احکام کفاره جمع

حکم کلی: اگر کسی با آمیزش جنسی حرام یا استمنا یا خوردن و نوشیدن حرام، روزه خود را در ماه رمضان بشکند، بنا بر احتیاط هر سه کفاره (آزاد کردن برده، شصت روز روزه، غذا دادن به شصت فقیر) با هم بر او واجب می‌شود. و اگر هر ۳ برایش ممکن نباشد هر یک را که ممکن است باید ادا کند. اگر چه واجب نبودن این احتیاط بعید نیست. (نظر رهبر معظم انقلاب در زمینه باطل کردن روزه با کاری حرام، احتیاط مستحب دادن کفاره جمع است)

شخص روزه‌دار به صحنه شهوت‌برانگیزی مثلاً در شبکه‌های اجتماعی یا ماهواره نگاه می‌کند و جنب می‌شود. آیا چنین فردی مصداق کسی است که روزه‌اش را با عملی حرام باطل کرده است یا اینکه مصداق چنین چیزی نیست؟

اگر نگاه کردن او به قصد انزال بوده و یا می‌دانسته که اگر به آن تصاویر یا فیلم نگاه کند، جنب می‌شود و یا عادت او بر این بوده است و در عین حال عمداً نگاه کرده و جنب شده، حکم جنابت عمدی را دارد یعنی هم قضاء بر عهده او است و هم بنا بر احتیاط کفاره جمع.

احکام کفاره تأخیر

حکم کلی: کسی که قضای روزه ماه رمضان بر عهده دارد، موظف است تا قبل از ماه رمضان سال آینده، این قضای روزه را بگیرد. خوب حالا کسی که روزه ماه رمضان را به واسطه عذری نگیرد و تا رمضان آینده هم به خاطر سهل‌انگاری و بدون عذر قضای آن را به جا نیاورد باید بعد روزه را قضا کند و برای هر روز کفاره تأخیر بدهد.

❖ کفاره تأخیر عبارت است از یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود. (یک مد طعام همان ۷۵۰ گرم گندم یا آرد یا نان یا برنج یا امثال آن است).

اگر کسی به واسطه عذری روزه نگیرد و این عذر مثلاً مسافرت تا رمضان سال بعد طول بکشد، باز هم بعداً باید کفاره تأخیر را بدهد یا اینکه در این زمینه وظیفه‌ای بر عهده ندارد؟

قضای روزه‌هایی که از او فوت شده کافی است و واجب نیست کفاره بدهد، هر چند احتیاط مستحب این است که هم قضا کند و هم کفاره تأخیر بدهد.

کسی بدون عذر گرفتن قضای روزه ماه رمضان را تا چند سال به تأخیر انداخته، آیا باید برای هر سال یک کفاره تأخیر بدهد؟

کفاره تأخیر قضای روزه ماه رمضان - هر چند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد - یک بار واجب است و با گذشت سال‌ها تعداد آن افزایش نمی‌یابد.

احکام کفاره

حکم کلی: هر گاه در ماه رمضان کارهایی که روزه را باطل می‌کند را از روی عمد و اختیار و بدون عذر شرعی انجام دهد، علاوه بر این که روزه او باطل می‌شود و قضا دارد، کفاره نیز بر او واجب است اعم از این که هنگام انجام کار باطل کننده روزه، می‌دانسته که باید کفاره بدهد یا نه.

اگر فردی به خاطر عذری احتمال دهد که روزه‌ی ماه مبارک رمضان بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است. (صرف احتمال عدم وجوب روزه‌ی ماه مبارک رمضان برای افطار کافی نیست). ولی اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد کفاره ندارد ولی قضا بر او واجب است؟

اگر به سبب بی‌اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، مثل این که نمی‌دانست سر زیر آب کردن روزه را باطل می‌کند و سر زیر آب کرد، روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند، ولی کفاره بر او واجب نیست.

فردی از احکام باطل کننده‌های روزه اطلاع ندارد. مثلاً نمی‌داند که فرو بردن تمام سر در آب باعث باطل شدن روزه می‌شود و این کار را انجام می‌دهد و بعداً می‌فهمد که این کار جزو باطل کننده‌ها بوده است. خوب این فرد علاوه بر قضا کردن روزه‌اش، باید کفاره هم بدهد؟

روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند، ولی کفاره بر او واجب نیست. اگر به جتنی باطل کردن روزه برای او جایز یا واجب شود، مانند این که او را مجبور کنند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، یا برای نجات جان غریق خود را در آب بیندازد، در این صورت، کفاره بر او واجب نیست، ولی باید قضای آن روز را به جا آورد.

کسی به گفته یک نفر قبل از اذان افطار می‌کند، در حالی که نباید به گفته او اعتماد می‌کرده. چنین فردی چه وظیفه‌ای بر عهده دارد؟

قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

احکام فدیة

حکم کلی: فدیة هم شبیه کفاره تأخیر است، اما به گروه‌های خاصی تعلق می‌گیرد. مقدار فدیة همان مقدار کفاره تأخیر است، یعنی یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود. ۵ گروه از افراد هم باید فدیة بدهند که عبارتند از: ۱- مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشقت دارد. ۲- کسی که مبتلا به بیماری استسقا است یعنی زیاد تشنه می‌شود و روزه برای او مشقت دارد. ۳- زن باردار که وضع حمل او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد. ۴- زن شیرده که شیر او کم است و روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر دارد. ۵- فرد بیمار که روزه برای او ضرر دارد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند.

این افراد باید روزه خود را افطار کنند و گروه‌های ۳ و ۴ علاوه فدیة، قضای روزه هم بر آنها واجب است. سه گروه دیگر قضای روزه از آنها ساقط است و فقط فدیة به عهده آنها است.



قرآن عثمان طه را انتخاب کنید

قرآن‌های فعلی توسط خطاط‌های مختلفی نوشته شده که برخی‌ها خارجی و برخی داخلی هستند. شما مختارید که برای تلاوت روزانه قرآن در ماه رمضان، هر قرآنی که دلتان خواست انتخاب کنید، اما پیشنهاد ما این است که سراغ یک خط استاندارد بروید. چرا؟ چون اگر بخواهید در مجالس قرآن‌خوانی به شکل گروهی شرکت کنید، یا با همراهی فابل‌های صوتی قاریان، قرائت کنید قرآن شما باید استاندارد باشد تا هماهنگ‌تر بتوانید ختم قرآن را انجام دهید. خوب حالا خط استاندارد، کدام خط قرآن است؟ کارشناسان قرائت، قرآن با رسم الخط عثمان طه را پیشنهاد کرده‌اند. این قرآن که توسط خطاط سوری نگاشته شده است، به علت خصوصیاتی که دارد در میان مسلمان شهرت زیادی پیدا کرد، به گونه‌ای که الان در تمامی کشورهای اسلامی این قرآن به عنوان قرآن استاندارد شناخته شده است و در مسابقات حفظ و قرائت قرآن از این قرآن استفاده می‌شود. فقط یادتان باشد که این قرآن باید ۱۵ خطی باشد، چون این مصحف با تعداد سطور ۱۲، ۱۴، ۱۵ و ۱۸ خطی چاپ شده که استاندارد آن ۱۵ خطی است.

یکی از مهم‌ترین سنت‌های مذهبی‌ها در ماه مبارک رمضان، ختم قرآن است

قرآن‌خوانی در بهار

قدیم‌ها در محله‌ها می‌شد خانه‌های را پیدا کرد که در ماه رمضان جلسه‌های روخوانی قرآن به شکل روزانه برگزار می‌شد. شاید این جلسه‌ها در سال‌های اخیر کم‌رنگ‌تر شده باشد، اما سنت جزءخوانی قرآن در ماه رمضان همچنان میان مذهبی‌ها به قوت خود باقی است. بسیاری از مساجد هم یک بار یا حتی دو بار در روز این برنامه را برای اهالی محله‌ها برپا می‌کنند. اگر شما هم قصد دارید که این برنامه معنوی و پربرکت را داشته باشید توصیه‌های ما در این دوفصله حسابی به کارتان می‌آید.





هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن، رمضان است. در بهار قرآن، شایسته نیست که ما به عنوان یک مسلمان قرآن بخوانیم و در آن تدبر و تفکر نکنیم. میزان این قرآن خوانی هم می تواند حتی به اندازه یک آیه قرآن باشد. حتما این روایت معروف حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شنیده اید که فرموده اند: کسی که در ماه مبارک رمضان یک آیه قرآن بخواند پاداش او همانند کسی است که قرآن را در ماه های دیگر ختم کرده است.



برای ختم قرآن به کجا برویم؟

امکان ندارد در محله ای زندگی کنید که هیچ یک از مساجدش، برنامه قرآن خوانی و ختم دسته جمعی قرآن نداشته باشد. حتی برخی مساجد هستند که در ۲ نوبت یا ۳ نوبت، برنامه جزء خوانی دارند. پس بهترین گزینه برای حضور در برنامه ختم قرآن، همین مساجد محله تان است. البته گزینه های دیگری هم وجود دارد؛ آستان متبرک امامزادگان، حسینیه ها و دارالقرآن ها، جاهای دیگری هست که می توانید برای ختم قرآن روی آنها حساب کنید. فقط همین امروز باید از ساعت برگزاری برنامه آنها مطلع شوید و خودتان را به جمع برسانید. یک کار خوب دیگری که در این سال ها رونق گرفته، برپایی مجالس خانگی ختم قرآن است. این مجالس خانگی، مخصوصا در محله هایی که هنوز هویت محلی خود را از دست نداده اند به راحتی پیدا می شود. خب خود شما هم می توانید بانی برگزاری این مجالس در خانه تان باشید و ثوابی بزرگ را کسب کنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: خانه ای که در آن قرآن خوانده شود فرشتگان وارد آن می شوند و شیطان ها از آن دور می شوند و اهل آن در آسایش قرار می گیرند و به خیر و برکت آن خانه افزوده می شود.



قرآن خوانی چه شرایطی دارد؟

قرآن کتاب خداست، کتاب مقدس ما مسلمان ها، کتاب زندگی مان و خیلی صفات برگزیده دیگر که نشان از اهمیت آن دارد. خب مسلم است که وقتی می خواهیم سراغ آن برویم باید نکاتی را رعایت کنیم. پایین ترین مرتبه آن همین احترام ظاهری قرآن است. یعنی مثلا محل نگهداریش را در منزل، بهترین مکان قرار دهیم تا حدی که حتی موقع استراحتمان کوچکترین بی احترامی به آن نشود، یا اینکه موقع قرائت دیگران به احترام قرآن سکوت کنیم و به قرائت گوش دهیم. یا اینکه بدون وضو سراغ قرآن خوانی نرویم حتی اگر قصد مس کردن کلمات آن را هم نداشته باشیم. یکی از کارهایی که برای مهیا شدن قرآن خوانی سفارش شده مسواک زدن است. استعاذه کردن هم بسیار سفارش شده؛ یعنی قبل از شروع قرائت استعاذه کنیم و بگوییم «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» چرا که این دستور قرآنی است که می فرماید «فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم» یعنی هر وقت قرآن خواندی، پناه ببر به خدا از دست شیطان رجیم. بهترین شیوه ای هم که برای قرائت قرآن سفارش کرده اند ترتیل خوانی است، چون همزمان امکان تدبر در آیات قرآن را هم فراهم می کند.



چقدر در روز قرآن بخوانیم؟

خب به طور معمول، یک ماه ۲۰ روز است. البته امسال احتمال اینکه ماه رمضان ۲۹ روز باشد زیاد است. خب بهترین تقسیم بندی که بسیار هم رایج محسوب می شود خواندن یک جزء قرآن در هر روز است. این یک جزء با همان خط عثمان طه که در هر صفحه ۱۵ سطر دارد حدود ۲۰ صفحه می شود. حالا وقتش است که برنامه ریزی کنید، یعنی وقتی از روز یا شب ماه مبارک را به قرآن خوانی اختصاص دهید اگر قرآن را خیلی روان می خوانید باید بتوانید در حدود یک ساعت، یک جزء را بخوانید. زمان خواندن یک جزء توسط قاریان در فایل های صوتی هم چیزی حدود همین یک ساعت است. یعنی اگر خیلی هم روان خوان نیستید می توانید با استفاده از فایل های صوتی یا همراهی با برنامه های جزء خوانی تلویزیون و رادیو، برای همان یک ساعت برنامه ریزی کنید. اینکه چه زمانی بهتر است، بستگی به برنامه کاری و زندگی خودتان دارد، اما خب زمان هایی هم هستند که ثواب قرآن خواندن در آن بیشتر است، مثلا بین الطلوعین زمانی است که بر اساس روایت های مختلف، ثواب هر کار خوب در آن ۲ برابر است.



این روزها و شب‌های ماه رمضان می‌توانید سری هم به خود فرهنگسرای قرآن در خیابان قزوین بزنید. هر سال در شب میلاد امام حسن مجتبی علیه‌السلام در سالن همایش‌های فرهنگسرا از پیشکسوتان در ۶ رشته قرآنی تحلیل عمل می‌آید که شهروندان برای آشنایی و ارتباط بیشتر با این اساتید می‌توانند در این مراسم حضور یابند. ضمن اینکه کلاس‌های آموزشی هم به قوت خود برگزار می‌شوند. شماره تماس این فرهنگسرا برای اطلاع از برنامه‌ها آن ۳-۵۵۷۷۵۱۴۱ است.

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره انس با قرآن

تدبر در آیات قرآن فراموش نشود

رهبر معظم انقلاب بارها در دیدار با قاریان و حفاظ کشور و همچنین در محافل انس با قرآن که در حسینیه امام خمینی رحمت‌الله علیه برگزار شده، توصیه‌هایی برای انس بیشتر با قرآن داشته‌اند. اینجا به چند مورد از این توصیه‌های کاربردی اشاره شده است.

همه به قرآن عشق می‌ورزند و احترام می‌کنند؛ اما عده کمی همواره آن را تلاوت و عده کمتری در آن تدبر می‌کنند. برای رفع این نقیصه که کاری ممکن و روان است، در گام اول باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه قرآن آشنا کرد و از شربت گوارا و حیاتبخش قرآن، به ذائقه آنان چیزی چشانید.

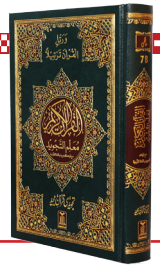
ترتیبی بدهید که بشود بچه‌ها را از کوچکی در دبستان وادار به حفظ قرآن کنند - البته مجبورشان نکنند - جایزه قرار بدهند و مثلاً بگویند هر بچه‌ای که در دوره دبستان، این قدر از قرآن را حفظ بکند، این مقدار امتیاز خواهد گرفت؛ یا اگر کسی در دبیرستان، این مقدار قرآن را حفظ کند، به قدر این واحدها یا این درس‌ها، نمره یا امتیاز مادی می‌دهیم. من عقیده‌ام این است که حفظ قرآن باید از بچگی شروع بشود، یعنی حدوداً از دوازده سالگی، سیزده سالگی.

آیه‌ای را که تلاوت می‌کنید، بدرستی معنایش را درک کنید. همین معنایی که یک عربی‌دان می‌تواند بفهمد، همین معنای ظاهری را درست درک کنید. این که درک شد، آن وقت در تلاوت، فرصت و قدرت تدبر به انسان دست می‌دهد. یعنی انسان می‌تواند آن وقت تدبر کند.

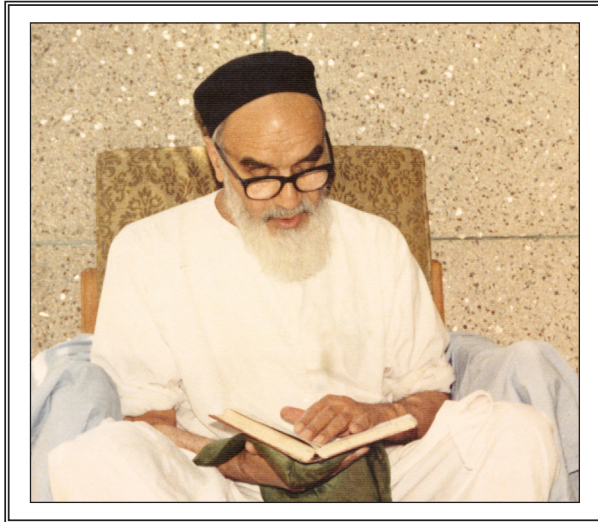
متأسفانه اکثر مردم ما از الفاظ آیات کریمه قرآن، مستقیم‌تر استفاده می‌کنند؛ یعنی اکثر عربی نمی‌دانند. خوب یکی از محرومیت‌های ماست. لذا در قوانین کشور فراگیری زبان عربی که زبان قرآن است، یکی از چیزهای لازم فرض شده که این به خاطر همین است. اگر ما واقعاً بخواهیم معانی قرآن را بفهمیم، مردم معمولی که عربی هم نخوانند، می‌توانند مراجعه به تفاسیر و به ترجمه‌ها بکنند.

ما باید رابطه‌مان را با قرآن روز به روز مستحکم‌تر کنیم. در خانه‌ها قرآن





اگر مایلید تا در ماه رمضان انس بیشتری با قرآن داشته باشید، حتماً سری به نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم واقع در مصلی امام خمینی رحمت‌الله علیه بزنید. در این نمایشگاه محافل مختلفی برای انس با قرآن خواهید یافت. فرهنگسرای قرآن هم در این نمایشگاه غرفه دارد و می‌توانید از خدماتی که ارائه می‌شود، برای آشنایی بیشتر با مفاهیم کتاب آسمانی سود ببرید.



من چشمانم را برای قرآن خواندن می‌خواهم

خاطره‌های زیادی درباره حضور پررنگ قرآن در زندگی حضرت امام رحمت‌الله علیه بیان شده است که نشان از انس بسیار زیاد ایشان به این کتاب آسمانی دارد. ایشان هم مانند بسیاری از علما و بزرگان ما با آغاز ماه مبارک رمضان، سبک زندگی‌شان تغییر می‌کرد و اوقات زیادی را با قرآن سپری می‌کردند. یک بار در زمانی که امام در نجف بود، از ناحیه چشم دچار ناراحتی شده بود. هنگامی که پزشک چشم، ایشان را معاینه کرد، توصیه کرد که چند روزی قرآن نخوانند و استراحت کنند. امام لبخند زدند و فرمودند: «دکتر! من چشمم را برای خواندن قرآن می‌خواهم! چه فایده‌ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم؟ شما کاری بکنید که من بتوانم قرآن بخوانم.» ایشان احترام بسیار زیادی هم به قرآن می‌گذاشتند و همیشه مراقب بودند که قرآن روی زمین گذاشته نشود. گاهی که نزدیکان ایشان قرآن را روی زمین می‌گذاشتند، امام که مراقب بودند بلافاصله می‌فرمودند: «قرآن را روی زمین نگذارید!» و بلافاصله دستشان را جلو می‌آوردند، آن را می‌گرفتند و روی میز می‌گذاشتند. امام در روز چند نوبت قرآن می‌خواندند: بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر، قبل از نماز مغرب و عشاء و یا در هر فرصت دیگر به این عمل مستحب پایبند بود. نزدیکان ایشان بارها در طول روز که خدمت ایشان می‌رسیدند، امام را مشغول خواندن قرآن می‌دیدند.

ترجمه قرآن را بخوانید و تفکر کنید

قرار است شما در این یک ماه بیشتر با قرآن مأنوس شوید. خب علما و بزرگان هم برای انس با قرآن، تعاریفی بیان کرده‌اند و آن را دارای درجاتی دانسته‌اند. مثلاً همین که شما به آیات قرآن، نگاه هم بکنید، درجه‌ای از انس با قرآن است و برای آن فواید جسمی و معنوی زیادی در روایات بیان شده است. حتی طبق روایات اسلامی، کسی که در خانه‌اش از قرآن نگهداری می‌کند هم از پایین‌ترین درجه انس با قرآن و اثرات آن برخوردار است. نگهداری قرآن در خانه، نگاه کردن به آیات قرآن، گوش فرا دادن به قرآن خوانی دیگران، تلاوت قرآن، تدبیر و تفکر در قرآن و در نهایت عمل به قرآن، همان مراتب انس با قرآن است که توسط علما و همچنین در روایات مختلف بیان شده. مسلمانان بهار قرآن بهترین فرصت است که شما از مرتبه‌ای به مرتبه بالاتر بروید. مسلمان کسی که زبان عربی نمی‌داند، بهترین کار این است که سراغ ترجمه آن برود تا بتواند در آیات قرآن تفکر کند و دستورات آن را در زندگی‌اش به اجرا درآورد. ترجمه‌های خوب هم کم نیست؛ ترجمه‌های بهاء‌الدین خرمشاهی، ابوالفضل بهرام‌پور، طاهره صفارزاده، عبدالمحمد آیتی و مهدی الهی‌قمشه‌ای از آن جمله‌اند.

بخوانید. حتی در هنگام بی‌کاری، چنانچه مختصر فراغت پیدا می‌کنید، خودتان را به قرآن وصل کنید. هر روز مقداری قرآن بخوانید و آن را فراگیرید.



در آن دوران طاغوت، من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتم؛ به جوانانی که می‌آمدند، می‌گفتم که هر کدام از شماها یک نسخه قرآن در جیب بغلتان داشته باشید؛ اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغت پیدا می‌کنید - یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم ساعت - قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید، تا با این کتاب انس پیدا کنید.



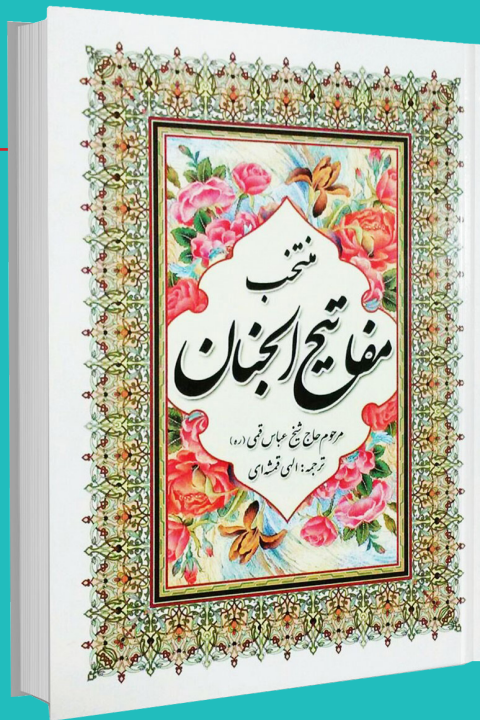
قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مأنوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لااقل پنجاه آیه قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه قرآن بخوانید؛ نگوئید سوره حمد را می‌خوانم و این چند آیه سوره‌ی حمد با چند آیه سوره قل هوالله - یک رکعت می‌شود همان ده آیه‌ای که فلانی می‌گوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز می‌خوانید، قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید.



با حالت روزه‌داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه‌داری، در شب‌ها و نیمه شب‌ها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرامی‌گیرد، در حال متعارف و معمول نمی‌تواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند؛ آنها از این هم بهره می‌برند.



اگر بخواهیم همه قرآن را بیاموزند، عده‌ای باید در اوج قرار گیرند - مثل همه چیز دیگر - همین‌طور که اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده‌ای قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید. اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگ‌ها، بین زن‌ها و مردها رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید.



درباره مناجات‌های عربی و فارسی
و زمان‌ها و آدابش، بیشتر بدانیم

دوقدم مانده به

اشک



دهان پراز عربی است

برترین مناجات‌هایی که داریم به زبان عربی است. شاید عده‌ای بپرسند که حالا چرا به زبان عربی؟ یا این که نمی‌شود ترجمه‌اش را خواند؟ برترین مناجات‌های دینی ما از ائمه اطهار به ما رسیده و طبیعی است که به زبان عربی باشد. کسی که می‌خواهد از غزلیات حافظ نهایت استفاده را ببرد، بهتر است زبان فارسی را یاد بگیرد و خودش، مستقیماً از این غزل‌ها استفاده کند. فیلم‌ها هم می‌گویند هر چقدر زیر نویس‌ها و دوبله‌ها قوی باشند، هیچ چیز به پای تماشای فیلم‌ها با زبان اصلی و مادر نمی‌رسد. دعاها و نیایش‌ها و مناجات‌ها نیز چنین‌اند. فکر کنید که مناجات حضرت امیر علیه السلام را، با آن سجعی که دارد و با آن قدرت کلامی، به صورت ترجمه بخوانیم! این، همان قدر عجیب است که مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را، به زبان انگلیسی بخوانیم. پس زیاد به این چیزها پیش گیر ندهید. یاد گرفتن زبان عربی در سطح درک دعاها هم کار زیاد سختی نیست؛ با توجه به قرابتی که با زبان فارسی دارد.

اگر می‌خواهید سراغ مناجات‌های زبان اصلی بروید، می‌توانید روی یک جلد مفاتیح الجنان حساب باز کنید. کتاب‌های ارتباط با خدا یا برگزیده مفاتیح و امثالهم هم بسیار کارگشا و در ضمن سبک است. روی دعا‌هایی که به صورت تک یا دو، سه برگ با جلد چاپ می‌شوند هم می‌توانید حساب باز کنید؛ همیشه همراهتان خواهد بود. دعای حضرت مهدی (عج) نقل شده از مرحوم «کفعمی»، دعای ندبه، دعای مکارم الاخلاق، دعای توسل، دعا‌های جوشن صغیر و کبیر، دعای کمیل، مناجات حضرت امیر علیه السلام، دعای بستشیر، دعای مجیر، دعای صباح و ابوحمزہ ثمالی و امثالهم، جزو مناجات‌هایی هستند که می‌توانید روی آن‌ها و معانی‌شان، در مفاتیح و امثال آن حساب باز کنید.



ماه مبارک آمد. ماه مبارک خیمه زد و برکت بخشید... و حالا ماه مبارک دارد روز به روز می‌گذرد. سختی می‌کشیم، مخصوصاً در این گرمای داغ و ساعت‌های طولانی. اما یادگاری‌های خوبی هم به جا می‌ماند. نظم این ماه، طاقت آوردن‌های این ماه، حال‌های خوب این ماه، مهربان‌تر شدن مردم در این ماه با هم و ... یادگارها این ماه مبارک هستند؛ خاصه در شب‌هایی که به شب‌های قدر معروف‌اند. اما حالا که در ماه مبارک هستیم چه خوب است که این یادگاری‌های خویش را، که بعد ۳۰ روز در ما عادت و نهادینه می‌شود، نگه داریم. خلوت کردن‌ها، انس گرفتن‌ها با تاریکی شب (به همان گونه که حضرت امیر علیه السلام عادت داشت) و مناجات و راز و نیاز با برترین قدرت هستی، جزو عادت‌هایی است که رمضان و غیررمضان ندارد. حالا که به آن عادت کرده‌ایم و ماه مبارک می‌گذرد، چرا این همه زحمت را به باد بدهیم؟ شب‌های جمعه، صبح‌های جمعه، ایام خاص و ... فرصت‌های مناسبی هستند برای مناجات‌خوانی. رنگ‌های معنوی مناجات‌های معنوی رمضان را، به روی همه ماه‌ها و روزها و هفته‌های سال بپاشید. خدا همان خداست، دل همان دل است و مناجات، همان مناجات.



الهی به حرمت عشق تو

زبان فارسی، زبان شیرینی است. مهمترین قالب هنری زبان فارسی نیز، شعر است. البته نثرش هم قوی است، اما به پای شعرش نمی‌رسد. از همان قدیم‌ها، رسم بوده که شعر، در ابتدای دیوان‌ها و شعرها و قصایدشان، چند بیت یا صفحه‌ای را به مناجات با خدا اختصاص می‌دادند. از این دست اشعار را می‌توانید در مثنوی‌های سعدی و مولوی و سنایی و نظامی گنجوی پیدا کنید. مولوی ۲۶۲ بیت و عطار نیشابوری ۸۵۴ مناجات دارند. دوبیتی‌ها و رباعی‌ها هم قالب‌های مناسبی برای مناجات‌ها هستند. مناجات‌ها اساساً در زبان فارسی، به سه قسم تبدیل می‌شوند. گروهی شان، به ستایش خدا می‌پردازند. گروهی دیگر، حال روحی مناجات‌کننده و فقر و ذللی و دست‌های خالی و... او را نمایان می‌سازند و این که بالاخره امیدوار است به این درگاه و بخشش خداوندی. بخش بعدی هم به درخواست‌های مناجات‌کننده از خدا باز می‌گردد.

در حوزه نثر هم که مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری، چون خورشیدی تابان در این سرزمین می‌درخشد. البته مناجات‌های منثور دیگری هم یافت می‌شود؛ در آثار سعدی و دیگران، اما به این پایه از شهرت نرسیده‌اند. بخش‌هایی از این مناجات‌ها را می‌خوانیم: «الهی به حرمت آن نام که تو خوانی و به حرمت آن صفت که تو چنانی، دریاب که می‌توانی / الهی، عمر خود به باد کردم و بر تن خود بیداد کردم؛ گفتی و فرمان نکردم، درماندم و درمان نکردم / الهی، اگر تو مرا خواستی من آن خواستم که تو خواستی / به لطف، ما را دست گیر و به کرم، پای دار. الهی حجاب‌ها از راه بردار و ما را به ما مگذار /...» از شاعران و نویسندگان معاصر هم، اشخاصی چون سیدمهدی شجاعی و سادات اخوی و... بوده‌اند که در این عرصه، دست به قلم برده‌اند.



آداب بندگی آداب نیایش

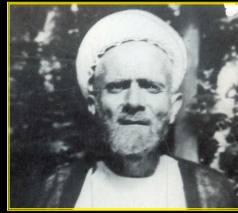
آدمی وقتی که می‌خواهد به یک جلسه ساده اداری و حرفه‌ای برود، کمی به سر و وضعش می‌رسد، کمی خودش را مرتب می‌کند، کمی مواظب شوخی‌ها و گفتارهایش هست. هرچقدر جلسه مهمتر و حرفه‌ای‌تر باشد، این مراقبت‌ها بیشتر می‌شود. حالا فرض کنید که شما، یک بنده ساده ناقابل روی یک کره خاکی از هزاران و میلیون‌ها کره کهکشانی موجود هستی، می‌خواهید با آفریدگار بزرگ همه این عظمت‌ها، حرف بزنید، به نظرتان جلسه مهمی نیست؟ برای دعا و مناجات، باید شروطی هم رعایت کنید. درست است که قرن‌ها پیش مولوی گفته «هیچ آدابی و ترتیبی مجوی / هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو»، اما این برای وقت‌هایی است که آدمی، واقعا زده به سیم آخر و دیگر وقت فراهم آوردن هیچ تمهیداتی نیست. اما در وقت‌های معمول که به سیم آخر نزده‌ایم، نیاز به مقدماتی هم وجود دارد. اول این که سعی کنید وقت‌های شریف را برای مناجات انتخاب کنید. سحرگاهان، شب‌های جمعه، جمع‌ها و مناسبت‌های مذهبی خاص، از این جمله‌اند. دعای پیش از نماز صبح و سحرگاهان که اصلاً یک تأثیر دیگری دارد. زمان‌های استعجاب دعا را نیز از یاد نبرید. مثل زمان آمدن باران، بعد از نمازهای واجب، میان اذان و اقامه و امثالهم. مورد بعدی این که وضو یا غسل داشته و روبه قبله باشید. صدای مناجات خوانی‌تان، میان آهسته و بلند باشد. موقع دعا کردن، دلی دعا کنید، به قافیه و سجع و این‌ها کاری نداشته باشید. سفارش بعدی این که حالت خضوع و خشوع به خودتان گرفته و زاری کنید؛ هم چون زاری کسی که می‌داند نجات عزیزش در دست بزرگی است و به پایش افتاده و التماس می‌کند.





سیدعلی میرهادی

این مناجات خوان نیز، از اهالی مسجد امین الدوله است؛ جایی آرام نشسته در پایین تر از چهارراه سیروس. جایی که هنوز، نامی و نشانی از شیخ محمدحسین زاهد و سیدعلی میرهادی دارد. به منبر تکیه می زد و مناجات می خواند؛ ۳۲ سال تمام. باصفا بود؛ همراه نفسی گرم. دهه دوم صفر را، کنار حاج آقا ربانی، در همین مسجد امین الدوله زیارت عاشورا می خواند. روز عرفه نیز دعای این روز را قرائت می کرد. در شب های ماه مبارک نیز ابو حمزه ثمالی، جوشن کبیر و دعای افتتاح را می خواند. در شب های قدر ماه مبارک نیز، دعای ابو حمزه ثمالی را با معنی می خواند؛ یک هفته ای هم طول می کشید. مرگش را هم پیش بینی کرده بود. خواب دیده بود که در حال مناجات خوانی است و بلندگو را از مقابلش برداشته اند. این یک هفته را غنیمت شمرده و راهی زیارت امام رضا شده بود. در عید قربان هم بود که سفر دنیایی او به پایان رسید و راهی سفر آخرت شد.



شیخ محمدحسین زاهد

ابتدا به شیخ محمدحسین نفتی و بعدها، به شیخ محمدحسین زاهد می شناختندش. نفس بسیار پاک و بانفوذی داشته. حتی بزرگان نیز، به مجلس مناجات خوانی او می آمدند. چهار، پنج هزار نفر افتخار شاگردی او را دارند. بسیار زاهد مسلک بوده و اعتنایی به دنیا نداشته. از طریق نفت فروشی زندگی اش را می گذرانده. کافی بوده بسم الله را شروع کند تا همه بزنند زیر گریه. در کار تدریس زبان عربی هم دستی داشته به همین علت می توانسته مناجات های وارده را، با دقت فراوان بخواند. در مسجد امین الدوله، ماه رمضان که می آمده، سی شب، شب زنده داری می کردند؛ مناجات می خواندند. جوری که این مسجد، به مسجد شب زنده داران معروف شده بود. دعای ابو حمزه ثمالی را، دو ساعت تمام، ایستاده و با گریه می خوانده؛ جوری که محاسنش خیس می شده. ابتدا در مسجد جامع احیا می گرفته، جمعیت که زیاد شد، سر از مسجد امین الدوله در آورد. چنان نفس گرمی داشته که بعضی ها در مناجات هایش، از هوش می رفتند.

نگاهی به معروف ترین
مناجات خوان های معاصر ایران

مردانی از جنس مناجات



حاج رضا بکایی

حاج رضا بکایی را، می توانید در مسجد امام حسین، در همین میدان پیدا کنید و پای دعا خوانی هایش بنشینید. البته در مساجد دیگری چون مسجد سادات اخوی نیز، رد پای او را می توانید مشاهده کنید.





حاج منصور ارضی

از مجلس‌های حاج منصور ارضی چه می‌توان گفت؟ مناجات‌خوانی را که در گوگل سرچ بزنید، اولین صفحه‌ها، متعلق به داندل‌های مناجات‌خوانی‌های اخیر او در مسجد ارگ است. اشعار پرمغزی را انتخاب می‌کند و سوزناکی صدای او را پایانی نیست، او، سابقه دعاخوانی در جبهه‌های دفاع مقدس را دارد و مسجد ارگ، جایگاه همیشگی او است.



بدان و بخوان برساحت جانان

ممکن است شما مناجاتی را چند سال بخوانید، اما از بعضی نکته‌های آن سر در نیاورید. در مورد قرآن هم ممکن است این اتفاق بیفتد. شاید سال‌ها خواندن قرآن تداوم داشته باشد، اما چون در کی از معانی و نکته‌های آن وجود ندارد، اتفاق خاصی هم نمی‌افتد. آمی وقتی یک بیت شعر را می‌خواند و خودش، متوجه نکات زیبا و معنایی و کلامی‌اش می‌شود، به وجد می‌آید. در مورد دعا نیز چنین است. اگر ما نکات و ریزه‌کاری‌ها را بدانیم، هنگام نیایش‌ها، به وجد خواهیم آمد.

یاد گرفتن کمی زبان عربی و انس گرفتن با ترجمه‌های خوب مناجات‌ها و نیز تفسیرهایی که از آن‌ها ارائه شده، می‌تواند برای شما بسیار کارگشا باشد. آخر نباید بدانید که این دعا، چه می‌گوید؟ یا اصلاً برای چه باید خوانده شود؟ ثواب ظاهری امر، به کنار، اما هیچ چیز با آگاهی برابری نمی‌کنید. سعی کنید این نکته‌ها را در بیاورید و تفسیرها را در سطح ابتدایی بدانید. نکته بعدی، استفاده از ظرفیت صدا و سیما و اینترنت و بسته‌های صوتی تصویری و مولتی مدیا است. علم خلاقیت، می‌گوید که اگر نوشته‌ای را، به صورت لیست وار پشت سر هم بنویسید، مغز خیلی ابتدایی آن را حفظ کرده و درک خواهد کرد. اما اگر نکات مهمش را، با رنگ‌های مختلف و شکل‌های مختلف مشخص کنید، مغز راحت‌تر تحت تأثیر این متن‌ها قرار خواهد گرفت. حالا اگر تصویر و عکس و ... را هم به آن اضافه کنید که دیگر معرکه است. سعی کنید دعاها را، مخصوصاً برای بچه‌ها، همراه با تصاویر ناب و صحنه‌های معنوی و ... همراه کنید تا بیشتر اثر کند. این اتفاق، چند وقتی است در هماهنگی قرائت قرآن با تصاویر شگفت‌انگیز طبیعت افتاده که بسیار هم تأثیرگذار بوده. داندل‌های اینترنتی و استفاده از تبلت‌ها و موبایل‌های پیشرفته و ... را هم از یاد نبرید.



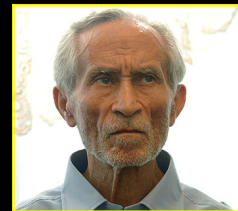
حاج ماشاءالله عابدی

حاج ماشاءالله عابدی را این شب‌ها در مسجد الشهدای می‌توانید پیدا کنید و پای دعاخوانی‌های او بنشینید. این معلم و خطیب، از شاگردان سیدعلی میرهادی است و به همان سبک و سیاق کارش را دنبال می‌کند. در منطقه شهید محلاتی، می‌توانید سراغی از او و مجلسش بگیرید.



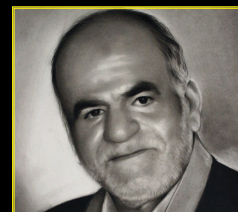
سیدقاسم موسوی قهار

او را با دعای سحر ماه مبارک به یاد بیاورید. در روزگاری که نشانی از مناجات‌خوانان بزرگ نیست، چهره‌هایی چون او، می‌توانند بازگشای این راه باشند. بیش‌تر در دستگاه‌های شور و ماهور می‌خوانند و صدایی پر حُجم و گیرا دارد. تقریباً صدای گیرای خودش، تمام دعاها و زیارت‌های مفاتیح را خوانده است.



استاد حسین صبحدل

استاد قرآن، اذان، مناجات و دعا بوده. تلاش‌های فراوانی هم صورت داد تا مناجات‌خوانی در رادیو، شکل و شمایل به‌سامان تری بگیرد. وسواس و دقت فراوانی هم در این امر به خرج می‌داد. کارهای فرهنگی او در این حوزه، واقعا ستودنی است. مساجد قبا، هدایت و ارگ نیز، شاهد دعاخوانی‌ها و مناجات‌های او بوده‌اند.



حاج حسن ارضی

عمومی حاج منصور ارضی معروف است و البته بزرگ خاندان ارضی در مناجات‌خوانی و دعا و ذاکر بودن، نزد استادان و ذاکران شناخته شده‌ای تعلیم دیدم. حاج منصور و حاج یزد حسین و مهدی ارضی و گروهی دیگر از مداحان، دست پرورده اویند. دعاخوانی‌های پنج‌شنبه‌های او در حرم عبدالعظیم حسنی، معروف بوده؛ آن‌هم در حالی که همزمان ۱۷ مراسم کمیل‌خوانی دیگر در حرم تشکیل می‌شده.



پیش به سوی خانه‌های خدا

در شب‌های قدر خیابان‌های شهرهای بزرگی مثل تهران به خصوص خیابان‌هایی که به مساجد و حسینیه‌های اصلی ختم می‌شوند بسیار شلوغ هستند. جدا از بحث شلوغ بودن و ترافیک دیگر معضلی که با آن روبه‌رو می‌شوید پیدا کردن جای پارک است. به این ترتیب جدا از مدت زمانی که در ترافیک ماندید باید مدت زمان بیشتری را هم برای پیدا کردن جای پارک صرف کنید. پس بهتر است در وهله اول اگر امکان دارد با خودتان ماشین نبرید ولی اگر هم ناچار بودید با ماشین به محل مورد نظر بروید قبل از رسیدن به مکان مورد نظر آن را پارک کنید و کمی هم پیاده‌روی کنید. اگر موتورسیکلت دارید بهترین وسیله در این شب‌ها همین موتور است.

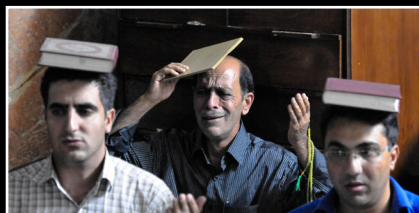
شب قدر بهترین فرصت برای بخشایش گناهان است

بهتر از هزار ماه



ماه رمضان بهترین فرصت برای بندگی کردن است، برای عبادت و خضوع و خشوع در برابر آفریدگار. بسیاری از بزرگان تمام شب‌های این ماه مبارک را احیای گرفتند و به راز و نیاز با خدا می‌پرداختند. شب‌های قدر فرصت بزرگی برای انسان‌هاست تا فصل جدیدی از زندگی را آغاز کنند و همان‌گونه که از اسمش هم مشخص است احیا شوند. خوب حالا چطور می‌توانیم از این شب بیشتر استفاده کنیم؟ در این دو صفحه سعی کرده‌ایم که یک راهنمای جمع و جور برای استفاده بیشتر از این سه شب آماده کنیم.





شب قدر یعنی چه؟

علامه طباطبایی درباره
تعریف شب قدر نوشته
است: «مراد از قدر، تقدیر
و اندازه‌گیری است و شب
قدر، شب اندازه‌گیری است
و خداوند متعال در این شب
حوادث یک سال را تقدیر
می‌کند و زندگی، مرگ،
رزق، سعادت و شقاوت
انسان‌ها و اموری از این
قبیل را در این شب مقدر
می‌گرداند.» این گفته‌های
علامه به سادگی، اهمیت
این شب‌ها را مشخص
می‌کند. علامه طباطبایی
همچنین درباره ماهیت
این شب‌ها گفته‌اند: «شب
قدر منحصر در شب نزول
قرآن و سالی که قرآن
در آن نازل شد نیست،
بلکه با تکرار سال‌ها، آن
شب نیز تکرار می‌شود.
یعنی در هر ماه رمضان
شب قدری است که در آن
شب امور سال آینده تقدیر
می‌شود.» روایتی از امام
معصوم (ع) بیان شده است
که فرموده‌اند: شب نوزدهم،
شب تقدیر است و شب
بیست و یکم، شب بستن و
تعیین و احکام است و شب
بیست و سوم شب حتمی
شدن و امضای آن است.



این شب‌ها کمتر خشمگین شوید

حواستان باشد که قرار است از برکات مختلف این شب معنوی بهره‌مند شوید و با کوله‌بار پر به منزل برگردید. مسلماً حضور در تجمع‌های شلوغ شب قدر با مشکلاتی همراه است، این مشکلات دلیل نمی‌شود که با دیگران بداخلاق باشید و تمام ثواب شب زنده‌داری‌تان را از دست بدهید. هنگامی که در تاریکی یا شلوغی جمعیت نشست‌اید، ممکن است کسانی که در حال رفت و آمد هستند پایتان را له کنند. در این مواقع بهتر است آرامش خود را حفظ کنید و به این نکته توجه داشته باشید که گذشت و فرو خوردن خشم از بالاترین صفات انسانی است و رضایت پروردگار را به همراه دارد. البته از آن طرف هم سعی کنید خودتان هنگام رفت و آمد کسی را زیر دست و پایتان له نکنید!



نماز، دعا و باز هم نماز و دعا

درباره شب قدر و فضیلت آن و اعمالی که باید در این شب‌ها انجام داد روایات و دستورات فراوانی وجود دارد. بهتر است با مطالعه و پرس‌وجو در این خصوص اطلاعات و آگاهی لازم را به دست آورید. حتماً یک نگاهی به مفاتیح ببندازید و اعمال این شب‌ها را بنویسید. غیر از اعمال مشترک شب‌های قدر و اعمال مخصوص هر شب، کارهای دیگری هم هستند که حساسی ثواب دارند. مثلاً این سه شب که بیدار هستید، بهترین فرصت است برای خواندن نماز شب که بسیار هم توصیه شده است. بنابراین خواندن نماز شب و خلوت کردن با پروردگار را در این شب‌های قدر فراموش نکنید. نماز شب، به ویژه در خلوت دل و سکوت مطلق شبانه، حال و هوای وصف نشدنی دارد.



مراسم‌ها در امنیت کامل است

ممکن است کمی نگران حضور در تجمع‌های بزرگ باشید، اصلاً چنین نگرانی نداشته باشید و خیالتان راحت باشد که همه تمهیدات امنیتی برای مراسم‌های مختلف در نظر گرفته شده است. خودتان هم در ایجاد امنیت بیشتر می‌توانید مشارکت داشته باشید. مثلاً یک کار مهمی که از دست شما برمی‌آید این است که در صورت دیدن فعالیت یا اشخاص مشکوک در محلی که هستید با شماره ۱۱۳ وزارت اطلاعات تماس بگیرید. اصلاً به خودتان تردید راه ندهید و هر موردی که به نظرتان مشکوک بود را اطلاع دهید. در ضمن مسلماً در این شب‌ها نیروهای امنیتی بیشتری در معابر و محل‌های برگزاری مراسم‌ها مستقر هستند، سعی کنید نهایت همکاری را با آنها داشته باشید.



این سه شب را در خانه نمائید

مهیاشدن برای شب‌های قدر، فقط از نظر ظاهری نیست، بلکه باید باطن خودتان را هم برای استفاده بهتر از این شب‌ها آماده کنید. توصیه شده قبل از رفتن به مراسم احیا غسل کنید و دو رکعت نماز بخوانید تا پاکیزه و با آرامش و آمادگی کامل به مناجات با پروردگار خود بنشینید. توصیه اصلی این است که حتماً در خانه نمائید و به جمع مردم در اماکن مذهبی پیوندید، اما اگر خیلی اهل جاهای شلوغ نیستید جای رفتن به مساجد و حسینیه‌های معروف و شلوغ به یکی از مساجد و حسینیه‌های خلوت نزدیک منزل خود بروید و در آرامش کامل و بدون کلافگی از شلوغی محیط پیرامون یا نگرانی از زمان طولانی که باید برای بازگشت به منزل صرف کنید اعمال شب‌های قدر را به جا آورید.

بابا اتاق پر شده از بوی مادرم
و قتش رسیده پر بکشی سوی مادرم
دیگر خجل نباش تو از روی مادرم
فرقت شده شبیه به پهلوی مادرم
از پشت در دوباره تو را می زند صدا
تا که به دست تو بدهد محسن تو را
سی سال در نبودن مادر شکسته ای
پهلوی به پهلوی پس آن در شکسته ای
در کوفه های درد مکرر شکسته ای
از مردم و نبودن باور شکسته ای
گر چه شکسته ای و دلت هم شکسته تر
این دل شکسته را هم از این کوفه ها ببر
یادت که هست مادر ما قد خمیده بود
یادت که هست گیسوی مادر سپیده بود
یادت که هست محسن خود را ندیده بود

شب بود و اشک بود و علی بود و چاه بود
فریاد بی صدا، غم دل بود و آه بود
دیگر پس از شهادت زهرا به چشم او
صبح سفید هم چو دل شب سیاه بود
دانی چرا جبین علی را شکافتند؟
زیرا به چشم کوفه عدالت گناه بود
خونش نصیب دامن محراب کوفه شد
آن رهبری که کعبه بر او زادگاه بود
یک عمر از رعیت خود هم ستم کشید
اشک شبیش به غربت روزش گواه بود
دستش برای مردم دنیا نمک نداشت
عدلش به چشم بی نگهان اشتباه بود
هم صحتی نداشت که در نیمه های شب
حرفش به چاه بود و نگاهش به ماه بود
مولا پس از شهادت زهرا غریب شد
زهرا نه یار او که بر او یک سپاه بود
وقتی که از محاسن او می چکید خون
عباس را به صورت بابا نگاه بود
«میثم!» هزار حیف که پوشیده شد ز خون
رویی که بهر گمشدگان شمع راه بود

فَرُّتْ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ شکست فرق نماز خدا به شمشیری

شاعران زیادی در طول تاریخ اشعاری سوزناک از ماجرای شهادت حضرت
علی علیه السلام سروده اند. این طبع شاعرانگی در مظلومیت امام اول

شیعیان در شاعران معاصر ما هم بسیار دیده می شود و کتابها و دیوان های شعر
بسیاری در این موضوع موجود است. در این دو صفحه با توجه به در پیش بودن ایام
شهادت امیرالمومنین علیه السلام، چند شعر از این شاعران انتخاب شده است.



دیشب فلک دیدی چه خاکی بر سرم کرد
یک بار دیگر رخت ماتم در برم کرد
دیشب که اشهد گفتنت ذکر لبث بود
امن یجیب ورد لبان زینت بود
دیشب ملائک هم گریبان می دریدند
فرت ورب الکعبه ات را می شنیدند
بر دوش من بگذار بار محنتت را
دیدم به چشم خود تمام غربتت را
هر شب سراغ چاه رفتی گریه کردی
یا بین کوچه راه رفتی گریه کردی
میدانم از هجران مادر پیر گشتی
اما مگر از زندگانی سیر گشتی؟
فکری به حال کاسه‌های شیر کردی؟
فکری به حال کوفه‌ی دلگیر کردی؟
بابا مرو مانوس غم‌ها می شوم من
بارفتنت تنهای تنها میشوم من
رحمی کن آخر بر یتیمان پریشان
جان حسن قدری تحمل کن پدرجان
بادختر خود کمتر از این سر به سر کن
از رفتنت بابا بیا صرف نظر کن
با این وصیت‌ها نده دیگر عذابم
جان حسین دیگر نکن خانه خرابم
ام المصائب هستم و ام البکایم
تو هم شبیه مادرم گفתי برایم
بر روی چشم هستم هوادار حسینت
هستم همیشه مونس و یار حسینت
بابا خیالت جمع هستم تکیه گاهش
هستم شریک درد و داغ و سوز و آتش
دیگر نکواز خاطرات همسر خود
از خلعت و بقچه نگو بادختر خود
بس کن پدرجان چون دگر طاقت ندارم
باشد-کفن در زیر پایت می گذارم
حرف از کفن گفתי و دلشوره گرفتم
از پیرهن گفתי و دلشوره گرفتم
گفתי حسین و کربلای داد بی داد
گفתי حسین و بورای داد بی داد
بابا حسین من کفن دارد ندارد
حتی کفن نه پیرهن دارد ندارد

دیگر برایم دلخوشی معنائدار
وقتی تو را بابای من دنیا ندارد
رفتی یتیم بی قرار شهر کوفه
حس کرد تازه طفلکی بابا ندارد
رفتی برای زینب تو خستگی ماند
دیگر پرستارت به پیکر نا ندارد
خونت نوشته گوشه محراب مسجد
این کوه طور عاشقی موسی ندارد
دنیا پدر جان تا خود روز قیامت
مانند تو گریه کن زهر ندارد
رفتی و از این شهر بردی مهربانی
کوفه برای ماندن ما جان ندارد
رفتی خیال دشمن تو گشت راحت
در سر به غیر از فکر عاشورا ندارد
فکری به حال روزگار دخترت کند
در روزهایی که حرم سقا ندارد



دور شمع پیکرت، گردیده ام خاکسترت
ای به قربان تو و این رنگ زرد پیکرت
از نفس‌های بلندت میل رفتن می چکد
حق پده امشب بمیرم در کنار بستر
تا نگیرد خون تازه گوشه‌ی تابوت را
مهلتی تا که ببندم دستمالی بر سرت
حیف شد، از آنهمه دلواپسی کودکان
کاسه‌های شیر مانده روی دست دخترت
کاش میمردم نمیدیدم به خاک افتاده است
هیبت طوفانی دلدل سوار خیبرت
خلوت شبهای سوت و کور نخلستان شکست
با صدای وا علی و وای حیدر حیدرت
شهر کوفه تا نگیرد انتقام پدر را
دست خود را بر نمی دارد پدر جان از سرت
باشمایی که امیر کوفه اید اینگونه کرد
الامان از کاروان دختر بی معجرت
می روی اما برای صد هزاران سال بعد
میل احسان می نماید غیرت انگشترت



یادت که هست غنچه خود را انچیده بود
آرزوها که قد تو آنجا خمیده شد
موی منم شبیه تو بابا سپیده شد
مادر رسیده عطر پیمبر بیاورد
تو تشنه ای برای تو کوثر بیاورد
مرهم برای این دل پر پر بیاورد
تا خار را از دیده‌ی تو در بیاورد
حرفی بزن که مونس تو مادر آمده
حالا که استخوان ز گلویت در آمده
بابا بگو به مادرم از غصه‌های من
از کوفه‌های بعد تو و ماجرای من
از بی حسین گشتن من از عزای من
از کوفه گردی من و از کربلای من
بابا بگو که زینب خود را دعا کند
بعد از حسین زود مرا هم صدا کند
مادر رسید و زخم سرت را نگاه کرد
گریه برای گودی یک قتلگاه کرد
پس رو به روسیاهی خیل سیاه کرد
نفرین به رقص خنجر مردی سیاه کرد
و شمر جالس... نفس مادرم گرفت
سر که به نیزه رفت دل معجزم گرفت



۱۷

مرداد

۱۳۵۹

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره روز قدس

یوم الله

در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸، پس از بمباران جنوب لبنان توسط نیروهای دفاعی اسرائیل، سید روح الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران از مسلمانان جهان خواست تا آخرین جمعه ماه رمضان را به عنوان «روز قدس» انتخاب کنند و در این روز همبستگی خود را در حمایت از «حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین» به نمایش بگذارند. در این روز، گروههایی از مسلمانان در نقاط مختلف جهان حمایت خودشان را از مردم فلسطین به نمایش می‌گذارند. گروههایی از یهودیان و طرفداران کشور اسرائیل نیز در کشورهای اروپایی و آمریکا، تظاهراتی را علیه این مراسم به راه می‌اندازند. اینجا بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره روز قدس گردآوری شده است.



ما مردم ایران روزهای یادبود متعددی داشته‌ایم، روز ۲۲ بهمن، روز ۱۵ خرداد، روز ۱۷ شهریور، روز ۱۲ فروردین و روزهای دیگر. اما در میان همه این روزهای یادبود، روز قدس از دو نظر دارای امتیاز و برجستگی است. اول از این نظر که اگر آن روزهای دیگر مربوط به ملت ایران است، روز قدس مربوط به ملت ایران و همه ملت‌های مسلمان است. در روز قدس همه ملت‌های مسلمان، بلکه همه ملت‌های مستضعف عالم، احساس همبستگی و همدردی با ملت ایران می‌کنند، ملت ایران مانند پیشاهنگی در ماجرای روز قدس و مسأله فلسطین، برای فداکاری آماده می‌شود و ملت‌های دیگر هم باید دوش به دوش این ملت انقلابی و با بر خور داری از تجربه‌های ما، گام به گام و بازو به بازو با ما به سوی آزاد کردن سرزمین‌های اشغالی فلسطین پیش بیایند.

امتیاز دوم روز قدس این است که آن روزهای دیگر روز خاطره‌ی فداکاریها و پیروزیهای گذشته است، اما روز قدس، روز تصمیم و همت گماشتن بر فداکاریها و پیروزیهای آینده است. اگر در آن روزهای دیگر، در آن خاطره‌های دیگر، ملت ما یاد از گذشته می‌کند، در روز قدس ملت ما به یاد آینده، انگیزه و همت و تصمیم در خود ذخیره می‌کند، به حرکت می‌افتد و راه را به سوی آینده باز می‌کند. مسأله‌ی قدس که امروز ما درباره‌ی آن باید به یک آگاهی روشن و به یک تصمیم قاطع برسیم، برادران و خواهران! مسأله‌ی بسیار با عظمت و بااهمیتی است. مسأله‌ی قدس و روز قدس و ماجرای فلسطین، عبارت از آن نقطه‌ای است که باید مستضعفان عالم با الهام از روح ایمان و توکل به خدای بزرگ، پشت مستکبران بزرگ جهان و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا و مزدوران صهیونیسمش را بشکنند و خرد کنند. ماجرای قدس برای ملت ما و برای همه‌ی امت بزرگ مسلمان یک ماجرای تعیین کننده است. انقلاب ایران اگر در داخل این مرزها به پیروزی رسید، این به معنای آن نیست که ما قانع بشویم و فکر کنیم پیروزی نهائی را به دست آورده‌ایم. تا وقتی که این زخم متعفن، این غده‌ی چرکین در دل سرزمین‌های اسلامی و عربی به نام دولت غاصب اسرائیل وجود دارد، ما نمی‌توانیم احساس کنیم که پیروز شده‌ایم، نمی‌توانیم حضور دشمن خود را در کنار گوش خود، در سرزمین‌های غصب شده و اشغالی خود ملاحظه کنیم.





همه‌ی کشورهای اسلامی از تفرقه ضرر میکنند و همه‌ی آنها از اتحاد سود میبرند. اتحاد کشورهای اسلامی، نزدیک شدن اینها، به کار نبردن نیروهایشان علیه یکدیگر، به نفع خود کشورهای متحد است، به نفع خود کشورهای اسلامی است. این را ما باید بفهمیم، این یک حکمت الهی است، یک حکمت اسلامی است؛ متأسفانه به این توجه نمیشود. امروز ما در داخل دنیای اسلام دچار مشکلیم، دچار خون‌ریزی هستیم؛ جراحتهای خون‌بار امروز وجود دارد. یمن یک نمونه‌ی از آنها است. اینها را بایستی توجه کرد. مسائل سوریه، مسائل عراق، مسائل شمال آفریقا، مسائل گوناگونی که انسان مشاهده میکند در دنیای اسلام، همه نشانه‌های وجود اختلاف و وجود دعوا است، و این به ضرر اسلام است، به ضرر امت اسلامی است. این [مشکل] را باید حل کنیم. یکی از برجستگی‌های راه‌پیمایی روز قدس همین است. شما ملاحظه کنید؛ تقریباً در همه‌ی شهرهای کوچک و بزرگ ایران، مردم در روز قدس، با دهان روزه - و این سالها در این هوای گرم - راه می‌افتند در خیابانها که مشاهده کردید در تهران و در شهرهای دیگر اجتماع عظیم مردم را؛ اینها همین مردم شیعه هستند که برای فلسطینیانی که اهل ستند، دارند این جور اظهار همدردی و همراهی میکنند. معنای اتحاد این است، معنای پابندی به وحدت امت اسلامی این است، که امام بزرگوار این را پایه‌گذاری کرد و امروز مردم دارند حرکت میکنند



روز قدس، یک روز به معنای حقیقی کلمه، بین‌المللی اسلامی است.



من به شما برادران و خواهران عزیز توجه میدهم که نگاه کنید در این راهپیمایی‌های روز قدس یا بیست و دوم بهمن، عمده جوانها هستند؛ این جوانها همان جوانهایی هستند که شبانه‌روز به وسیله‌ی رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی، در زیر بمباران تخریب قرار دارند؛ غوغایی است در دنیا؛ در دنیای مجازی.



در آستانه‌ی روز قدسیم؛ روز قدس بسیار مهم است. صرفاً این نیست که ما از یک ملت مظلومی که از میهن خود و از خانه‌ی خود رانده شده داریم دفاع میکنیم؛ ما در واقع داریم با این کارمان با یک نظام سیاسی ظالمانه و استکباری مبارزه میکنیم. امروز دفاع از فلسطین، دفاع از حقیقت است؛ حقیقتی بسیار گسترده‌تر از مسئله‌ی فلسطین. امروز مبارزه‌ی با رژیم صهیونیستی مبارزه با استکبار است، مبارزه با نظام سلطه است. همچنان که می‌بینید شما که علیه رژیم صهیونیستی حرف می‌زنید، آن مسئول و سیاستمدار آمریکایی، احساس دشمنی و خصومت با شما میکند؛ احساس میکند که به او ضربه زده‌اید؛ واقع قضیه هم همین است. بنابراین روز قدس را باید بزرگ دانست، راهپیمایی روز قدس هم خیلی مهم است.



راهپیمایی‌های شما در بیست و دوم بهمن یا در روز قدس و شرکت شما در انتخابات‌های گوناگون سالهای گذشته، این کشور را بیمه کرده است.



روز قدس، روز آزمایش بزرگ ملت‌های مسلمان است.



روز قدس یکی از آن جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام است.



روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ بلکه روز امت اسلامی است.



روز قدس نشان دهنده‌ی صف بندی حق و باطل، صف بندی عدل در مقابل ظلم است.



پذیرش صلح بعد از جنگ شش روزه ننگ شکست



جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ نبردی بود که از ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ میان رژیم اشغالگر قدس و کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن رخ داد که ۶ روز طول کشید. نتیجه آن هم خارج کردن کنترل نوار غزه و صحرای سینا از مصر، قدس شرقی و کرانه باختری رود اردن از اردن و بلندی‌های جولان از سوریه به دست رژیم صهیونیستی بود. قرارداد آتش بسی به پیشنهاد عرب‌ها در روز بعد از آن یعنی ۱۱ ژوئن به امضای رسید. به این ترتیب رژیم اشغالگر قدس نوار غزه، صحرای سینا، کرانه باختری رود اردن (شامل بیت المقدس شرقی) را تصرف کرد و سرزمینهای اشغالی رژیم اشغالگر قدس ۳ برابر شد و در حدود یک میلیون عرب که در مناطق اشغال شده زندگی می‌کردند، به زیر کنترل مستقیم رژیم اشغالگر قدس درآمدند.

امضای توافقنامه ننگین کمپ دیوید سازش در استراحت گاه



پیمان کمپ دیوید پیمانی است که به وسیله انور سادات، رئیس جمهور وقت مصر و مناحیم بگین، نخست وزیر وقت رژیم اشغالگر قدس در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ به امضای رسید. پیمان کمپ دیوید پس از دوازده روز مذاکرات مخفی و با دخالت ایالات متحده در کمپ دیوید که یکی از استراحتگاه‌های رئیس‌جمهور آمریکا در ایالات متحده است، نهایی شد. این توافقنامه ننگین به نفع آمریکا و رژیم صهیونیستی نتایجی را در پی داشت، از جمله تبدیل مصر به پایگاه آمریکا، برهم خوردن توازن قوا در منطقه خاور میانه به نفع رژیم صهیونیستی، لغو محاصره اقتصادی که اعراب از بدو تشکیل رژیم صهیونیستی علیه این رژیم اعمال می‌کردند، رساندن آب‌های رود نیل به صحرای نقب در فلسطین اشغالی برای رژیم صهیونیستی و باز شدن کانال سوئز به روی کشتیرانی دریایی رژیم اشغالگر قدس.

صلح فهد طرح شاهزاده



تأسف مهم بعد از فاجعه فلاکت بار کمپ دیوید و اعلام طرح صلح فهد است. در مرداد سال ۱۳۶۰ (اوت ۱۹۸۱) فهد بن عبدالعزیز، ولیعهد سابق سعودی و پادشاه فعلی این کشور، با الهام از تعلیمات آمریکا طرحی مشتمل بر هشت ماده، جهت حل بحران خاور میانه و مساله فلسطین ارائه داد. این طرح گرچه به ظاهر طرحی برای ثبات وضعیت

در طول تاریخ اشغال قدس، سازش‌های ننگینی صورت گرفته است؛ ده سازش معروف این تاریخ را مرور می‌کنیم

سازشی به رنگ ننگ

تاریخ فلسطین و مبارزات آن علیه تعدی رژیم غاصب صهیونیستی پر است از ایده، معاهده، طرح، کنفرانس و سازش‌های ننگینی که همگی تنها تأییدی بودند بر



دروغ بزرگی به نام رژیم اشغالگر قدس؛ چرا که از اول، مسئله خود رژیم اشغالگر قدس بود، دولتی که از ابتدا، جعلی بود ولی به وسیله پشتیبانی دیگر کشورهای استعمارگر و دول بی‌عرضه عربی روز به روز بزرگ می‌شد. پشت پرگزارای تمام این کنفرانس‌ها و به اصطلاح صلح‌ها تنها صورت مسئله بود که پنهان می‌ماند و باقی حرف‌ها برای مردم فلسطین که خود در تبیین سرنوشتشان شرکت نداشتند، مثل طنزی تلخ بود، طنزهای تلخی که تنها نتایجشان نقش بستن لبخندی تلخ بر لبان مردم مظلوم فلسطین بود و بعد، حسرت‌ها و دردهای همیشگی.



به صورت سری میان رهبران دو طرف برقرار بود، وارد مرحله علنی شد. مسئولان اردنی پس از امضای معاهده وادی عربیه تلاش گسترده‌ای جهت قانع کردن مردم اردن که بیشترشان فلسطینی تبار هستند، در خصوص مفاد این توافقنامه آغاز کردند. اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسیده است.

کنفرانس صلح خاور میانه

کنفرانس ننگین



در سال ۲۰۰۰ پس از جنگ ۳۳ روزه و شکست بی‌سابقه رژیم اشغالگر قدس که به تضعیف جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی این رژیم انجامید، رئیس جمهور آمریکا (بوش) در این بین طرحی به نام طرح صلح خاور میانه را مطرح می‌کند و از تمامی گروه‌های سازش عربی و فلسطینی می‌خواهد که در کنفرانس صلح خاور میانه شرکت کرده و به همین ترتیب تمامی طرف‌ها با محوریت آمریکا در کنفرانس صلح پاییزی شرکت می‌کنند. از نتایج پنهان این کنفرانس می‌توان به این موارد اشاره کرد. اول اینکه برگزاری این کنفرانس باعث نزدیک‌تر شدن گروه‌های سازش و سعی در به حاشیه کشاندن گروه‌های مقاومتی بود و این هزینه‌ای سنگین برای ایجاد اتحادی دوباره در رویارویی با رژیم اشغالگر قدس داشت. دوم اینکه فرصت بدست آمده از شکست رژیم اشغالگر قدس در جنگ ۳۳ روزه که باعث تقویت گروه‌های مقاومت شده بود، نیز از دست می‌رفت.

کنفرانس آنابولیس (۲۰۰۷)

نشست‌هایی برای مشروعیت

کنفرانس آنابولیس نام کنفرانس صلحی است که در ۲۷ نوامبر سال ۲۰۰۷ در آکادمی نیروی دریایی آمریکا در شهر آنابولیس، ایالت مریلند آمریکا و با حضور رهبران مناطق خودگردان فلسطینی و رژیم اشغالگر قدس و نمایندگان کشورهای عربی و با میزبانی ایالات متحده آمریکا برگزار شد. این نشست در ادامه مذاکرات به اصطلاح صلح خاور میانه برگزار می‌شد. این کنفرانس از آن جهت که کشورهایی همچون اعضای گروه چهار جانبه صلح خاور میانه معروف به «کورتیت» که شامل ایالات متحده آمریکا، روسیه، سازمان ملل و اتحادیه اروپا است، کشورهای اردن، مصر، عربستان سعودی، سوریه، لبنان و قطر در آن شرکت می‌کردند بسیار مهم بود. تنها گروه حماس و جمهوری اسلامی ایران با این کنفرانس به مخالفت برخاستند. چرا که آن‌ها معتقد بودند که تازمانی که خود فلسطینی‌ها زنده هستند، اجازه نمی‌دهند امثال بوش، رایس و المرت برایشان تصمیم بگیرند.

شد، اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر همان سال فروپاشید. طرح این کنفرانس را پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، بوش پدر، رئیس جمهور آمریکا و جیمز بیکر، وزیر امور خارجه این کشور ریختند.

امضای توافقات اوسلو

صلح، ترور و یک ایده ناتمام



در ۴ می ۱۹۹۴ اولین معاهده به اصطلاح صلح میان رژیم اشغالگر قدس و فلسطین در مصر به امضا رسید. پیمان غزه - اریحا در شهر قاهره پایتخت مصر با هدف ایجاد حکومت خودگردان فلسطین و جلوگیری از مبارزه مسلحانه در برابر رژیم اشغالگر قدس، میان طرفین منازعه (رایین و عرفات)، امضا شد که شامل ۲۳ ماده بود. توافقات اوسلو و غزه - اریحا اختلافات عمیقی را میان سازمان‌ها و گروه‌های فلسطینی ایجاد کرد. طبق قراردادهای اوسلو ۱ و ۲ قرار بر این بود که در سال ۱۹۹۸ رژیم اشغالگر قدس از سرزمین‌های اشغالی بیرون رود و اداره فلسطین را به «فتح» که رهبری آن را عرفات به عهده داشت، بسپارد؛ اما اسحاق رابین، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس و رئیس حزب کارگر، شخصیت محوری طرح صلح خاور میانه، توسط افراطیون یهودی ترور شد و روند صلح خاور میانه ناتمام ماند.

امضای معاهده وادی عربیه

معاهده‌ای برای علنی شدن



معاهده صلح اردن و رژیم صهیونیستی در منطقه وادی عربیه در مرز اردن و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۴ میان دو طرف امضا شد. این معاهده را نخست وزیران وقت اردن و رژیم صهیونیستی امضا کردند. در مراسم امضای این معاهده، بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا، ملک حسین پادشاه اردن و عز وایزمان رئیس وقت رژیم صهیونیستی حضور داشتند. با امضای این معاهده روابط بین امان و تل آویو که ده‌ها سال پیش

خاور میانه و فلسطین بود، اما در واقع ایده و صلحی ننگین بود که به صراحت رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناخت. مفاد این طرح عبارت بود از عقب نشینی رژیم اشغالگر قدس از سرزمین‌های اشغالی، از بین بردن آبادی‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی و تضمین آزادی مراسم مذهبی در مکان‌های مقدس فلسطین برای پیروان تمام ادیان. در همان سال‌ها بود که نیروهای پیشرو خاور میانه برای مقاومت در مقابل سیاست‌های سازشکارانه دول مرتجع عربی «جبهه پایداری اعراب» را پدید آوردند.

کنفرانس شرم الشیخ (۱۹۹۶)

بازسازی در اشغال



در این کنفرانس که با هدف بحث در خصوص جمع آوری کمک‌های لازم جهت بازسازی منازل، ساختمان‌ها و تأسیساتی که در حمله اخیر صهیونیست‌ها تخریب شده است، در سال ۱۹۹۶ برگزار شد، هشتاد کشور عربی و خارجی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا به ریاست هیلاری کلینتون شرکت کردند. البته رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران از حضور در این کنفرانس امتناع ورزیدند. برگزاری چنین کنفرانسی آن هم با چنین شرکت کنندگانی برای مردم فلسطین شبیه به یک کمدی است که بازیگران آن در اندیشه ارائه یک تصویر زیبا از خود هستند. گرچه همه از ماهیت پست و پلیدشان با خبر هستند، اما آن‌ها معتقدند که در کار خود موفق بوده‌اند؛ اما شهروندان فلسطینی خوب می‌دانند برگزاری کنفرانسی‌هایی همچون اجلاس شرم الشیخ جهت بازسازی نوار غزه تنها حکم یک صحنه نمایش جهت بازی کشورهایی را دارد.

کنفرانس صلح مادرید

رؤیای ابرقدرت‌ها



کنفرانس مادرید به میزبانی اسپانیا و با حمایت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی برگزار شد. این کنفرانس برای بررسی و در صورت امکان خاموش کردن آتش انتفاضه اول فلسطین منعقد شد. کنفرانس مادرید از ۱۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ آغاز شد و سه روز ادامه داشت. این کنفرانس در زمره اولین تلاش‌های بین المللی برای به جریان انداختن روند به اصطلاح صلح خاور میانه بود. در این کنفرانس رژیم اشغالگر قدس، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و همچنین کشورهای عربی از جمله سوریه، لبنان و اردن حضور داشتند. این کنفرانس آخرین کنفرانسی بود که با حمایت همزمان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی برگزار





ماه رمضان در کشور آذربایجان به «ماه عروج» معروف است و به این نام توسط مسلمانان این کشور خوانده می شود. آن ها یک هفته قبل از حلول ماه مبارک به تدارک جشن می پردازند و خودشان را برای ورود به این ماه عزیز آماده می کنند. برگزاری مسابقه های اسب سواری در ماه رمضان جزو سنت های ویژه مردم آذربایجان است که همراه آن جشن های ملی هم برپا می شود.



آداب ویژه ماه رمضان فقط برای ایرانی ها نیست. مسلمانان کشورهای دیگر هم کلی رسوم برای خودشان دارند

نوستالوژی های جهانی رمضان

آمدن ماه رمضان برای ما با کلی نوستالوژی همراه است؛ صدای ربنا، شجریان، سفره های رنگین افطار، دید و بازدیدها، قرآن به سر گرفتن شب های قدر، تلاوت های روزانه قرآن و... ماهر سال با آداب و رسوم مخصوص خودمان به استقبال این ماه می رویم و سعی می کنیم که به بهترین شکل از این ماه پر فضیلت استفاده کنیم. اما ماه رمضان، مسلمانان کشورهای دیگر را هم به تب و تاب می اندازد. آیین های سنتی و مذهبی این ماه آنچنان با آداب و رسوم بومی مردم کشورهای مسلمان خو گرفته است که حالا برنامه های این ماه به نشانه های مردم شناسی یک ملت تبدیل شده اند. سراغ ده کشور از نقاط مختلف جهان رفته ایم تا ببینیم که ماه رمضان در این کشورها چه خبر است.



نگاهی به ماه رمضان

مردم کشور الجزایر بر اساس یک سنت دینی، تاکید ویژه‌ای دارند که حتما قبل از اذان مغرب به خانه بروند و همه اعضای خانواده بای سفره افطار حضور داشته باشند. به همین دلیل مغازه‌های این کشور، دو ساعت مانده به اذان تعطیل می‌شوند و در نزدیکی زمان افطار، خودروها با سرعتی جنون آمیز در خیابان‌ها حرکت می‌کنند تا سر نشینان آن‌ها موقع اذان کنار خانواده‌شان باشند.



ماه رمضان در مصر

آداب اجتماعی: برایایی جشن‌های مختلف جزو آداب و رسوم ثابت ماه رمضان در کشور اهرام ثلاثه است. شهر قاهره در روزها و شب‌های ماه رمضان ۲ شکل متفاوت را تجربه می‌کند. این شهر تا دو بعد از ظهر کاملاً سوت و کور است و سپس از ساعت ۲ تا زمان افطار آنقدر شلوغ می‌شود که جای سوزن انداختن باقی نمی‌ماند. یکی از سنت‌های جالب مصری‌ها در ماه رمضان، جشن فانوس است. شب هنگام، بچه‌های خردسال فانوس به دست حرکت می‌کنند تا راه را برای مادرانشان روشن کنند.

آداب مذهبی: مصر مهد قاریان بزرگ اسلامی است و به همین دلیل زیاد بعید نیست که در ماه قرآن، در این کشور مردم بیشتر به تلاوت قرآن بپردازند. یکی دیگر از برنامه‌های مذهبی مصریان در ماه رمضان، اعتکاف در مساجد است که در دهه آخر این ماه انجام می‌شود.

آداب غذایی: در ماه رمضان چادرهای افطار که به نام «مائدةالرحمان» معروف است در جای جای شهرهای مختلف مصر برپا می‌شود. این سنت از صدها سال پیش در مصر رایج بوده است. مصریان در هر طبقه اقتصادی که باشند گوشت قرمز و گوشت پرندگان بخصوص مرغ در سفره‌های افطار آن‌ها وجود دارد. اساس سفره‌های افطار مصریان غذایی به نام «خشاف» و «قمرالدین» همراه یک کاسه ترشی است.



ماه رمضان در مراکش

آداب اجتماعی: با حلول ماه مبارک رمضان زنان مراکشی ترجیح می‌دهند که «جلابه» یا لباس سنتی و تاریخی خود را در بر تن کنند. اگرچه حالا تنوع لباس بسیار زیاد است، اما آن‌ها ترجیح می‌دهند در ماه مبارک رمضان با در مناسبت‌های دینی و اعیاد سنتی از لباس‌های ویژه و سنتی مراکش استفاده کنند. ویژگی خاص این لباس این است که تمام بدن حتی سر را نیز می‌پوشاند.

آداب مذهبی: خواندن نماز تراویح و نمازهای لیل القدر جزو برنامه‌های مذهبی فراگیر مراکشی‌هاست. آن‌ها در آخرین روزهای هفته به حومه پناه می‌برند تا هم هوایی تازه کنند و هم در خلوت خود و به دور از هیاهوی شهرها با خدایشان عبادت کنند. مردم مراکش با شنیدن نوای دلکش الله اکبر، دست از کار می‌کشند در ایام ماه مبارک رمضان پدران و پسران پس از صرف افطار به مسجد می‌روند و نماز برپا می‌دارند و تا ساعاتی از شب به عبادت و مناجات مشغولند.

آداب غذایی: نوشیدنی علامه مردم مراکش چای تلخ ولی خوشبو است. آن‌ها با همین چای و خرما از مهمانان خود در ماه رمضان استقبال می‌کنند. زنان مراکشی در این روزها برای اعضای خانواده خود افطار را با انواع غذاها و شیرینی جات درست می‌کنند.



ماه رمضان در امارات

آداب اجتماعی: مردم کشور امارات بر طبق عادت با شلیک توپ به استقبال این ماه رمضان می‌روند. دید و بازدید در میان مردم امارات در این ماه افزایش می‌یابد به طوری که تا اذان صبح این شب نشینی‌ها ادامه می‌یابد. همچنین برخی افراد با نزدیک شدن به اذان صبح در خیابان‌ها و کوچه‌های این کشور با زدن طبل و با صدای بلند مردم را برای خوردن سحری و برپایی نماز بیدار می‌کنند. در ضمن شبکه‌های این کشور به پخش انبوهی از سریال‌های تلویزیونی پس از افطار می‌پردازند. موضوع اصلی این سریال‌ها کمدی است.

آداب مذهبی: مردان و زنان اماراتی پس از افطار به مساجد این کشور می‌روند و نماز عشاء و سپس تراویح را به جای می‌آورند. مردم این کشور رسم دارند که به طور جدی کودکانشان را نیز به روزه گرفتن و خواندن نمازهای یومیه تشویق کنند.

آداب غذایی: «هریس» نام شیرینی مخصوص اماراتی‌ها برای ماه رمضان است که زنان اماراتی هر روز برای تهیه آرد این شیرینی دور هم جمع می‌شوند. در ضمن مردمان این کشور توجه ویژه‌ای هم به توزیع وعده‌های افطاری به همسایگان دارند. همچنین سفره‌های رنگارنگ افطار در مساجد ابوظبی، شارجه و دبی گسترده می‌شود.



ماه رمضان در عربستان

آداب اجتماعی: عربستان در ماه رمضان از شرایط ویژه‌ای برخوردار است. با دیده شدن هلال ماه رمضان، عده‌ای بر طبل‌ها و دبدبه‌ها می‌کوبند و با این شیوه سنتی همه را خبردار می‌کنند. یکی از سنت‌های جالب عربستانی‌ها در ماه رمضان این است که بر فراز مناره‌های مساجد این کشور، تخته چوبی کوچک و افقی نصب و دو قندیل بزرگ از آن آویزان می‌کنند. این قندیل‌ها تا نزدیک فجر و اذان صبح روشن‌اند و در این هنگام پس از خاموش کردن قندیل‌ها آذان می‌گویند. کسانی که منزلشان دور تر است و صدای موذن را نمی‌شنوند بالای پشت بام می‌روند و به قندیل‌ها می‌نگرند. روزنامه‌های عربستان هم موظفند صفحه ویژه‌ای را برای پاسخ به سوالات شهروندان در مورد ماه رمضان تدارک ببینند.

آداب مذهبی: خواندن نماز تراویح جزو آداب مذهبی فراگیر عربستان‌ها در ماه رمضان است که به شکل جماعت در تمام مساجد این کشور خوانده می‌شود. البته با شکوه‌ترین نماز تراویح را در مکه و مدینه و مخصوصاً در ده روز آخر رمضان می‌خوانند که تعداد نمازگزاران به بیش از ۲ میلیون نفر می‌رسد.

آداب غذایی: قهوه عربی، سوپ، سمبوسه از جمله مواد خوراکی است که طرفداران زیادی برای افطار در عربستان دارد. مردم این کشور، غذاهای سنگین را نیز در آخر شب می‌خورند.





حدود ۸۰ درصد مسلمانان جمهوری آذربایجان شیعه هستند و بعد از کشور خودمان این کشور دومین کشور شیعیان جهان است، به همین دلیل بسیاری از مراسم‌های مذهبی این کشور شبیه کشور خودمان است. آذربایجانی‌ها روی دوری از گناه و همچنین رفع کدورت‌ها و اختلاف‌ها در ماه رمضان تاکید ویژه‌ای دارند. احسان به فقرا و نیازمندان جزو برنامه‌های آذربایجانی‌ها در این ماه است.



ماه رمضان در هند

آداب اجتماعی: رسم هر ساله مسلمانان هند در ماه رمضان این است که آن‌ها قبل از شروع این ماه مبارک، اقدام به رنگ آمیزی مساجد می‌کنند. آن‌ها انواع خوشبو کننده‌ها را برای معطر کردن اماکن اسلامی به کار می‌برند و همچنین با پارچه‌های رنگارنگ مساجد را تزئین می‌کنند.

آداب مذهبی: افان مغرب کمی دیرتر و افان صبح کمی زودتر در این کشور از طریق رسانه‌ها پخش می‌شود تا اختلافی میان گروه‌های مختلف مسلمانان هندی به وجود نیاید. مسلمانان در هند به طور معمول ده روز آخر ماه رمضان را به اعتکاف می‌گذرانند و توجه خاصی به شب‌های قدر دارند، به همین دلیل در شب قدر بهترین لباس‌ها را می‌پوشند. آن‌ها در شب بیست و هفتم ماه رمضان به زیارت قبور می‌روند و بر سر مزار آنان قرآن تلاوت می‌کنند. در کشور هند، جمعه آخر ماه مبارک رمضان «جمعه وداع» نامیده می‌شود و به همین مناسبت مسلمانان به بزرگ‌ترین مسجد خود در شهر «حیدرآباد» با نام «مکه» می‌روند.

آداب غذایی: روزه داران در این ماه، روزه خود را با نمک، آب و خرما با می‌کنند. ماه رمضان در خیابان‌های شهرهای هند پر است از مغازه‌های حلیم فروشی، از آشپزخانه‌ها تندرگفته تا تریکیات خاص هندی که این‌ها همه را حلیم می‌نامند، البته این حلیم هیچ شباهتی به حلیم ایران ندارد.



ماه رمضان در ترکیه

آداب اجتماعی: مردمان شهر استانبول برای ماه رمضان آداب و رسوم ویژه‌ای دارند که از میراث‌های اسلامی دوران عثمانیان است. آن‌ها قبل از شروع ماه رمضان به تزئین خیابان‌ها و مساجد می‌پردازند. بد نیست این را هم بدانید که غیر مسلمان‌های ترکیه در ماه رمضان هیچ محدودیت از نظر خوردن و آشامیدن ندارند. ترک‌ها یک عادت بسیار زیبا هم دارند که خود را با عطری به نام کلونیا معطر می‌کنند و بعد به مساجد می‌روند یا بر سر سفره‌های افطار و سحر حاضر می‌شوند. با شروع ماه مبارک رمضان در استانبول نمایشگاه بزرگی از کتاب‌های اسلامی نیز برگزار می‌شود.

آداب مذهبی: اهل سنت در این کشور تمایل دارند که نماز تراویح را به شکل جماعت بخوانند. یکی دیگر از برنامه‌های مذهبی مردم ترکیه در ماه مبارک رمضان به نمایش گذاشتن «خرقه شریف» است که در استانبول قرار دارد. ترک‌ها این خرقة را منسوب به نبی مکرم اسلام (ص) می‌دانند.

آداب غذایی: روزه داران ترکیه معمولاً با خوردن کباب ترکی و چای روزه خود را می‌گشایند. سفره‌های افطاری مسلمانان این کشور شامل زیتون، پنیر، خرما، باقلوا و انواع سوپ و آش است که به نام «چوربا» خوانده می‌شود. چورباها از تنوع بسیار زیادی برخوردار است و در سفره‌های افطار اکثر مردمان این کشور اروپایی دیده می‌شود.



ماه رمضان در کویت

آداب اجتماعی: روز آخر ماه شعبان در کشور کویت به نام «یوم القریش» معروف است. مسلمانان این کشور در این روز جشن می‌گیرند. این جشن سابقه چند صد ساله دارد و در آن همه خانواده در خانه بزرگ فامیل جمع می‌شوند. در این روز پس از اینکه زنان، خانه‌هایشان را نظافت کردند، دست و پای خود را حنا می‌بندند و با بخورهای مختلف خانه‌های خود را معطر می‌کنند. از شخصیت‌های برجسته در ماه رمضان کشور کویت، سحر خوان است که به او «یدر طبل» می‌گویند. این فرد همه اهل محل را با طبل از خواب بیدار می‌کند و اهالی هم از او با دادن مقداری پول یا سحری تشکر می‌کنند.

آداب مذهبی: بسیاری از آداب و رسوم مذهبی که در ماه مبارک رمضان در کویت وجود دارد با کشورهای دیگر اسلامی و عربی شباهت دارد، مثل خواندن نماز تراویح، تجمع اول ماه در مساجد، گستراندن سفره‌های افطاری، شب زنده داری و غیره.

آداب غذایی: زنان کویتی در یوم القریش و به مناسبت فرا رسیدن ماه رمضان، غذاهای مختلفی می‌پزند و جشن می‌گیرند. همچنین خانواده‌ها وقتی کودک در جشن کرکیعان به در خانه‌شان می‌آیند به آن‌ها خوراکی‌هایی مانند انجیر خشک، فندق، بادام، شیرینی، نقل و گردو می‌دهند.

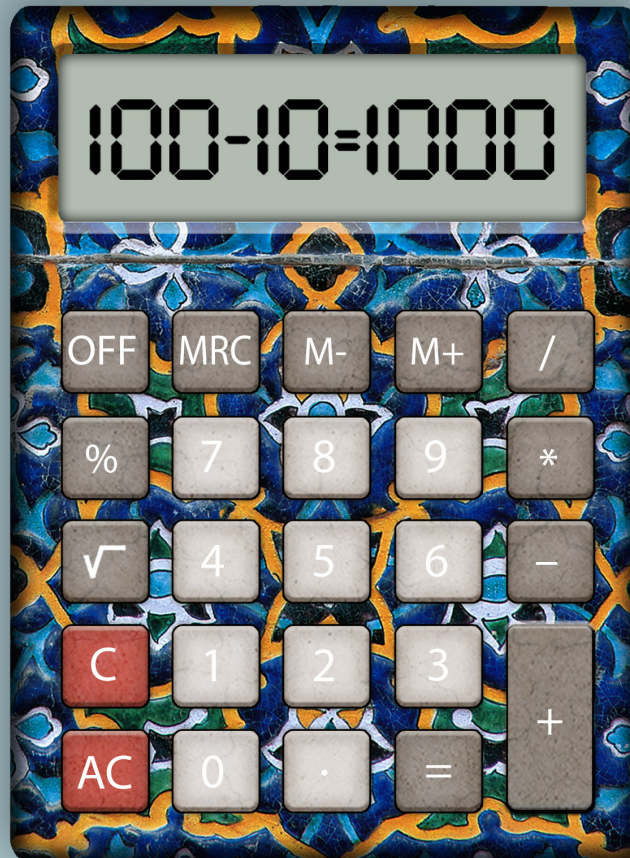


ماه رمضان در مالزی

آداب اجتماعی: مهم‌ترین اتفاق اجتماعی در ماه‌های رمضان کشور مالزی، برپایی بازارهای بزرگی به نام «مضان بازار» است که معمولاً اختصاص به فروش مواد غذایی ویژه این ماه دارد. اکثر خانواده‌ها، افطاریشان را از این بازارها تهیه می‌کنند. مردم مالزی از چندین روز پیش از آغاز ماه رمضان، خیابان‌هایشان را چراغانی می‌کنند و با برگزاری مراسم آتش بازی به شادی و سرور می‌پردازند. یکی از مراسم‌های جالب مالزی‌ها مربوط به عید فطر می‌شود. مردم در این روز به خانه‌های دولت و نخست‌وزیر می‌روند. منعی هم برای هیچکس وجود ندارد. مالایی‌ها برای عید فطر سه روز متوالی جشن می‌گیرند.

آداب مذهبی: دولت مالزی برای نماز مغرب و عشاء برنامه مشخصی دارد که همه مساجد ملزم به رعایت این برنامه هستند. مردم در مساجد ابتدا افطار مختصری می‌خورند و بعد نماز مغرب می‌خوانند. آن‌ها بعد از نماز سر سفره شام می‌نشینند و بعد از آن نماز عشاء و سپس نماز تراویح (نمازی بیست رکعتی که در آن یک جزء قرآن می‌خوانند و ویژه اهل سنت برای شب‌های ماه رمضان است) می‌خوانند.

آداب غذایی: مردم در مساجد مالزی با خرما و شربت روزه خود را افطار می‌کنند. گوشت، چلو مرغ و فرنی هم از معروف‌ترین غذاهایی است که در زمان افطار می‌خورند.



صدقه مال را کم نمی کند

امیرالمؤمنین^(علیه السلام) از قول پیامبر^(صلی الله علیه و آله) میفرمایند: «ما نَقَصَ مَالٌ مِنْ صَدَقَةٍ» صدقه مال را کم نمی کند. آن کسانی که می ترسند که اگر صدقه بدهند، اموالشان کم بشود، بدانند! صدقه اموال انسان را کاهش نمی دهد. این یکی از آن حقایق عجیب عالم است. البته این جور هم نباشد که انسان هرچه دارد به فقرا بدهد، صدقه یعنی بخشی از مال را بدهد.

۸۳/۲/۹
رهبر انقلاب



آیا صدقه دادن شرایطی دارد؟

هر کار دینی باید با شرایطی که در شریعت دین ما بیان شده صورت گیرد. صدقه دادن هم از این قاعده استثنای نیست و شرایطی دارد که عبارتند از: اول اینکه صدقه دادن باید به قصد قربت باشد، دوم اینکه با بیان یا عملی مشخص شود که مالی از شما در تملک یک طرف دیگر به طور مجانی قرار بگیرد و سوم هم اینکه مالی که صدقه می دهیم به طرف مقابل تحویل داده شود.

نکته بعد از تحویل صدقه به فقیر یا وکیل فقیر، برگشتن و انصراف از آن شرعاً ممکن نیست.

آیا صدقه واجب راهم می توان به داخل صندوق صدقات ریخت؟

صدقات مستحبی بهتر است به فقیر عفیف و متدین داده شود و همچنین گذاشتن آن در اختیار کمیته امداد هر چند با ریختن در صندوق صدقات هم باشد اشکال ندارد، ولی صدقات واجب باید توسط خود شخص و یا به وسیله وکیل او به فقرایی که مستحق هستند داده شود و در صورتی که انسان بداند که مسئولان کمیته امداد، پول های صندوق ها را جمع آوری کرده و به فقرای مستحق می دهند، ریختن آن در صندوق های صدقات اشکال ندارد.



مستحبات صدقه دادن چیست؟

صدقه دادن به طور کلی کاری مستحب است، مگر اینکه به واسطه نذر، عهد یا قسمی واجب شود. اما برای دادن همین صدقه مستحبی هم کارهایی بیان شده که ثواب آن را بیشتر می کند. مثلاً روایات فراوانی وجود دارد که صدقه را به افراد مستحق به خصوصی مثل همسایگان و ارحام بدهید تا آنجا که روایت شده: تا زمانی که ارحام محتاج (فامیل های نسبی) وجود دارد، صدقه به دیگران روا نیست. اما دیگر مستحبات صدقه دادن عبارتند از: * واسطه شدن برای رساندن صدقه به دیگران مستحب است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: کسی که صدقه شخصی را به نیازمندی برساند، مانند صدقه دهنده اجر دارد و اگر صدقه در دست ۴۰ هزار نفر بچرخد و سپس به فقیر برسد، برای هر چهل هزار نفر اجر کامل است. * صدقه را مخفیانه بدهیم که از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: صدقه مخفیانه خشم پروردگار را خاموش می کند و گناهان را از بین می برد؛ همانگونه که آب آتش را خاموش می کند و ۷۰ بار اذیع می کند.

نکته در مواردی مخفیانه دادن صدقه تأکید نشده است: اول اینکه صدقه دادن برای دفع تهمت باشد، یعنی برای اینکه در معرض تهمت قرار نگیریم، علنی صدقه بدهیم. مثلاً برای اینکه متهم نشویم انسان بخیل یا خسیسی هستیم، صدقه را علنی بدهیم. دوم اینکه بخواهیم دیگران یاد بگیرند و اقتدا کنند. سوم هم اینکه صدقات واجب مثل خمس و زکات و فطر به باشد.



صدقه دادن یکی از آداب همیشگی سبک زندگی هیأتی هاست

بلار از خودتان دور کنید

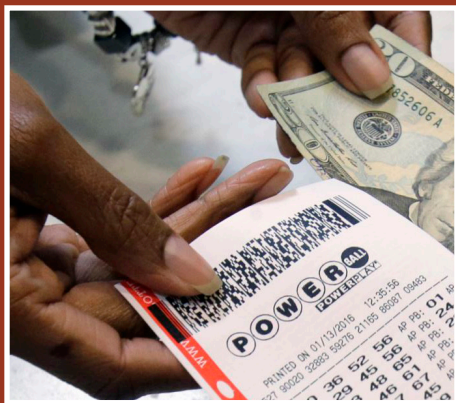
حتماً شنیده اید که باعث رفع ۷۰ بلاست. احادیث و روایات زیادی درباره اهمیت صدقه دادن در اسلام از زبان بزرگان دین ما بیان شده است. خیلی از هیأتی ها و مذهبی ها عادت دارند که روزانه یا هفتگی، مبلغی را بابت صدقه پرداخت کنند. اما این سنت خوب و پسندیده، آدابی دارد که در دین ما به آنها اشاره شده است. حتی واجباتی هم در زمینه صدقه دادن در احکام شرعی ما وجود دارد. اگر می خواهید با این امر پسندیده بیشتر آشنا شوید این دو صفحه را بخوانید.





بلیت‌های بخت آزمایی

بلیت‌های بخت آزمایی در بسیاری نقاط دنیا رواج زیادی دارند. متأسفانه برخی از مسلمانان هم از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی این بلیت‌ها را می‌خرند و از حکم شرعی آنها مطلع نیستند. در ضمن زمانی این بلیت‌ها تحت عنوانی در کشور خودمان هم رواج یافت که برخی هابرای خالی از اشکال بودن خرید این بلیت‌های بخت آزمایی خارجی فعلی به همان بلیت‌های داخلی استناد می‌کنند. در این زمینه بد نیست بدانید که آنچه در دنیا متداول شده این است که همه پول‌هایی که جمع‌آوری شده یا مقداری از آن را بین افرادی که قرعه به نام آنها درمی‌آید، تقسیم می‌کنند. این کار تشویقی برای خرید این بلیت‌ها، به امید رسیدن به پول کلان است. این کار بنا بر احتیاط واجب حرام است. پولی هم که برنده دریافت می‌کند، حرام است. اما در باره بلیت‌های بخت آزمایی داخلی باید گفت که اگر برای شرکت مردم در کار خیر، قبض‌هایی صادر کنند و در قبال مبلغی به مردم بدهند و برای تشویق آنها قرعه‌کشی کنند و هدیه‌ای هم بدهند، موضوع چنین عملی بخت آزمایی نیست، زیرا معامله‌ای که انجام می‌گیرد، بین این بلیت و این پول نیست. بلکه نوعی صدقه و اتفاق است. یعنی برای یک کار خیری پولی می‌دهد و رسید این پول، کاغذی است که به او می‌دهند. بنابراین در اینجا بیعی انجام نمی‌گیرد. این کار بی‌شک عمل حلال و تعاون در خیر است. جایزه‌ای هم که به فردی می‌دهند، قطعاً حلال است. حتی اگر انگیزه خرید این اوراق تنها برای رسیدن به آن جایزه باشد؛ مثل جوایزی که بانک‌ها برای تشویق مشتریان پس‌انداز قرض الحسنه می‌دهند؛ این هم اشکالی ندارد.



مکروهات صدقه دادن چیست؟

صدقه دادن با اینکه یک کار مستحبی است، اما برخی کارها در آن کراهت دارد که عبارتند از:

- ۱ آنچه به فقیر صدقه داده‌ایم کراهت شدید دارد که با یکی از عقده‌های اسلامی مثل بیع، مصالحه و... به ملک خود در آوریم؛ یعنی همان را مثلاً از فقیر بخریم.
- ۲ رد کردن گدا و متکدی مکروه است؛ اگر چه گمان داشته باشیم بی‌نیاز است. لذا مقداری اگر چه اندک، به او بدهیم.
- ۳ درخواست صدقه و کمک بدون احتیاج هم کراهت زیادی دارد. بلکه در صورت احتیاج نیز مکروه است.

شرایط صدقه دهنده و صدقه گیرنده

صدقه ۲ طرف دارد که هر یک از این ۲ طرف باید شرایطی داشته باشند که در جدول زیر آمده است:

بلوغ	صدقه دهنده
عقل	
محجور نبودن، مثلاً سفیه و ورشکسته نبودن	صدقه گیرنده
صدقه واجب و مستحب را می‌توان به سادات داد، اما زکات (چه زکات مال و چه زکات فطره) را در صورتی می‌توان به سادات داد که پرداخت کننده خودش سید باشد.	
صدقه را به کافر حربی و ناصبی (دشمن ائمه ع) نمی‌توان داد	

نکته در صدقه دادن مستحبی لازم نیست که فرد صدقه گیرنده فقیر، مسلمان یا مومن باشد. بنابراین به افراد غیر نیازمند، کافری دمی و اهل سنت هم می‌توان صدقه داد.

آیا کمک کردن به متکدیان خیابانی که خودشان را به گدایی زده‌اند و چهره شهر را زشت کرده‌اند و دولت و شهرداری هم تلاش می‌کند که آنها را جمع‌آوری کند جایز است؟

سعی کنید صدقات را به فقرایی که متدین و عفیف هستند بدهید.



❖ بسیاری از جوانان این دوره، مداحی‌ها و روضه خوانی‌های شما را شنیدند و پاگیر مجالس اهل بیت علیه‌السلام شدند. شما یادتان هست که چطور وارد این وادی شدید؟

❖ بله، پدر من تعزیه می‌خواند و ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام بود. از وقتی خودمان را شناختیم، دیدیم که در خانواده‌ای هستیم که همه عاشق آقا امام حسین علیه‌السلام هستند. من توی همان سن و سال کودکی متوجه شده بودم که صدای خوبی دارم و وقتی می‌خواندم مورد تشویق واقع می‌شدم. کلاس سوم ابتدایی که بودم با خانواده به تهران آمدم و ساکن محله مجیدیه شدیم. محرّم‌های قدیم چهار پایه وسط هیأت می‌گذاشتند و از من می‌خواستند بروم بالا و مداحی کنم. فکر کنم اوایل دهه ۴۰ بود، سن و سالی نداشتم. اما خیلی علاقه داشتم مطلبی که می‌خوانم تنها تحریک احساسات نباشد و تأثیر خاصی روی کسانی که می‌شنوند بگذارد. همان سال‌ها بود که فهمیدم روضه هدف نیست، بلکه وسیله است. ما مدح اهل بیت علیهم‌السلام را می‌گوییم تا مردم نسبت به آن‌ها معرفت پیدا کنند.

❖ این نکته بسیار مهمی است، شاید یکی از ایرادهای مداح‌های جوان امروز و مستمعین آنها توجه نکردن به همین نکته باشد. می‌شود کمی بیشتر توضیح دهید که خود شما چطور سعی کردید این معرفت را بیشتر کنید؟

❖ من همیشه می‌نشستم و اشعار پر محتوای دیگر مداح‌ها و یا شعر را آگوش می‌کردم. دوست داشتم خودم هم چیزی شبیه به آن‌ها به مستمعین بگویم. آن زمان که کلاس مداحی به این شکل وجود نداشت. خودم تمرین می‌کردم تا به نتیجه‌ای که می‌خواهم برسم. همان شعرهای خوب برایمان ایجاد علاقه می‌کرد. آن موقع نوار مداحی بزرگانی همچون مرحوم آقای کافی و یا علامه مداح که توی جامعه زیاد شناخته شده بودند را خیلی گوش می‌کردم، دوست داشتم شعرهایشان را از بر باشم. شعرهای خوب را یادداشت می‌کردم و رویشان تمرین داشتم. بزرگ‌تر که شدم با یک خانواده روحانی آشنا شدم و سبب وصلت ما به وجود آمد. پدر همسر من نیز در آشنایی بنده با زبان عربی تأثیر زیادی گذاشت.

❖ در دوران کودکی و نوجوانی اهل نشستن پای منبر بودید؟ سخنرانی چه کسانی را بیشتر گوش می‌دادید؟
❖ بله، منبر علما و بزرگان زیاد می‌رفتم. یادم هست ماه مبارک رمضان حاج آقا فلسفی در مسجد امام حسین علیه‌السلام سخنرانی می‌کردند. می‌رفتم پای منبر ایشان و یادداشت بر می‌داشتم از صحبت‌ها، حدیث‌ها و روایت‌ها. هنوز آن دست نوشته‌های پای منبر آن بزرگوار را دارم و گاهی اوقات به آن‌ها رجوع می‌کنم.

گفت و گو با یکی از مداحان پیشکسوت و از پیر غلامان اهل بیت علیهم‌السلام؛ حاج بدالله بهتاش

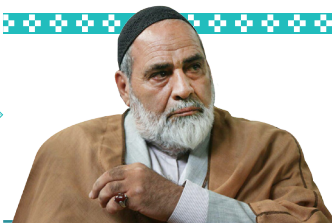
روضه هدف نیست، بلکه وسیله است برای معرفت بیشتر

وقتی صحبت از مداحان پیشکسوت می‌شود، نام چند نفر بیشتر بر سر زبان‌ها می‌آید. یکی از شناخته‌شده‌ترین مداحان پیشکسوت کشورمان، حاج بدالله بهتاش است که عمری را در راه خدمت به خاندان عصمت و طهارت گذرانده است. خودش می‌گوید که یکی از افتخار آتش روضه خوانی در محضر رهبر معظم انقلاب بوده است. ۶۸ سال از عمر پیر کتش می‌گذرد و در سال ۱۳۳۹ در روستایی در سبزوار به دنیا آمده است. آنهایی که این مداح پیشکسوت را از نزدیک می‌شناسند می‌دانند که او فقط مداحی و روضه خوانی نمی‌کند، بلکه در سخنرانی، تألیف کتب مختلف و تدریس مداحان جوان هم دستی بر آتش دارد. از کودکی پای منبر بزرگان نشسته و نکته‌های بسیاری آموخته و بعدها همان نکته‌ها، روایت‌ها و احادیث شدند چاشنی روضه خوانی‌اش. احوالی از او پرسیدیم و سعی کردیم بیشتر با حاج بدالله بهتاش آشنا شویم.





زمان‌های قدیم روضه‌های خانگی خیلی زیاد تر از حالا بود. هر ماه از روز اول می‌دانستیم که کدام خانه برای اقامه عزا و یا خواندن مداحی باید برویم. همه چیز روی برنامه بود و هر سال هم تکرار می‌شد. می‌آمدیم توی جلسه‌های چند نفره، همان جا یک حدیث می‌گفتم یا یک مسئله احکام را بیان می‌کردم. بیشتر همین بچه انقلابی‌ها همان کسانی بودند که توی خانه‌شان روضه امام حسین علیه‌السلام برپا بود.



مداحی باری رسان باشد؟

❖ بنده با هیچ یک از دستگاه‌ها و ردیف‌ها آشنایی ندارم. اگر شعری را هم روی ردیف آوازی بخوانم کاملاً اتفاقی و اصطلاحاً دلی است. البته خوب است که مداح این نغمه‌های مختلف را بشناسد تا کمتر خسته شود و تنوع کارش را در هنگام خواندن بالا ببرد. اما من آشنایی با این موضوع نداشته‌ام.

❖ شما علاوه بر مرثیه‌سرایی، مولودی خوانی هم می‌کنید. آن را معمولاً به چه روشی انجام می‌دهید؟

❖ معتقدم که همه چیز در دین مبین اسلام احکام خاص خودش را دارد. روضه خواندن و مولودی خواندن هم احکام دارد که باید در همه حال رعایت شود. ولی به اسم شادی نباید خودمان را در معصیت بیندازیم. در عزاداری نیز همین‌گونه است. الان عزاداری‌ها گاهی به ترانه خوانی نزدیک می‌شود که شکل خوبی ندارد. بعضی‌ها تا شروع می‌کنند به خواندن، عده دیگر که اهل فن هستند می‌گویند نگاه کن شبیه به فلان خواننده می‌خواند. البته ما با نوآوری مخالف نیستیم. شاید یک شعر را با یک نغمه جدید بخوانی تأثیر گذاری بیشتری داشته باشد. اما باید حدود را رعایت کرد. همانطور که امام رضا علیه‌السلام فرمودند در شادی ما شاد باشید و در عزای ما ناراحت، باید ببینیم منظور امام علیه‌السلام از شادی در اینجا چیست؟ من در مجالس شادی را اینگونه تعبیر می‌کنم، یعنی کارهایی انجام دهیم که دل معصومین علیهم‌السلام را شاد کنیم. شخصی آمد نزد امام صادق علیه‌السلام، ایشان آن شخص را خیلی تحویل گرفتند و گفتند اعمال نیکویی انجام داده‌ای، پرونده این هفته‌ات رضایت بخش بوده است. خوب که فکر کردم پادم آمد قبل از سفر به مکه، می‌خواستم با قوم و خویشم وداع کنم. اما نمی‌خواستم پیش پسر عمویم بروم. چرا که او خیلی در خط امام صادق علیه‌السلام نبود. باین حال خودم را راضی کردم که نزد او هم بروم. همین صله رحم باعث شد تا متوجه شوم اوضاع مالی خوبی ندارد و به او کمک کنم. این عمل من باعث خوشنودی امام زمانم شده بود. در عزاداری‌ها هم باید کارهایی را که دل ائمه اطهار علیهم‌السلام را محزون می‌کند انجام ندهیم.

❖ مداح‌های قدیمی چه کسانی بودند؟ گجا منبر داشتند؟

❖ مداح‌های قدیمی تهران با مردم زیاد آشنایی داشتند و مردمی بودند. مثلاً آقای محمد علامه ۶۰ سال مداحی کرد. آن مداح‌ها همیشه حد و حدودشان را رعایت می‌کردند. شعر و مطلب خوب می‌خواندند. همین طور آقای شمشیری یا سید محمد موسوی بودند که اشعار بسیار زیبایی می‌خواندند. بیشترشان هم در هیات‌های قدیمی مثل بنی فاطمه، پیر عطا

در حال حاضر سایت هم دارم و مطالب و اشعار مختلف را در آنجا قرار داده‌ام تا جوان ترها که علاقه‌مند به این راه و مکتب هستند بتوانند بهتر استفاده کنند. درست است که ما قدیمی هستیم، اما باید به روش امروز کارها را جلو ببریم. راه‌های ارتباطی بهتر با جوان ترها را بشناسیم و طبق زمانه جلو برویم. تصور می‌کنم اینگونه پاسخ بهتری خواهیم گرفت.

❖ یکی از چیزهایی که در سال‌های اخیر شاید کم‌رنگ تر شده باشد، روضه‌های خانگی است. آن روضه‌های خانگی چه تأثیری در زندگی مردم داشت؟

❖ زمان‌های قدیم روضه‌های خانگی خیلی زیاد تر از حالا بود. هر ماه از روز اول می‌دانستیم که کدام خانه برای اقامه عزا و یا خواندن مداحی باید برویم. همه چیز روی برنامه بود و هر سال هم تکرار می‌شد. می‌آمدیم توی جلسه‌های چند نفره، همان جا یک حدیث می‌گفتم یا یک مسئله احکام را بیان می‌کردم. بیشتر همین بچه انقلابی‌ها همان کسانی بودند که توی خانه‌شان روضه امام حسین علیه‌السلام برپا بود. در باره کسب روزی هم باید بگویم هر چه که صاحب عزا به ما می‌داد بی هیچ منتی قبول می‌کردیم. من خودم روضه خواندم با ۵ ریال. تابحال هم از همین راه کسب روزی حلال کرده‌ام. هیچگاه نگفتم که فلان قدر می‌گیرم و می‌آیم مجلس شما. هر چه از درگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام به ما برسد نیکوست. مداح‌های قدیمی همه همین طور بودند، یعنی به خاطر عشقشان به امام حسین علیه‌السلام می‌خواندند و هیچ چشمداشت مادی نداشتند. اما می‌دانستند همین روزی که از راه اربابشان به آن‌ها می‌رسد برکت یک زندگی را تأمین می‌کند.

❖ یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی که مداحان باید به آن توجه کنند انتخاب اشعار است که می‌خواهند در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام بخوانند. شما چه توصیه‌ای در این زمینه دارید؟

❖ شعرها سلیقه‌ای است دیگر. برخی دوست دارند شعرهایی بخوانند که واژه‌های پر تکلف و دشوار توی آن زیاد به چشم بیاید. اما من همیشه سراغ شعرهای ساده و دارای محتوا و مضمون رفته‌ام. چون شعری که ساده باشد می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. بیشتر سراغ پندیات می‌روم تا برای همه قابل فهم باشد و تأثیری هم بگذارد. شعرهای صائب را می‌پسندم، معمولاً پندیات سعدی، صامت و برخی از اشعار پروین اعتصامی را نیز می‌خوانم. شاعران معاصر هم پندیات خوبی دارند، مثلاً اشعار آقای سازگار که محتوای مناسبی دارد.

❖ با نغمه‌ها و ردیف‌های آوازی آشنایی دارید؟ دانستن آواهای موسیقایی چقدر می‌تواند در امر

توی همین محله مجیدیه، آقای بصیری بود که حاج آقا کافی را به مجلسش دعوت می‌کرد. آنجا حتی من پیش از منبر ایشان روضه می‌خواندم و سپس از محضرشان بهره‌مند می‌شدم.

❖ آن یادداشت بر داری‌ها و پای منبر بزرگان نشستن‌ها چه تأثیری در مداحی‌ها و روضه‌خوانی‌های خود شما داشت؟

❖ دروسی که پای همین منبرها آموختم پشتوانه‌ای برای شعرهایی بود که می‌خواندم. همیشه عادت دارم اشعار را همراه با روایت‌هایی از اهل بیت علیهم‌السلام بخوانم. چند سالی است که شب‌های عاشورا محضر مقام معظم رهبری می‌رسم، اما امسال شب تاسوعا رفتم تا مداحی کنم. عادت دارم وسط مدح و شعر خوانی حدیث بخوانم و حتی آنجا هم سنتام را نشکستم. محرم امسال که نزد ایشان رفتم ابتدا شعری از صائب خواندم به این مضمون که «بی‌روزی حلال، دعا مستجاب نیست از لقمه حرام شکم را نگه دار» همین جا حدیث نبوی را چاشنی شعر کردم که فرمودند «کسی که می‌خواهد دعایش مستجاب شود، کاسی و لقمه‌اش حلال باشد». باز یک روایت دیگر از رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم خواندم که ایشان فرموده بودند، «اگر می‌خواهی عاقبت به خیر شوی باید لقمه حلال برای زندگی‌ات ببری، همنشین خوب داشته باشی و نمازهایت را به جماعت بخوانی». روضه‌ام که تمام شد رفتم خدمت معظم له. آقا تأکید داشتند که این مواظرات برای مردم بگویند. این‌ها باعث معرفت افزایی می‌شود. این سبک را در خواندن‌هایم همیشه حفظ کرده‌ام که همراه با شعر، آیه‌های قرآن و یا احادیث معصومین علیهم‌السلام را یادآور شوم. حدیث هم باید مستند باشد. اگر حدیث و روایت مستند باشد، مردم خوب گوش می‌کنند و توجه نشان می‌دهند. ما مداحی می‌کنیم برای اینکه مردم اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسند. وقتی شناختند معرفت پیدا می‌کنند و به آن‌ها محبت می‌ورزند. وقتی هم که محبت داشته باشند به حرفشان گوش می‌دهند. خود آن بزرگواران فرموده‌اند که حدیث و گفتار ما را بی هیچ پیرایه‌ای به گوش مردم برسانید. این‌ها همه مواردی است که می‌تواند جامعه را بسازد.

❖ می‌دانیم که اهل نوشتن هم هستید و کتاب‌های زیادی از شما منتشر شده است. کمی در این خصوص توضیح می‌دهید؟

❖ بله، البته بنده گاهی دست به قلم هم می‌شوم و تاکنون ۳۵ عنوان کتاب نوشته‌ام. مثلاً کتاب روایت کربلا تاکنون ۱۲ بار تجدید چاپ شده. غیر از نویسندگی برای تدریس اصول مداحی به خانه مداحان و جاهای دیگر هم می‌روم.



من همیشه سراغ شعرهای ساده و دارای محتوا و مضمون رفته‌ام. چون شعری که ساده باشد می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. بیشتر سراغ پندیات می‌روم تا برای همه قابل فهم باشد و تاثیری هم بگذارد.



توصیه‌های مداح پیشکسوت برای مداحان جوان

حاج یدالله بهتاش که عمری را در خدمت اهل بیت علیهم السلام گذرانده معتقد است که روضه خوانی و برپایی مجالس برای این بزرگان اثرگذار و پرطرفدار است. همین مجالس امام حسین علیه السلام است که انقلاب ما را نگه داشته، به همین دلیل دشمنان می‌خواهند به عناصر تاثیرگذار در دین و اعتقاد مردم رخنه کنند و با صرف هزینه‌های گزاف آن را به حاشیه ببرند. دشمنان نمی‌گویند، عزاداری نکنید، اما می‌خواهند سبک عزاداریمان شبیه آن چیزی شود که خودشان می‌خواهند. آن‌ها دوست دارند در مجالس عزاداری صحبتی از شهیدان نشود، درباره ارزش ولایت فقیه حرفی به میان نیاید و اصول مکتب عاشورا بیان نشود. چرا که همه این‌ها بیدارگر است.

او معتقد است که مداحی و روضه خوانی هم مثل خیلی از امور دیگر می‌تواند آفت‌هایی را همراه خود داشته باشد. برای همین همه مداحان، به ویژه مداحان جوان باید به این نکات توجه نشان دهند تا سبک عزاداری ما به سبکی که مورد پسند ائمه اطهار علیهم السلام است نزدیک‌تر شود. در این بخش به صورت تیتروار این آسیب‌ها را از زبان این پیر غلام اهل بیت علیهم السلام مرور می‌کنیم.

آسیب‌های محتوایی: برخی از مداحان می‌خواهند اصطلاحاً به مجلس شور بیندازند و مثال چشم و ابروی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را می‌آورند. در حالی که صفاتی نظیر بصیرت، وفاداری و ایثار بود که علمدار کربلا را نسبت به دیگران متمایز کرد. اشعاری که خوانده می‌شود باید از این حیث محتوای مناسبی داشته باشد.

اظهار غلو: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند، بپرهیزید از غلو کردن! الان اشعاری می‌شنویم که از آن بوی شرک می‌آید. حالا ممکن است آن مداح از روی احساسات این شعرها را بخواند و خیلی به معانی آن توجه نشان ندهد، اما همین اشعار غلوآمیز به گوش تکفیری‌ها می‌رسد و آن‌ها اظهارات ناروایی را به ما نسبت می‌دهند.

خواندن مطالب غیر واقع: امام باقر علیه السلام فرمودند که همه بدی‌ها یک کلید دارد و آن شراب است، با این حال دروغ گفتن از شراب هم بدتر است. دروغ گویی در همه حال بد است، خاصه اینکه به ائمه اطهار علیه السلام نسبت داده شود. باید سعی کنیم اشعاری که می‌خوانیم سندیت داشته و از هر نوع کذبی دور باشد.

خواندن مطالب ذلت آمیز: برخی‌ها برای افزایش احساسات مردم، نسبت‌هایی را به حاضران در دشت کربلا می‌دهند که در شأن آن‌ها نیست. مثلاً می‌گویند زینب مضطر، یا سجاد بیمار! اگر بنا به حکمتی حضرت سجاد علیه السلام چند روزی ناخوش بودند نباید همواره او را بیمار بخوانیم و یاشان دیگر شهدای کربلا را پایین بیاوریم.

طرح مباحث سست: برخی می‌آیند و مثلاً خوابی را تعریف می‌کنند تا مردم را به دین علاقه‌مند کنند و یا بگویند هیات ما چنین است و چنان است. خوب، کسی که با یک خواب بیاید با یک خواب هم می‌رود. عده‌ای دیگر هم مطالب موهن را مطرح می‌کنند و مثلاً می‌گویند من سگ فلان‌ام، بابا، ائمه علیه السلام آمدند تا ما را آدم کنند. نه اینکه ما را اقلا ده به گردن خودشان سازند. این‌ها از حقیقت عزاداری‌ها به دور است.

سبک اسلامی: نواها و نغمه‌هایی که برای خواندن اشعار بکار گرفته می‌شود در شأن عزاداری بزرگان دین باشد. استفاده از نغمه‌هایی که پیش از آن مثلاً توسط برخی خواننده‌های معلوم الحال اجرا شده برای عزاداری‌ها مناسبیتی ندارد. همچنین در همه مجالس و عزاداری‌ها باید یک خطیب و واعظ حضور داشته باشد تا معرفت حسینی را بیان کند. تنها عزاداری، ما را به سر منزل مقصود نخواهد رساند.

و یا فاطمیون حضور داشتند و کاملاً اثرگذار بودند توی جامعه. برخی از مداح‌های امروزی چند صبحی کارشان گل می‌کند و سی‌دی‌هایشان دست به دست می‌شود. اما باید ببینیم کار ماندگار کجاست! مرحوم محدث نسوری، صاحب کتاب لولو و مرجان و استاد مرحوم آقاشیخ عباس قمی گفتند که مداح باید دو تا کار را انجام بدهد؛ یکی اینکه همیشه صداقت داشته باشد و در بیانش کذب نیاورد. مطلب دروغ همین طوری‌اش هم گناه بزرگی است، چه برسد به اینکه آن را به بزرگان دین نسبت بدهیم. یکی از مداح‌ها، پیش یکی از علما تعریف می‌کرده که خواب دیده دارد در بدن امام حسین علیه السلام چنگ می‌اندازد. ایشان هم متذکر شده بودند، به این خاطر است که روضه راست و درست نمی‌خوانی. یا روضه راست بخوان یا رها کن. مطلب دوم برای مداح‌ها خلوص نیت است. خلوص هم یعنی اینکه فقط و فقط برای رضای خدا بخوانی و لا غیر. هیچ وقت نگوئی سبک من، کتاب من، هیات من، دسته من، نذری من... شما نگاه کنید چرا کتاب مفاتیح الجنان اینقدر ماندگار شده است و همه انسان‌های متقی به آن رجوع می‌کنند. چون نیت نگارنده‌اش از ابتدا خیر و خالص بوده که چنین اثرگذاری داشته است.

♦ **شمار روضه خوانی در محضر مقام معظم رهبری را هم تجربه کرده‌اید؟ این مجلس چه تفاوت‌هایی با دیگر مجالس عزاداری دارد؟**

♦ خواه ناخواه آن مجلس خاص‌تر است. به همین خاطر از یک ماه قبل، تمام مطالب را مرور می‌کنم و کم و زیادها را انجام می‌دهم. همانطور که گفتیم، همه روضه‌ها و روایت‌هایی که می‌خوانم باید سندیت داشته باشد، اینجا هم دقت می‌کنم تا از این حیث مسئله‌ای وجود نداشته باشد. البته چون در این مجلس همه قشرهای مردم همراه با مسئولان حضور دارند سعی می‌کنم مطالبی را عنوان کنم که به فضای مجلس بخورد و مفید واقع شود.

♦ **درباره برگزاری برنامه پرده عشاق چه نظری دارید؟**

♦ چند سال قبل برنامه‌ای به نام پرده عشاق برگزار شد و از مداحان و پیر غلامان پیشکسوت تقدیر شد. این حرکت بسیار خوبی بود. وقتی به اسامی که قرار بود در برنامه پرده عشاق از آن‌ها تقدیر شود نگاه می‌کردم می‌دیدم که همه عزیزان می‌توانند خودشان یک الگوی کامل برای جامعه باشند. همین طور با تقدیر از پیر خادمان در گاه اباعبدالله الحسین علیه السلام، جوان‌ها هم می‌فهمند آدمی که سالم زندگی کند، هر چقدر هم که پیر شده باشد باز به او بهای می‌دهند و این خودش ارزش زیادی دارد.



کوتاه از
تحولات
خاورمیانه





۲۳۰۵

نفر بدون محاکمه و دادگاه در زندان‌های آل سعود

رهبری محمد بن سلمان ولیعهد سعودی مطرح کرده است. «دیده‌بان حقوق بشر سپس تاکید می‌کند که «ظاهراً بازداشت‌های خودسرانه در سال‌های اخیر در عربستان افزایش چشمگیری داشته است» و از مقامات سعودی می‌خواهد تا «حبس خودسرانه افراد را متوقف کند». این سازمان خطاب به مقامات سعودی نوشته: «اگر مقامات سعودی بتوانند یک زندانی را برای چندین ماه نامعلوم بدون اتهام در حبس نگه دارند، واضح است که نظام عدالت کیفری عربستان دچار نقص و غیرمنصفانه است و تنها به نظر می‌رسد که این نظام در حالت بدتر شدن است.»

آن است که عربستان بیش از یک دهه است که هزاران نفر را بدون تشکیل دادگاه زندانی کرده است. خبرگزاری فرانسه اما در این باره نوشت، «این سازمان دیروز ضمن محکوم کردن نقش محمد بن سلمان ولیعهد عربستان در بازداشت‌های خودسرانه اعلام کرد که مقامات سعودی ۲۳۰۵ نفر را برای ۶ ماه و برخی را برای بیش از یک دهه بدون تشکیل دادگاه در حبس نگه داشته است.» طبق این گزارش، «پادشاهی بسیار محافظه کار عربستان که یک رژیم سلطنتی مطلق است در ماه‌های گذشته یکسری اصلاحات را به

براساس گزارش جدید دیده‌بان حقوق بشر، رژیم سعودی برای ماه‌ها، بیش از دو هزار زندانی را بدون تشکیل حتی یک دادگاه در حبس نگه داشته است. آل سعود به عنوان یک کشور قرون وسطایی و با وجود نمایش‌های اخیرش که در قالب «اصلاحات» دنبال می‌کند، یکی از عقب مانده ترین سیستم‌های قضایی در جهان را دارد. همین مسئله باعث شده تا نظام قضایی این رژیم بسیاری از مخالفان را بدون برپایی هیچ گونه دادگاهی سال‌ها در حبس نگه دارد. حالا خبرگزاری فارس گزارش داده، تحلیل‌های دیده‌بان حقوق بشر حاکی از



پیام مهم پیروزی حزب الله لبنان

پیروزی تاریخی حزب الله و متحدانش در انتخابات پارلمانی لبنان، علاوه بر تقویت جایگاه داخلی این حزب، آغاز فصل جدیدی از معادله مقاومت در منطقه است که با غلبه بر تروریست‌ها در سوریه کامل خواهد شد.

برای بحران آفرینی در دولت لبنان با درایت حزب الله خنثی خواهد شد و نفوذ سعودی‌ها در بدنه دولت به کمترین حد ممکن تقلیل خواهد یافت. تحولات سیاسی سال گذشته و استعفای ناگهانی سعد حریری که مرکز فرماندهی آن از ریاض صادر شده بود، تجربه خوبی برای حزب الله شد تا در آینده اجازه ندهند نفوذی‌های سعودی به کابینه راه یابند و این مسئله با توجه به تضعیف پایگاه مردمی جریان «المستقل» وابسته به سعودی و نگاه منفی افکار عمومی لبنان به سیاست‌های عربستان، دور از دسترس نخواهد بود. به باور ناظران، با توجه به اینکه برخی جریان‌های سیاسی لبنان مخالف سلاح حزب الله هستند، احتمال می‌رود حزب الله از اکثریت پارلمان برای مشروعیت دادن به سلاحش استفاده کند و آن را قانونی کند. از آنجا که افکار عمومی لبنان از سلاح حزب الله در مقابله با رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند، لذا مشکل چندانی برای قانونی کردن سلاح وجود نخواهد داشت. از طرفی، برخلاف ادعای سعودی‌ها که ایران را چهره‌ای منفور در لبنان معرفی می‌کنند، اما رأی مردم نشان داد که ایران در صحنه سیاسی لبنان و در بین افکار عمومی این کشور به عنوان بازیگر منفی تلقی نمی‌شود بلکه نگاه مثبتی به ایران وجود دارد. اقدامی که به گفته ناظران، قدرت مانور ایران در جامعه لبنان را افزایش خواهد داد.

می‌کنند. «اینگونه اظهارات که نمونه‌های آن کم نیست، بیانگر این است که حزب الله در مسیر درستی قدم برداشته و همه‌های تبلیغاتی غرب و سعودی‌ها علیه این حزب به خاطر نگرانی از قدرت یابی مقاومت بوده است. هر چند انتخابات لبنان ناظر بر تحولات داخلی این کشور بود اما از آنجا که امریکا و متحدانش از این مسئله برای ضربه زدن به مقاومت استفاده می‌کردند، مهم به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه انتخابات لبنان متأثر از جنگ سوریه بود، از بعد منطقه‌ای هم قابل ارزیابی است. پیروزی حزب الله و متحدانش انعکاس سیاسی بزرگی در تحولات سیاسی لبنان ایجاد خواهد کرد و با توجه به اینکه جریان مقاومت اکثریت کرسی‌ها را کسب کرده، می‌توان گفت که اکثر لبنانی‌ها از مقاومت حمایت سیاسی کرده‌اند که نشانگر افزایش محبوبیت مقاومت است. هر چند قدرت حزب الله بیشتر در بعد نظامی بود اما بعد از این قدرت سیاسی نیز در کنار بعد نظامی به تقویت جایگاه حزب الله در لبنان منجر خواهد شد. نکته حائز اهمیت در این انتخابات، اقبال گسترده اهل سنت به کاندیداهای مقاومت بود که با آرای خود نشان دادند که حزب الله علاوه بر شیعیان در بین اهل سنت نیز جایگاه مهمی دارد و همین مسئله دست آل سعود را برای ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی می‌بندد و نقشه‌های سعودی و غرب

انتخابات پارلمانی لبنان بالاخره پس از وقفه پنج ساله، چندی پیش برگزار شد و علاوه بر مشارکت قابل قبول نتایج ویژه‌ای به همراه داشت که خوشایند دشمنان قسم خورده مقاومت نبود. حزب الله و متحدانش توانستند با رأی اعتماد مردم ۶۷ کرسی از ۱۲۸ کرسی پارلمان را از آن خود کنند و عملاً با این پیروزی تأثیر قابل توجهی در چینش ترکیب دولت آینده خواهند داشت. پیروزی حزب الله در انتخابات لبنان نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی این کشور بود که به رغم توطئه‌های داخلی و خارجی در نهایت توانست موازنه را به نفع مقاومت تغییر دهد. مثلث غربی - عربی - صهیونیستی سال ۲۰۱۱ با هدف تضعیف محور مقاومت، جنگ فرسایشی در سوریه را آغاز کردند تا توان نظامی حزب الله و ایران را کاهش دهند اما با گذشت هفت سال از این بحران، مقاومت نه تنها تضعیف نشده بلکه علاوه بر پیروزی‌های میدانی، در عرصه سیاسی نیز جایگاه خود را تقویت کرده است. هزینه‌های هنگفت عربستان سعودی برای تخریب چهره حزب الله در انتخابات نتیجه عکس داد و بیشتر به محبوبیت این حزب منجر شد. علی حماده، روزنامه‌نگار دروزی لبنان پس از پیروزی حزب الله گفت: «شیعیانی که قبل از امام موسی صدر بیشتر از واکس زدن کفش‌ها یا نظافت خانه‌هایمان یا نگهبانی ارزشی نداشتند، امروز بر ما و بر نصف منطقه حکومت



مردم امریکا هزینه‌های تصمیم ترامپ را می‌دهند



خروج آمریکا از برجام به ضرر چه کسانی است؟

تصمیم درباره اعمال تعرفه‌ها و اعلام جنگ تجاری علیه اروپا و چین و عبور از برجام به عنوان یک سند بین‌المللی دو تصمیم جدی ترامپ بوده که در عمل به ضرر اروپا و مردم آمریکا شده است. پیش از این هزار و ۱۴۰ اقتصاددان در نامه‌ای که درباره وقوع رکود بزرگ در آمریکا هشدار می‌داد، نوشته بودند: قدرت‌های اقتصادی جهان به واسطه اقدامات اخیر ترامپ در خصوص افزایش تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم در آستانه جنگ تجاری قرار دارند.

در بخشی از نامه هشدار آمیز اقتصاددانان آمده است: موانع تجاری ناشی از موضع حمایتگرانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از تولیدات داخلی و خروج او از توافقنامه‌های تجاری بین‌المللی بیشتر از آنکه به مردم این کشور کمک کند به آنها آسیب خواهد رساند. امروزه مردم آمریکا با موج جدیدی از فعالیت‌های حمایتگرانه ترامپ شامل خروج یا عقب‌نشینی از توافقنامه‌های مالی، اختلاف نظر در خصوص تعرفه‌های جدید و تحمیل آن بر برخی کالاهای خاص مانند فولاد و آلومینیوم مواجه هستند.

در ادامه این نامه خطاب به مقامات کنگره آمده است: در سال ۱۹۳۰، کنگره نصیحت اقتصاددانان را نپذیرفت و در نهایت مردم آمریکا هزینه این بی‌توجهی را پرداخت کردند. در این نامه قویا از شما می‌خواهیم این اشتباه را تکرار نکنید. کارشناسان معتقدند: موانع تجاری که بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت ترامپ است، موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد. در نهایت مصرف‌کنندگان آمریکایی باید بهای این اشتباه را پرداخت کنند و این به بحرانی بزرگ منجر خواهد شد. ترامپ ماه گذشته میلادی تعرفه‌های گمرکی واردات فولاد و آلومینیوم را به آمریکا به ترتیب ۲۵ درصد و ۱۰ درصد افزایش داد. رئیس‌جمهور آمریکا با این حال، کانادا و مکزیک را که شرکای خود در توافقنامه تجارت آزاد کشورهای آمریکای شمالی هستند از شمول این قانون معاف کرد.

اما جدیدترین هدیه ترامپ با تصمیم جدیدش مبنی بر خروج از برجام گرانی بنزین برای مردم کشورش است. آمریکایی‌ها به لطف تحریم ایران باید پول بیشتری برای خرید بنزین بپردازند که این به معنای کاهش قدرت خرید عامه مردم و کاهش بازار مصرف به شمار می‌رود. کارشناسان هشدار دادند در صورت تحریم نفتی ایران مردم آمریکا باید پولی را که از محل اجرای قانون کاهش پرداخت مالیات پس‌انداز کرده بودند، خرج خرید بنزین کنند.

مارکت‌واچ به نقل از کارشناسان هشدار داده است: اعمال تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران می‌تواند قیمت بنزین در آمریکا را به سه دلار در هر گالن افزایش دهد که بالاترین میزان طی چهار سال گذشته محسوب می‌شود. کارشناسان بر این باورند که افزایش قیمت نفت در پی تصمیم آمریکا برای خروج از برجام و اعمال دوباره تحریم‌های نفتی علیه ایران می‌تواند به تشدید تنش در خاورمیانه و سخت‌تر شدن عرضه نفت در این منطقه منجر شود.

بنا به آمارهای ارائه شده از سوی مؤسسه گس پادی قیمت بنزین در آمریکا هم‌اکنون به حدود ۸۴۴/۲ دلار در هر گالن رسیده است که نسبت به ماه گذشته ۲/۱۸ سنت و نسبت به زمان مشابه سال قبل ۵۰ سنت افزایش داشته است. وی معتقد است: با توجه به اتفاقات پیش‌رو قیمت بنزین در آمریکا به سه دلار در هر گالن افزایش یافت. اعمال مجدد تحریم‌های نفتی از سوی آمریکا علیه ایران و وقوع جنگ موشک‌ها در خاورمیانه و تشدید جنگ نیابتی بین ایران و عربستان به همراه آمریکا در کنار بحران ونزوئلا اصلی‌ترین عوامل بالابرنده قیمت نفت هستند. آمارهای مؤسسه گس پادی نشان می‌دهد هم‌اکنون ایالت‌هاوایی آمریکا با عرضه بنزین با قیمت ۸۰۵/۳ دلار در هر گالن گران‌ترین بنزین را در آمریکا عرضه می‌کند، قیمت بنزین در ایالت‌های کالیفرنیا، آلاسکا، نودا به ترتیب ۶۳۶/۳، ۳۱۶/۳ و ۳۱۳/۳ دلار در هر گالن است. برخی دیگر از کارشناسان نفتی اعلام کردند که با توجه به شرایط پیش‌آمده پیش‌بینی خود از بالارفتن قیمت بنزین در آمریکا را افزایش خواهند داد.





اروپا علاقه مند به حفظ توافق با ایران است

مدیر تجاری شرکت ایتالیایی «جی.بی.آ» که
این هفته برای شرکت در بیست و سومین
نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و
پتروشیمی به تهران آمده بود، در گفت‌وگو
با ایرنا درباره خروج ترامپ از برجام گفت:
اروپا به حفظ توافق با ایران علاقه‌مند است
و مطمئناً این همکاری‌ها تداوم می‌یابد.
بنی گفت: به دنبال برداشته شدن تحریم‌ها
در سه سال اخیر این شرکت جایگاه خوبی
در پروژه‌های نفت و گاز ایران به دست آورده
و سرمایه خود را وارد کشور کرده است.

اروپا هم ضرر می‌کند

اما این تمام ماجرا نیست، زیرا به غیر مردم آمریکا با وعده گشایش‌های اقتصادی ترامپ از این پس باید متحمل گرانی‌های تحمیلی ناشی از تعرفه‌ها و افزایش احتمالی قیمت بنزین باشند، اروپایی‌ها نیز در عمل با محدودیت شرکت‌هایشان برای تجارت و فعالیت مشترک اقتصادی با مشکل مواجه خواهند شد. شرکت ایرباس، خودروسازی‌های مختلف و پالایشگاه‌های نفتی طرف قرار داد با ایرانی‌ها جزو متضرران اصلی تصمیم اخیر ترامپ هستند، اما اروپایی‌ها درباره تصمیم قبلی نیز که به کالاهای اروپایی تعرفه واردات می‌بندند شاکي هستند. از همین رو است که احتمالاً از یکسو شاهد چانه‌زنی برای کاهش تعرفه‌های وضع شده از سوی ترامپ باشیم و از سوی دیگر بزرگ‌ترین اقتصادهای اروپا به منظور حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های خود در ایران دست به کار شوند و به دنبال زنده نگه داشتن برجام بعد از خروج آمریکا از این توافق و تهدید این کشور به وضع مجدد تحریم‌های اقتصادی هستند. رویترز در این خصوص نوشته است: آلمان و فرانسه ارتباطات تجاری قابل توجهی با ایران دارند و همچنان متعهد به اجرای توافق برجام هستند. انگلیس هم قصد دارد برجام را ادامه دهد. اکنون وزرای امور خارجه این سه کشور اروپایی قصد دارند روز سه‌شنبه در خصوص نحوه تداوم اجرای برجام با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینند. برونو له مایر، وزیر دارایی فرانسه گفت: دولت‌های عضو اتحادیه اروپا اقدامات منع‌کننده تحریم‌ها را به کمیسیون اروپا پیشنهاد خواهند داد. له مایر افزود: آیا ما تحریم‌های فراسرزمینی را می‌پذیریم؟ پاسخ منفی است، آیا ما می‌پذیریم که آمریکا ژاندارم اقتصادی کره‌زمین باشد؟ پاسخ نه است. آیا ما بندگی اروپا در مسائل تجاری را می‌پذیریم؟ پاسخ نه است. وزرای دارایی فرانسه و آلمان نیز در گفت‌وگو با استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری آمریکا از وی خواسته‌اند تا معافیت‌ها یا تعویق‌هایی را برای اجرای تحریم‌ها علیه شرکت‌های فعال در ایران در نظر بگیرد. له مایر افزود: وی به دنبال معافیت‌هایی واقعی برای شرکت‌هایی نظیر رنو، توتال، سانوفی، دانون و پژو است که در ایران حضور دارند. وزیر دارایی آلمان هم خواستار اقدامات قاطع برای کمک به شرکت‌های آلمانی فعال در ایران شده است.





بیشترین خسارت برای خودروسازان فرانسوی و آلمانی

خودرو یا قطعات آن را به آمریکا بفروشند با سیاست‌های تجاری آمریکا برخورد خواهند کرد. در حال حاضر رنو خودرویی در آمریکا نمی‌فروشد، در حالی که شرکت نیسان ژاپن فروش تجاری در این کشور دارد. پژو در سال ۱۹۹۱ پای خود را از آمریکا بیرون کشید، اما اخیراً اعلام کرده است قصد دارد تجارت خود را با این کشور ادامه دهد. مرسدس نیز نه تنها بسیاری از خودروهای خود را در آمریکا می‌فروشد، بلکه در این کشور کارخانه هم دارد. جفری، محقق سرمایه‌گذاری اعلام کرد: تأثیر مالی روی پژو و رنو که حدود ۱/۶ میلیون خودرو ایرانی‌ها را در سال یعنی ۴۰ درصد نیاز آنها را تأمین می‌کنند، برای آنها رقم بزرگی است. پژو بیشتر اعلام کرده امیدوار است اتحادیه اروپا موضع مشترکی در برابر ایران داشته باشند.

مجله آمریکایی فوربس به نقل از تحلیلگران نیز اعلام کرد: شرکت‌های خودروسازی فرانسوی «پژو» و «رنو» و نیز شرکت دایملر آلمان بیشترین خسارت را از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌ها علیه ایران خواهند دید.

فوربس به گفته تحلیلگران نوشته است: شرکت خودروسازی پژو و رنو فرانسسه و دایملر آلمان که حضور خود را در ایران از زمان توافق هسته‌ای در ۲۰۱۵ محکم‌تر کرده‌اند، بیشترین آسیب را از تحریم‌های آمریکا علیه ایران خواهند دید.

ممنوعیت‌های تجاری آمریکا تأثیر مستقیم بر شرکت‌های اروپایی ندارد، اما تأثیرهای ثانویه که می‌تواند داشته باشد، شرکت‌ها را تحت تأثیر جدی قرار داده است. اگر این شرکت‌ها بخواهند



خروج از برجام بازار گاز شیل آمریکارا داغ می کند

به محض اینکه تحریم‌ها علیه ایران به صورت رسمی اجرایی شود، قراردادهای بلندمدت فروش آلان‌جی که قیمتشان به قیمت نفت گره خورده در سایر نقاط جهان گرانتر خواهد شد و این احتمالاً موجب تقاضا برای خرید گاز ارزان و فراوان شیل آمریکا خواهد شد.

پایین می تواند منجر به افزایش صادرات گاز آمریکا شود. آناستاسیا دیالیناس، تحلیلگر بازار انرژی در این باره گفت: من شک دارم دولت آمریکا این عمل را در اعمال تحریم‌ها علیه ایران مدنظر قرار داده باشد، زیرا ما ظرفیت بالایی برای صادرات آلان‌جی نداریم. وی افزود: اما به طور غیرمستقیم اگر این وضعیت منجر به افزایش پایدار قیمت نفت شود، قیمت محموله‌های آمریکایی قطعاً جذاب‌تر خواهد شد. از ویلبر راس، وزیر بازرگانی آمریکا گرفته تا شخص دونالد ترامپ، همواره افزایش صادرات آلان‌جی آمریکا را مورد تشویق قرار داده‌اند، زیرا افزایش صادرات این محصول موجب کاهش کسری تجاری آمریکا با کشورهای آسیایی می‌شود.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اگر این تصمیمات به نفع مردم آمریکا و اروپایی‌ها نیست پس به نفع کیست؟ نگاهی به اخبار نشان می‌دهد که شرکت‌ها و کمپانی‌های حامی ترامپ و جریان جمهوریخواه بیش از همه در این باره سود می‌برند که بیشتر صاحبان صنایع بزرگ مانند فولاد هستند یا در بخش نفت و گاز سرمایه‌گذارهای بزرگی هستند. در حالی که بعد از تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا قیمت نفت افزایش یافته، به نظر می‌رسد که صادرکنندگان گاز آمریکا نیز از این افزایش قیمت‌ها بی‌بهره نخواهند ماند. بلومبرگ، به گفته شرکت تودور پیکرینگ هولت، در این باره نوشته است: تأمین گاز به قیمت‌های



چرا رهبری اصرار دارند فلسطین کماکان مسئله اول اسلام باشد؟



دکتر حسین آجرلو
دکترای روابط بین الملل از دانشگاه
اسلامی بیروت لبنان



رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی خود در سالگرد حضرت امام خمینی (ره) در چهارده خرداد ۱۳۹۴ تأکید کردند که «هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرفدار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضع گیری ای است که امام به صراحت انجام می داد و این یکی از خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مسئله فلسطین برای ما یک مسئله اصلی است؛ این راهمه بدانند. مسئله فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد. مسئله فلسطین، عرصه ی یک مجاهدت واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه ای ما را از مسئله ی فلسطین جدا نمی کند. ممکن است کسانی در صحنه ی فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آن ها جدا است اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تأیید و حمایت ما هستند.» [۱]

با نگاهی به بیانات ایشان، قضیه فلسطین با وجود تهدیدات جدی در جهان اسلام همچنان باید در اولویت جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام قرار گیرد زیرا این امر ریشه در زیاده خواهی ایدئولوژیک صهیونیسم و مجری آن یعنی اسرائیل است. ریشه این مخالفت سرسختانه در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی در قبال بنیان فکری صهیونیسم باید جستجو کرد، ایشان صهیونیسم را به دلیل انحراف آن زمینه ساز مفاسد و مشکلاتی می داند، که هر یک موجب ایجاد بحران در جهان اسلام و زمینه ساز بحران هایی همچون بروز خطر گروه های تکفیری، جنگ های خونین نیابتی و دخالت خارجی می شود. به عقیده رهبر انقلاب اسلامی، جریان صهیونیسم تحت شرایط بحرانی ظهور یافت، نگاهی به سایر اقوام، نژادها و ملت ها نگاه خاص است و به مبانی عقلی و کلامی الهی بی توجه است. از نظر ایشان، صهیونیست ها بنا به ایدئولوژی خود نگاهی کاملاً تکلیف گرا و تبعیت گرا داشته و از درک حق مدار بودن انسان، چه به اعتبار یهودیت اصیل و سایر ادیان الهی و چه به اعتبار دولتی مقبول در نظام بین الملل، بی اعتنا هستند.

در این شرایط جهان اسلام با یک جریان بسیار پیچیده روبرو است، که در بستری از توهم، خودشیفتگی منافع ایدئولوژیک خود را دنبال می کند، که این امر خطری برای بشریت محسوب می شود. رهبران انقلاب اسلامی با درک این خطر جهانی، سعی در گوشزد کردن این خطر نه فقط به مردم فلسطین و اعراب، بلکه به جهانیان داشتند. به طوری که مقام معظم رهبری در جایی بیان می کند: «فلسطین، مسئله اول در میان همه ی موضوعات مشترک کشورهای اسلامی است... اول اینکه یک کشور مسلمان، غصب و توسط بیگانگانی که از کشور های گوناگون گردآوری شده و جامعه ای جعلی و موزاییکی تشکیل داده اند، مصادره شده است... دوم اینکه این حادثه به صورت بی سابقه ای در تاریخ، با کشتار و جنایت و ظلم و اهانت مستمر انجام گرفته است. سوم آنکه قبیله ی اول مسلمانان و بسیاری از مراکز محترم دینی که در این کشور قرار دارد، به تخریب و توهین و زوال تهدید شده است. چهارم آنکه این دولت و جامعه ی جعلی در حساس ترین نقطه ی جهان اسلام، از آغاز تاکنون، نقش یک پایگاه نظامی، امنیتی و سیاسی را برای دولت های استبدادی بازی کرده و محور غرب استعماری که به علل گوناگون، دشمن اتحاد و اعتلاء و پیشرفت کشورهای اسلامی است، از آن همواره چون خنجر در پهلو ی امت اسلامی استفاده کرده است. پنجم آنکه صهیونیسم که خطر اخلاقی و سیاسی و اقتصادی بزرگی برای جامعه ی بشری است، این جای بار اوسیله و نقطه ی اتکائی برای گسترش نفوذ و سلطه ی خود در جهان قرار داده است.» [۲]

همان طور که مشاهده شد رهبر معظم انقلاب در علل متعدد اولویت قضیه فلسطین به مواردی اشاره کردند که برخی از محور های اساسی آن عبارت اند از:

موضوع ظلم

در تاریخ معاصر تحولی بزرگ در جهان روی داد که آن تحول انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بود. انقلاب اسلامی دارای اهداف بلند و گفتمان های ارزشمندی بود که از جمله آن می توان به استقلال طلبی، اسلام سیاسی، استبداد ستیزی و ظلم ستیزی اشاره کرد. یکی گفتمان های اصلی این انقلاب، ظلم ستیزی چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی است. ظلم ستیزی در سطح داخلی جلوگیری از ظلم به مظلومان به وسیله صاحبان قدرت و در سطح خارجی مبارزه با ظالمان که حقوق دیگر ملت ها را نادیده می گیرند، است. در همین راستا به سرانجام رساندن قضیه فلسطین و مبارزه با صهیونیسم از شعار های اصلی آن محسوب می شود. قضیه فلسطین در یک قرن اخیر به نماد ظلم یک ایدئولوژی توسعه طلب و

نگاهی به مسئله فلسطین

پی نوشت ها:

[۱]. سید علی خامنه‌ای، «بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، چهاردهم خرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?tid=29914>.

[۲]. سید علی خامنه‌ای، «بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، نهم مهر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?tid=17401>.

[۳]. مهدی نظر پور، «فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه پیام، شماره ۷۸، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۰۹.

[۴]. سید محمد کاظم سجادی پور، سید روح الله حاج زکریا و حسین آجولو، «سیاست جغرافیایی و توسعه طلبی: شهر کساری در اراضی اشغالی»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره دوم، شماره مسلسل هشت، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۱۷.

[۵]. See: Bear F. Braumoeiler, The Great Powers and the International System: Systemic Theory in Empirical Perspective (Cambridge Studies in International Relations), New York, NY: Cambridge University Press, 2013.

[۶]. سید علی خامنه‌ای، «بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سر دوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، دوازدهم مهر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?tid=24132>.

[۷]. سید علی خامنه‌ای، «پیام به حجاج بیت‌الاحرام»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، هشتم مهر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?tid=27793>.

[۸]. ر.ک: رضا سلیمانی، «آشفته‌گی معنایی تروریسم در گفتار علم و سیاسی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۶.

[۹]. داود فیر خا و صمد ظهیری، «تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده‌ی تروریسم»، فصلنامه سیاست، دوره ۲۸، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۴۸.

State Terrorism [۱۰].

[۱۱]. غلامحسین هادوان، «مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن»، فصلنامه مصباح، سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۱.

[۱۲]. سید علی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?tid=29736>.

مذاهب مختلف امری مذموم و خطری برای اسلام است. ایشان بر این عقیده بود که صهیونیسم و اسرائیل برای دستیابی به اهداف خود به دنبال ایجاد تفرقه بین طوایف و اقوام موجود در جهان اسلام است. مقام معظم رهبری در این مورد بیان می‌دارد: «امروز از جمله‌ی این موضوعات مهم و دارای اولویت، مسئله‌ی اتحاد مسلمانان و گشودن گره‌های فاصله‌افکن میان بخش‌های امت اسلامی است... دست‌های پلید سیاست‌های استعماری از دیر باز تفرقه‌افکنی را برای تأمین مقاصد شوم خود در دستور کار داشته‌اند... دشمن مکار بر آن است که با افروختن آتش جنگ‌های خانگی میان مسلمانان، انگیزه‌های مقاومت و مجاهدت را در آنان به انحراف کشانده، رژیم صهیونیستی و کارگزاران استکبار را که دشمنان حقیقی‌اند، در حاشیه‌ی امن قرار دهد. راه‌اندازی گروه‌های تروریستی تکفیری و امثال آن در کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا ناشی از این سیاست غدارانه است. این هشدار می‌باشد که به همه‌ی ما است که مسئله‌ی اتحاد مسلمین را امروز در صدر وظایف ملی و بین‌المللی خود بشماریم.» [۷]

منطق ترور

بی تردید تروریسم یکی از جدی‌ترین تهدیدها در محیط امنیت ملی و بین‌المللی به‌شمار می‌رود، که ضربه‌های بسیار سنگینی را متوجه کشورهای کرده‌است. به دلیل ناتوانی جامعه بین‌المللی بر سر اجماع در تعریف واحد از مفهوم تروریسم، این امر دستخوش منافع سیاسی در تعریف‌های متفاوت آن شده است. به‌طوری‌که تعاریف متفاوت هر باز یگر از منافع و امنیت ملی موجب بر خور دو گانه با این پدیده خطرناک شده است. برخی از دولت‌ها بر اساس منافع خود اقدامات تروریستی را دفاع مشروع و در برخی مواقع تروریسم را با اقدامات مشروع و قانونی یکی می‌دانند. ولی آنچه در همه تعاریف یکسان بوده، این است که اقدامی خشونت آمیز برای دستیابی به اهداف خاص است. [۹]

بسیاری از عملیات تروریستی توسط گروه‌های غیردولتی انجام می‌شود، با این حال برخی دولت‌ها برای دستیابی به اهداف خود، اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند که می‌توان به تروریسم دولتی [۱۰] اسرائیل اشاره کرد. «تروریسم دولتی به تروریسمی اطلاق می‌شود که دولت، هدایت ترور را بر عهده می‌گیرد، برای آن سازمان در نظر می‌گیرد، هزینه‌هایش را می‌پردازد، به افراد تعلیمات نظامی می‌دهد و آن‌ها را در درون جامعه و هم در بیرون جامعه هدایت می‌کند.» [۱۱] تقویت گروه‌های تروریستی و ترور نخبگان سیاسی، نظامی، امنیتی و علمی در کشورهای اسلامی از اقدامات غیر قابل انکار دولت اسرائیل در چند دهه اخیر بوده است. رهبر انقلاب اسلامی صهیونیست‌ها را عامل اصلی پدیده تروریسم در منطقه معرفی و تصریح کرده است «ما در داخل کشور خودمان، در عراق، در سوریه، در لبنان با کسانی که علیه تروریسم می‌جنگیدند همکاری کردیم، کمکشان کردیم، باز هم می‌کنیم؛ ما مقابل تروریسم هستیم. خطرناک‌ترین و خبیث‌ترین تروریست‌های این منطقه صهیونیست‌ها هستند؛ ما با صهیونیست‌ها مواجهیم و مقابلیم.» [۱۲]

فرجام سخن

در جمع‌بندی مطالب فوق باید گفت با توجه به روندی که از این رژیم، در این چند دهه اخیر شاهد بودیم، اشغال سرزمین فلسطین را شاید بتوان، اولین قدم جدی آن برای اجرای اهداف توسعه طلبانه دانست، که با اشغال بخش‌هایی از سرزمین‌های عربی و اسلامی، اقدامات نظامی در مناطق مختلف جهان اسلام و ترور نخبگان علمی و سیاسی کشورهای منطقه این روند را ادامه داده است. از نظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به عنوان رهبران انقلاب اسلامی، اقدامات نادرست اسرائیل جز لاینفک تاریخ این رژیم است، که جهان اسلام برای مصون ماندن از خطرات آن می‌بایست همواره هوشیاری خود را در مقابل آن حفظ نموده و این موضوع را از اولویت‌های خود خارج نکنند. [۱۳]

نژاد پرست صهیونیسم، به یک ملت و سرزمین تبدیل شده و موجب آوارگی میلیون‌ها انسان از سرزمین خود یعنی فلسطین شده است. در همین راستا حضرت امام خمینی فرمودند: «هیچ امری را بر مسلمانان واجب‌تر از این نمی‌دانم که با جان و مال خویش، هنگامی که می‌بیند خون‌های برادران و خواهران بی‌گناه شما در سرزمین‌ها مقدس فلسطین جاری است و هنگامی که مشاهده می‌کنید سرزمین‌های ما (اسلام) به دست صهیونیست‌های تبهکار، ویران گشته، در این شرایط هیچ راهی جز ادامه جهاد نمی‌ماند، بر همه‌ی مسلمانان واجب است که کمک‌های مادی و معنوی خود را در این جهاد مقدس صرف کنند و خداوند پشتیبان این اراده است.» [۳]

همین ظلم زمینه‌ساز بروز قیام بین‌مظلومین می‌شود و اگر این قیام به انحراف کشیده شود موجب مشکلات که امروز جهان اسلام با آن درگیر است، می‌شود. به‌طوری‌که برخی آوارگان فلسطینی به‌جای راهی شدن به جنگ با اسرائیل، راهی جنگ در کشورهای اسلامی می‌شوند.

توسعه طلبی

وجود یک اندیشه و ایدئولوژی وحدت بخش زمینه‌ساز توسعه طلبی یک کشور یا جریان قومی و ملی است. یک اندیشه نافذ در توسعه طلبی معمولاً از نظرات، اعتقادات و نگرش‌های وحدت بخش و تجدیدنظر طلبانه یک نژاد یا گروه اجتماعی غالب در یک ملت ایجاد می‌شود. این امر در مورد اسرائیل پیش از تشکیل و ایجاد آن وجود داشته و بعد از استقلال آن نیز همواره تداوم داشته است و این اندیشه وحدت بخش و تجدیدنظر طلبانه همان اندیشه صهیونیسم است. [۴] رهبر انقلاب اسلامی با درک صحیح توسعه طلبی مداوم اندیشه صهیونیسم در قالب اشغالگری، ایجاد فضای امنیتی و منطقه نفوذ، همواره نسبت به آن هشدار می‌دهند.

مورد حمایت قدرت‌های بزرگ

تحولات در یک منطقه کم یا زیاد تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ است. در عرصه بین‌المللی نقطه نظر این قدرت‌ها نسبت به یک باز یگر جزء امور پراهمیت محسوب می‌شود. همین دیدگاه منجر به اتخاذ سیاست حمایت یا مقابله از یک کشور یا جریان از سوی قدرت‌های بزرگ می‌شود و همین سیاست‌ها می‌تواند آن کشور یا جریان را به رسیدن به اهداف خود نزدیک و یا اینکه موجب تضعیف آن گردد. [۵] از نظر رهبر انقلاب اسلامی قدرت‌های بزرگ و استعماری باعث به وجود آمدن صهیونیسم و در پی آن اسرائیل بوده‌اند و این قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده آمریکا همواره از صهیونیسم و اسرائیل حمایت می‌کنند به‌طوری‌که به نظر می‌رسد در خدمت آن‌ها هستند، ایشان در تبیین این امر بیان می‌کنند: «ما دولت ایالات متحده آمریکا را دولتی غیر قابل اعتماد میدانیم؛ دولتی خود برترین، دولتی غیر منطقی و عهد شکن، دولتی سخت در پنجه‌ی تصرف و اقتدار شبکه‌ی صهیونیسم بین‌المللی - که به خاطر رعایت خواسته‌ها و منافع نامشروع شبکه‌ی صهیونیستی بین‌المللی مجبورند با رژیم غاصب و جعلی اشغال کننده‌ی فلسطین مماشاسات کنند، در مقابل او نرمش نشان بدهند.» [۶] به سرانجام رساندن قضیه فلسطین و مبارزه با صهیونیسم از شعارهای اصلی آن محسوب می‌شود. قضیه فلسطین در یک قرن اخیر به نماد ظلم یک ایدئولوژی توسعه طلب و نژاد پرست صهیونیسم، به یک ملت و سرزمین تبدیل شده و موجب آوارگی میلیون‌ها انسان از سرزمین خود یعنی فلسطین شده است.

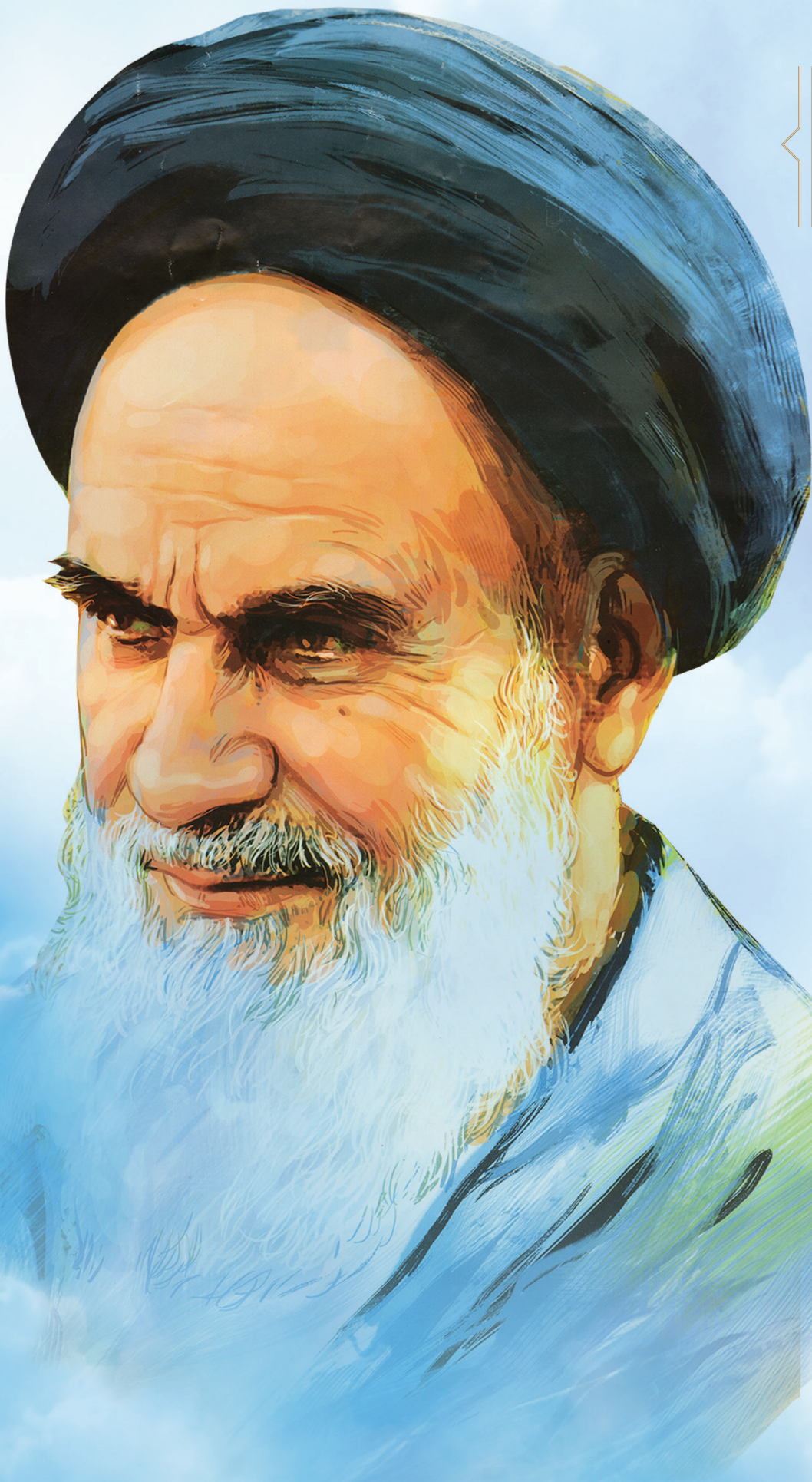
تفرقه افکنی

از نظر رهبر انقلاب اسلامی، وحدت مذاهب اسلامی در اعتقاد به توحید و احیای ارزش‌های اخلاقی، تعامل سازنده بین مذاهب امری پسندیده و در جهت صلح بین مردم است و هر نوع تفرقه افکنی بین



هیات

بیات زندگان اسلام
ماهنامه فرهنگی - مذهبی



شماره ۱۲۱
اردیبهشت ۱۳۹۶

۷۰

**همراه با خاطرات بزرگمردی
که همه لحظه‌های عمرش درس
زندگی است به مناسبت ۱۴ خرداد**

بزرگواران

کمک به خانواده

همکاری در نگهداری از بچه‌ها

احترام به دیگر اعضای خانواده و نیز کمک به آن‌ها در امور منزل، از رفتارهای انسانی‌ای بود که در زندگی بسیاری از بزرگان از جمله امام خمینی (ره) به خوبی نمود دارد. «فاطمه طباطبائی»، عروس حضرت امام (ره) از قول همسر امام (ره) می‌گوید «خانم می‌گفتند چون بچه‌ها شب تا صبح گریه می‌کردند و ایشان مجبور بودند تا صبح بیدار بمانند، امام (ره) نگهداری از بچه‌ها در شب را تقسیم کرده بودند. به عنوان مثال دو ساعت ایشان بچه را ساکت می‌کردند و خانم می‌خوابیدند و بعد دو ساعت خودشان می‌خوابیدند و خانم بچه را نگه می‌داشتند. البته روزها که مشغول درس و بحث بودند، فرصتی برای نگهداری بچه‌ها نداشتند.» خانم دباغ هم در این باره می‌گوید: «روزی تعداد مهمانان منزل امام (ره) زیاد شدند، پس از صرف غذا ظرف‌ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. بازها - دختر آقای اشراقی - آماده می‌شدیم که ظرف‌ها را بشوئیم که متوجه شدم امام (ره) به آشپزخانه آمدند. از زهره پرسیدم حاج آقایاب به آشپزخانه آمده‌اند؟ زیرا وقت وضو نبود؛ اما امام آستین‌هایشان را بالا زده بود و فرمودند چون ظرف‌های امروز زیاد است، آمده‌ام کمک‌تان کنم. بدنم شروع به لرزیدن کرد. به زهره گفتم تو را به خدا از امام (ره) خواهش کنی که ایشان تشریف ببرند. خود ما ظرف‌ها را می‌شوئیم.»

همسایه‌داری

همسایه و مستأجر قابل اعتماد

امام (ره) بیشتر از چهار ماه در فرانسه نبودند، اما ایشان همیشه از مردم نوفل لوشاتو به خوبی یاد می‌کردند. آن‌طور که باران امام (ره) تعریف می‌کنند، ایشان شب سال نوی مسیحی هدایایی برای همه همسایه‌ها هدیه فرستاد و به آن‌ها سال نو را تبریک گفت. رفتار قانونمند امام (ره) موجب شده بود همسایه‌ها با همه سختی‌هایی که در اثر ازدحام جمعیت در محله‌شان به وجود آمده بود، هیچ‌گاه اعتراضی نکنند. می‌گویند روزی از امام (ره) اجازه خواستند تا برای تهیه گوشت، گوسفندی را در منزل ذبح کنند، اما امام (ره) فرمودند چون در قوانین فرانسه ذبح گوسفند در منازل ممنوع است، این کار را انجام ندهید. رهبر سیاسی و دینی انقلاب نه تنها همسایه خوب، بلکه مستأجر قابل اعتمادی هم بود. از «محمد حسین رحیمیان» خاطره‌ای در این باره در کتاب «سایه آفتاب» چاپ شده است: «روزی برای تأمین نور کافی و مناسب که برای فیلمبرداری از برخی ملاقات‌های رسمی مورد نیاز بود، سه نقطه از گچ سقف اتاق را هر یک به مساحت ۵ در ۵ سانتی‌متر زیر آهن تراشیده بودند تا نورافکن‌ها را به آن جوش دهند. صبح فردا، هنگامی که طبق معمول خدمت امام (ره) رسیدیم، قبل از هر چیزی با لحن خشن و تند و چهره‌ای ناراحت گفتند چرا بدون اجازه صاحبخانه این تصرفات را می‌کنند. با این برخورد تند جرأت ادامه کار سلب شد.»

برای تمام ساعات زندگی‌اش برنامه داشت، دقیق و منظم. از مطالعه، عبادت، دعا و نیایش، استراحت و اوقات فراغت گرفته تا ملاقات با مردم، رسیدگی به امور مسلمانان جهان و ارتباط با شخصیت‌های داخلی و خارجی. شاید کسی باورش نشود سیاسی‌ترین رهبر قرن بیستم، آن‌قدر حساب شده و قتش را تنظیم کرده بود که حتی در کار خانه هم به همسر و دخترهایش کمک می‌کرد. شخصیت بی‌بدیلی که با سیره عملی خود نشان داد از لحظه، لحظه‌های عمرش به خوبی بهره برده است. اگر می‌خواهید درباره بعضی از ویژگی‌های اخلاقی امام (ره) بیشتر بدانید، در این گزارش با ما همراه شوید.



عبادت

راز و نیازهای شبانه

امام (ره) علاوه بر اینکه سیاسی ترین رهبر قرن بیستم بود در عبادت و پارسایی هم نظیر نداشت. «صدیقه مصطفوی»، دختر امام (ره) در این باره می گوید: «یادم می آید از دوران کودکی کم خواب بودم. چندین بار نیمه های شب بیدار می شدم و مکرر نماز شب آقا را می دیدم. از خود می پرسیدم: چرا آقا در هنگام شب این قدر گریه می کند. خیلی از شب ها مهتاب بود و در پرورشنایی نور اشک چشم آقا را مشاهده می کردم و این وضع برای من که طفلی بیش نبودم، تعجب انگیز بود. در دورانی هم که به نجف می رفتم و بچه های کوچک داشتم و شب ها بیدار می شدم، آقا در اتاقشان که روبه روی محل اقامت ما بود، در ایوان کوچکی نماز شب می خواندند و من احساس می کردم برای اینکه صدایشان را نشنویم گریه شب شان را با بلند گویی که مناجات پخش می کرد تطبیق می دادند، ولی من چون بیدار بودم صدای گریه آقا را می شنیدم.» برخی خویشاوندان که از پانزده سالگی با امام (ره) بودند، تعریف می کردند که ایشان از دوران نوجوانی با یک چراغ موشی کوچک به قسمتی از خانه که هیچ کس بیدار نشود، می رفتند و نماز شب می خواندند، همسر امام (ره) می گفت حتی چراغ دستشویی را روشن نمی کردند تا کسی بیدار نشود، هنگام وضوی نماز شب یک ابر زیر شیر آب می گذاشت تا صدای چکه و ریزش آب موجب بیدار شدن کسی نشود.

عبادت

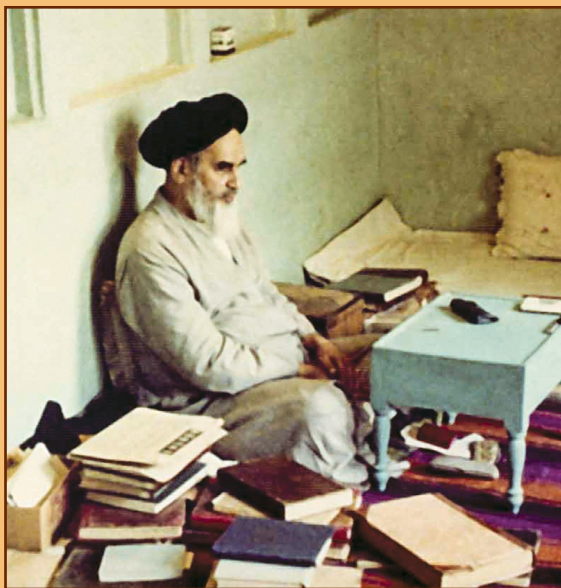


آراستگی

بهترین عطرها را انتخاب می کرد

نزدیکان امام (ره) درباره اهمیت و توجه ایشان به ظاهر و آراستگی حرف های بسیاری برای گفتن دارند: «امام (ره) همیشه و در هر شرایطی که بودند تمایل داشت صورتی آراسته و سیمایی تمیز و مرتب داشته باشند. در نجف وقتی می خواستند به حرم مشرف شوند به کفش های خود دستمال می کشیدند، جلوی آینه محاسن خود را شانه می زدند، سپس عطر استعمال می کردند، هنگامی که از کوچه ای عبور می کردند رایحه عطر امام (ره) در آن مسیر مشام ها را نوازش می داد.» دختر امام (ره) می گوید: «وقتی وارد اتاق آقا می شدیم، فضای آن معطر بود، همه نوع عطری مصرف می کردند. در نجف وقتی از مسجد یا بارگاه مطهر باز می گشتند و به دلیل گر می شدید هوا خیس عرق می شدند، لباس خود را تعویض می کردند. هنگام مشرف شدن به حرم نیز خود را معطر می ساختند.» در کتاب «برداشت های از سیره امام خمینی (ره)» به نقل از یکی دیگر از نزدیکان ایشان نوشته شده است: «امام نمونه کامل ساده زیستی، قناعت و صرفه جویی در استفاده از امکانات زندگی بودند؛ ولی همیشه فضای محیط زندگی، اتفاق کار و محل عبادت و خواب ایشان، از بوی دل انگیز عطرهای بسیار خوشبو، آکنده بود. وقتی دوستان امام (ره) از دور و نزدیک، انواع عطرهای داخلی و خارجی را به ایشان اهدا می کردند، امام (ره) تنها در این زمینه بود که با ذوق سرشار و زیبا پسند خود، بهترین ها را انتخاب می کرد.»

اوقات فراغت



ورزش

یک ساعت و نیم پیاده روی

در کتاب «پا به پای آفتاب» به نقل از یکی از نزدیکان بنیانگذار انقلاب نوشته شده: «امام (ره) ورزش را دوست داشت؛ ولی رشته خاصی را ترجیح نمی داد؛ شاید بشود گفت که به کشتی و ورزش باستانی، بیشتر علاقه داشت؛ ولی ژیمناستیک، بیشتر از سایر ورزش ها، نظر ایشان را جلب می کرد. در پرس طول و ارتفاع، خودش در کودکی تمرین می کرد و دودست و یک پای او بر اثر همین ورزش، شکسته بود. بیش از ده جای سر و چند جای پیشانی وی نیز شکستگی داشت. امام تا همین اواخر روزی یک ساعت و نیم پیاده روی می کرد و حرکات های ورزشی را به راحتی انجام می داد.»

در کتاب برداشت هایی از سیره امام خمینی (ره) آمده است: «وقتی امام (ره) در اوایل انقلاب از تهران به قم رفت، قشرهای مختلف به دیدار ایشان می آمدند. روزی عده ای از کشتی گیران با بدن های ورزشی و پیراهن های آستین کوتاه، خدمت امام (ره) رسیدند. امام آن ها را مورد تفقد خاصی قرار داد و با سخنانی درباره اهمیت ورزش و اینکه عقل سالم در بدن سالم است، اجازه داد تا ورزشکاران هم اظهار نظر کنند. امام (ره) در این دیدار، با خنده به ورزشکاران گفت من از این بازوهای شما خوشم می آید.»

اوقات فراغت

قدم زدن در هوای آزاد

شاید خیلی ها فکر می کنند سیاستمدار بزرگی که از جوانی پا به عرصه مبارزاتی گذاشته است، به اوقات فراغت توجه چندانی نداشته، اما خاطرات نزدیکان امام خمینی (ره) حقیقت دیگری را بیان می کند. شهید محلاتی در کتاب ۱۵ خرداد نقل کرده است: «امام (ره) در جوانی طلبه خشکی نبودند که همیشه روزه بگیرند، ذکر بگویند، نهند و تفریح نکنند، بلکه اوقات فراغت هم داشتند. به عنوان مثال شب های پنجشنبه دور هم جمع می شدند تا یک کبابی بخورند یا در مدرسه کته ای درست کنند.» پیاده روی و قدم زدن امام (ره) مشهور است و از روزهای جوانی آن را ترک نمی کردند. می گویند در دوران جوانی بیشتر روزها همراه دوستانش قدم زنان به سوی باغ های اطراف قم می رفتند و علاوه بر تفریح سالم و نشاط بخش، با یکدیگر مباحثه می کردند. در واقع از هر فرصتی استفاده می کردند تا از هوای آزاد و سالم بهره ببرند. در آن ایام همه می دانستند که حاج آقا روح الله هر روز صبح زود بعد از اقامه نماز و تعقیبات تا طلوع آفتاب کنار خانه خود یا در زمین های پشت باغ مشغول قدم زدن هستند. خانه امام (ره) در محله یخچال قاضی قم واقع بود که در مجاورت آن باغ انار و انجیر قرار داشت. ایشان پس از کسب اجازه از صاحب باغ صبح ها، تابستان و زمستان، در این باغ قدم می زد.

لباس پوشیدن

عبای مشکی و جوراب سفید

در کتاب سرگذشت های ویژه امام خمینی (ره) درباره لباس پوشیدن رهبر بزرگ انقلاب اینگونه نوشته شده است: «لباسشان علاوه بر سادگی و پاکیزگی تمیز بود و در جوراب های ایشان اثری از سیاهی و بوی عرق دیده نمی شد. با اینکه تمام محیط زندگی و فرش های ساده امام (ره) تمیز بود، ولی همیشه با دمپایی روی فرش راه می رفتند.» در همین کتاب در جای دیگر نوشته شده است: «در سال هایی که امام (ره) در قم بسر می بردند، یک عبا مشکی رشتی داشتند که در تابستان و زمستان می پوشیدند، ولی خیلی خوب از آن مراقبت می کردند. البته لباس امام (ره) از نظر جنس و کیفیت چندان خوب نبود و مواظب بودند برای تهیه آن پول کمتری مصرف شود، ولی از نظر نظافت و پاکیزگی در اوج بود.» یکی از پزشکان گفته است «برای انجام خدمات درمانی خدمت امام رسیدم. مشغول کار بودم که قطعه ای پارچه ای را مشاهده کردم که خیلی منظم و مرتب تا شده کنار ایشان قرار داشت. نخست نفهمیدم چیست و تنها وقتی آقا داشتند جوراب خود را پا می کردند، متوجه شدم آن پارچه تمیز جوراب حضرت است که یکی از لنگه های آن وصله خورده بود، اما نظافت و پاکیزگی فوق العاده ای داشت.» و این، دسیته توری بود که از سیره نبوی و سایر معصومین گرفته بود و به آن عمیقاً پایبند بود.



در یک حدیث قدسی خداوند به پیامبر خود می‌فرماید: «ای محمد اگر تو نبودی، من افلاک را خلق نمی‌کردم، و اگر علی نبود تو را هم خلق نمی‌کردم» خداوند در ادامه می‌گوید: «لولا فاطمه لما خلقتکما» یعنی اگر فاطمه نبود، من شما دو نفر را نیز خلق نمی‌کردم. طبق این حدیث حضرت زهرا یکی از مهم‌ترین اهداف خلقت است؛ حال چنین شخصیتی باید از مادری متولد شود که خود روحی بزرگ و قدرتمند داشته باشد.



تولد و زندگانی

پانزده سال قبل از عام الفیل و شصت و هشت سال قبل از هجرت پیامبر در شهر مکه، بانویی دیده‌به‌جهان گشود که شاید کسی نمی‌دانست قرار است در آینده شریک زندگی آخرین پیامبر و یار و یاور او در راه پیروزی دین خدا شود. آری حضرت خدیجه (ع.ا.س) دختر «خوید ابن اسد» و «فاطمه دختر زائدة بن الاصم» همان یار بی‌همتای پیامبر می‌باشد. پدر و مادر خدیجه با چند واسطه به «لوی بن غالب» می‌رسد. لوی بن غالب جدّ اعلام رسول خدا است. همچنین مادر مادر خدیجه «هاله» دختر عبدمناف از اجداد پیامبر اسلام است. بنابراین حضرت خدیجه (ع.ا.س) هم از طرف پدر و هم از سوی مادرش با پیامبر اسلام هم‌نسب می‌باشد.



زندگانی حضرت خدیجه قبل از ازدواج

درباره زندگانی حضرت خدیجه (ع.ا.س) قبل از آمدن اسلام و در حقیقت قبل از ازدواج ایشان با پیامبر، منابع معتبری در صفحات تاریخ ذکر نشده است اما نقطه ابهام و سوال بر انگیز زندگی حضرت خدیجه (ع.ا.س) این است که آیا ایشان قبل از پیامبر با کسی دیگر ازدواج کرده بودند و یا تا زمان ازدواج با پیامبر مجرد و باکره بوده‌اند که در ادامه به طرح این موضوع می‌پردازیم. اولین کسی که برخی از مورخین ادعا کرده‌اند حضرت خدیجه (ع.ا.س) با وی ازدواج کرد، «ابی هاله هند بن زراره تمیمی» می‌باشد و عتیق بن عائذ مخزومی را به عنوان شوهر دوم ایشان ذکر می‌کنند که حضرت پس از فوت شوهر اولش با او ازدواج کرده است. حضرت خدیجه (ع.ا.س) پس از اینکه شوهر دوم خود را نیز از دست داد بخاطر ثروت بسیار و کمالات دیگری که داشت خواستگاران زیادی پیدا کرد چنانچه در برخی از روایات آمده که عقبه بن ابی معیطو صلت بن ابی اهاب و ابو جهل و ابو سفیان از او خواستگاری کرده و او همه را رد کرد.

اما بسیاری از اندیشمندان تاریخی از دواج‌های حضرت خدیجه (ع.ا.س) را از بدعت‌های تاریخی می‌شمارند و ادعا می‌کنند ایشان در حالی که باکره بوده است با پیامبر ازدواج می‌کند. ابو القاسم اسماعیل بن محمد اصفهانی از دانشمندان اهل سنت در این باره تصریح می‌کند که حضرت خدیجه سلام الله علیها، باکره بوده است، وی در کتابش می‌نویسد: «و کانت خدیجة امرأة باکره ذات شرف و مال کثیر و تجارة تبعث بها إلى الشام فتکون غیرها کامة غیر قریش»: «حضرت خدیجه، زنی باکره، دارای اعتبار و مال بسیاری بود، کاروان تجاری‌اش را به سوی شام می‌فرستاد و کاروان او به اندازه تمام کاروان قریش بود.»

بانویی که با ثروت و رشادتش اسلام را حیات بخشید



پیامبر اکرم آخرین پیامبر سلسله انبیا با مجاهدت‌های فراوان دین اسلام را به جهانیان عرضه کرد. اما قطعا این کار بزرگ با تلاش یک نفر به ارمان نمی‌رسد و کسانی بودند در کنار ایشان که با یاری کردن پیامبر و ایستادن در کنار او حتی به قیمت جان خود، نهال اسلام را از همه خطرات حفظ کردند. یکی از آن شخصیت‌ها، حضرت ام‌المومنین حضرت خدیجه کبری (ع.ا.س) است. اولین زنی که ایمان به اسلام آورد و همه زندگی خود را وقف اسلام و پیامبرش کرد و امروز وظیفه ما این است که مقام رفیع این بانوی مکرمه را تکریم کنیم و با معرفت نسبت به او و فضایل ایشان قدر دان زحمات این بانوی با وقار باشیم.





ثروت حضرت خدیجه علیها السلام در آن دوران زبانزد خاص و عام بود. مورخان بخشی از ثروت خدیجه را بدین ترتیب شمرده‌اند: هزاران شتر که اموال تجار تی او را حمل می‌کردند. چهار صد غلام و کنیز که خدمات ارجاعی او را انجام می‌دادند. پس از ازدواج با پیامبر اکرم، خدیجه تمامی این ثروت را در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داد و عرض کرد: «البیت بیتک و انا اماتک؛ خانه تو و من هم کنیز تو هستم.»



خدیجه کبری در آینه آیات قرآن

در بسیاری از روایات مفسر قرآن نام حضرت خدیجه ذکر شده است که نشان از ارج و قرب این بانوی مکرمه نزد خداوند دارد. در اینجا به عنوان نمونه به دو آیه اشاره می‌کنیم:

* آیه اول:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (۶)

آن‌ها کسانی هستند که می‌گویند: «پروردگارا از همسران و فرزندان ما، مایه‌ی روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما!»، حاکم حسکاتی از قرآن پژوهان نامدار اهل تسنن در این مورد آورده است که پیامبر گرمی در تفسیر این آیه فرمود: «پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: منظور از «ازواجنا» کیست؟ پاسخ داد: خدیجه علیها السلام است؛ و «ذریاتنا» فاطمه علیها السلام و دو نور دیده‌اش حسن و حسین علیهما السلام هستند و در جمله: «واجعلنا للمتقين إماما» منظور حضرت علی علیه السلام است. (۷) مرحوم «فیض کاشانی» در تائیل همین آیه می‌نویسد: «منظور از آن، مقام والای رسالت، قرآن شریف و یار و مشاور پسر اخلاص پیامبر، حضرت خدیجه علیها السلام است که نسل سزاوار صلی الله علیه و آله از او است. (۸)

* آیه دوم:

«أَلَمْ يَجِدْ كَيْمًا قَاوِيًّا وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ» (۹)

آیا تو را یتیم نیافت و سپس پناه داد؟ و تو را گمشده هدایت یافت و هدایت کرد؛ و تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود. مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در تفسیر این آیات می‌نویسد: بدان دلیل آن حضرت «یتیم» خوانده شد که در کران تا کران هستی بی‌نظیر و تک نسخه است؛ چرا که این واژه به مفهوم بی‌همانند آمده است. به همین جهت خدا با اشاره به نعمتهای گرانسبزه او می‌پرسد: آیا خدایت تو را تک نسخه و بی‌همانند نیافت؛ و پناه داد و برتری و شکوه تو را به مردم شناساند و تو را بلند آوازه ساخت؟ و تو را تنگدست یافت، و به وسیلهی ثروت هنگفت حضرت خدیجه علیها السلام بی‌نیاز گردانید.

موقع دو ساله بود.

■ زینب دختر بزرگ رسول خدا که بعد از قاسم در سی سالگی رسول خدا تولد یافت، و پیش از اسلام به ازدواج پسر خاله خود «ابو العاص بن ربیع» درآمد و پس از جنگ بدر به مدینه هجرت کرد و در سال هشتم هجرت در مدینه وفات یافت.

■ رقیه که پیش از اسلام و بعد از زینب، در مکه تولد یافت و پیش از اسلام به عقد «عتیبه بن ابی لهب» درآمد و پس از نزول سوره «تبت یدا ابی لهب» و پیش از عروسی به دستور ابو لهب و همسرش «ام جميل» از وی جدا گشت. و سپس به عقد «عثمان بن عفان» درآمد و در هجرت اول مسلمین به حبشه با وی هجرت کرد.

■ ام کلثوم که نیز در مکه تولد یافت و پیش از اسلام به عقد «عتیبه بن ابی لهب» درآمد و مانند خواهرش پیش از عروسی از «عتیبه» جدا شد، و در سال سوم هجرت به ازدواج «عثمان بن عفان» درآمد، و در سال نهم هجرت وفات کرد.

■ فاطمه علیها السلام که ظاهراً در حدود پنج سال پیش از بعثت رسول خدا در مکه تولد یافت.

■ عبدالله که پس از بعثت رسول خدا در مکه متولد شد و «طیب» و «طاهر» لقب یافت. و در همان مکه وفات کرد و پس از وفات او «عاص بن وائل سهمی» رسول خدا را «اب تر» خواند.



وفات و تدفین

حضرت خدیجه علیها السلام پس از شصت و پنج سال زندگی با شرافت و فضیلت سرانجام در تاریخ دهم رمضان سال دهم بعثت و سه سال قبل از هجرت رسول خدا به مدینه به لقاء الله پیوست. در کتاب «الخصائص الفاطمیه» نقل شده: طبق روایت مشهور هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام رحلت کرد، فرشتگان رحمت از جانب خداوند کفن مخصوصی برای خدیجه نزد رسول خدا آوردند و این علاوه بر اینکه مایه برکت برای خدیجه بود، مایه تسلی خاطر رسول خدا گردید. و به این عنوان تقدیر و تجلیل‌جایی از طرف خداوند نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام به عمل آمد. پیامبر اکرم پیکر مطهر حضرت خدیجه را با آن کفن پوشانید، سپس جنازه او را با همراهان به سوی قبرستان معلی بردند تا در کنار مادرش حضرت آمنه به خاک بسپارند. در آنجا قبری برای آن بانوی مکرمه آماده کردند، رسول خدا در میان آن قبر رفت و خوابید، سپس بیرون آمد و آن گوه‌ر پاک را در آنجا به خاک سپرد.

دلیل دیگری که این افراد مطرح می‌کنند این بوده که اشراف و بزرگان بسیاری از قریش از وی خواستگاری کردند و او نمی‌پذیرفت. علاوه بر این دو شوهری که برای حضرت خدیجه ذکر کرده‌اند خوش نام یا سرمایه دار در طراز حضرت خدیجه کبری علیها السلام نبودند و این خود یک مویدی بر آن است که ایشان که از اشراف قریش بودند، با چنین افرادی ازدواج نمی‌کردند.



خواستگاری خدیجه کبری از پیامبر

وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ۲۵ سالگی رسید، ابوطالب به او گفت: من تهیدست شده‌ام و روزگار سخت شده است، اکنون کاروانی از قریش رهسپار شام می‌شود، کاش تو هم نزد خدیجه که مردانی را برای تجارت می‌فرستد، می‌رفتی و کار تجارت او را به عهده می‌گرفتی. حضرت خدیجه علیها السلام از راستگویی، امانت و اخلاق پسندیده پیامبر آگاه بیافت و در پی او فرستاد که: اگر کار تجارت مرا عهده‌دار شوی، بیش از دیگران به تو می‌پردازم و غلام خویش می‌سره را نیز برای دستیاریت می‌فرستم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله این پیشنهاد را پذیرفت و همراه می‌سره رهسپار شام شد، در این سفر بیش از سفرهای گذشته سود عایدشان شد. پس از آن که سفر تجاری شام نیز با موفقیت و امانت‌داری پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان رسید، خدیجه دلبسته آن حضرت شد و شخصی را پیش حضرت نشان فرستاد (بدون این که بگوید از طرف چه کسی آمده است) تا از میل پیامبر به ازدواج با ایشان آگاه شود. حضرت خدیجه علیها السلام وقتی که پیامبر را مایل به ازدواج دید؛ فرستاده‌ای رسمی را با این پیام نزد حضرت نشان فرستاد: «من به سبب خویشاوندی، شرف، امانت، نیک‌خویی و راست‌گویی‌ات به تو راغبم». پیامبر نیز جواب مثبت داد و به همراه ابوطالب و تعدادی از بنی هاشم به خواستگاری خدیجه رفتند.



فرزندان پیامبر از خدیجه

دکتر آیتی شش فرزند برای حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر ذکر می‌کند و درباره آن‌ها می‌نویسد: ■ قاسم که نخستین فرزند رسول خدا است، و پیش از بعثت در مکه تولد یافت، و رسول خدا به نام وی «ابو القاسم» کنیه گرفت، و نیز نخستین فرزندی است که از رسول خدا در مکه وفات یافت و در آن



میلاد مبارک



اشعاری درباره ولادت امام حسن مجتبی (علیه السلام)،
مناجات با خدا، ماجرای برجام و روز قدس

ملائکه همه امشب به سجده افتادند

کریم‌های دو عالم به نام زاده شدند
زبانزد همه‌ی خاص و عام زاده شدند
اگر که ظرف نباشد توقع می‌نیست
شراب‌ها همه از فیض جام زاده شدند
چقدر خام شدم تا مرا کمی بپزند
پیاله‌ها همه از خشت خام زاده شدند
تو امر کردی و تکوینا استجابت شد
و عاشقان تو با یک کلام زاده شدند
جواب دادن تو اشتیاق می‌آرد
سلام‌ها ز علیک السلام زاده شدند
چه خوب شد که محبان حلال زاده‌ی عشق
و دشمنان حسن هم حرام زاده شدند
حسن حسین و یقینا حسین هم حسن است
نشسته‌ام که ببینم کدام زاده شدند
همین دو تا پسر فاطمه همان اول
امام‌زاده شدند و امام زاده شدند
چقدر دور و بر تو فرشته ریخته است
بزرگ‌ها همه با احترام زاده شدند
بساط نوکری ما کنار تو پهن است
از اول ایل و تبارم غلام زاده شدند
عجیب نیست به دنبال گنبدت هستیم
کبو تران همه بالای بام زاده شدند
چه بهتر است که بشینی و سکوت کنی
که از قعود تو صدها قیام زاده شدند

ماه رمضان، ماه بندگی و مناجات با خداست. از طرفی میلاد مبارک کریم
اهل بیت، امام حسن مجتبی علیه‌السلام هم در نیمه این ماه واقع شده
است. جمعه پایانی ماه مبارک هم که روز قدس است و هر سال با راهپیمایی باشکوه
در حمایت از مردم مظلوم فلسطین برگزار می‌شود. اینجا سعی کردیم اشعاری را درباره همه
این مناسبت‌ها گردآوری کنیم چندبیتی هم می‌توانید درباره ماجرای برجام بخوانید.



اشعار مناجات با خدا



گفتم غزلی در خور نامت بنویسم
اندازه ی وسعم ز مقامت بنویسم
ای محشر امروز جهت شبیهیبارم
از قد تو فردای قیامت بنویسم
من قطره ام از عهده ی من بر نمی آید
از حضرت در یای کرامت بنویسم
لطف تو مرا پشت در خانه ات آورد
تا اینکه علیکم به سلامت بنویسم
شان تو نگنجد و از این قاب در آمد
دیدم که غزل مثنوی از آب در آمد
من ایل و تبارم سر این سفره نشستند
جمع کس و کارم سر این سفره نشستند
در باغ نگاه تو من کال رسیدم
پر سوخته بودم به پر و بال رسیدم
هم رنگ نگاه تو شده دامن دریا
آئینه زده ریشه به پیراهن دریا
اول نوه ی دختری خلق عظیمی
تو جلوه ی پیغمبری خلق عظیمی
مدیون تو هستند همه مردم عالم
نان عمل توست سر سفره ی آدم
مضمون سخاوت ز تو الهام گرفته
از صندوق قرض الحسنات وام گرفته
حرف کرم تو همه جا ورد زبان است
چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است



شکسته قبیح غزل را شکوه مدحت تو
قیام آینه خم شد به پای حرمت تو
نمای آینه ها انکسار می طلبد
به شوق نشر تو و انتشار کثرت تو
ملائیکه همه امشب به سجده افتادند
به خال ناز لب ت در زمان خلقت تو
تورا قدیم تر از این قدیمی ات خواندند
سه روز قبل ازل ابتدای قدمت تو
شجاعتی که تو داری زبانزد است و مثل
قوای جنگ جمل شد اسیر هیبت تو
گدای شهر تو بودن چه لذتی دارد
هزار حاتم طائی گدای ثروت تو
چقدر چشم زلیخا گریست یوسف را
چقدر یوسف کنعان کشید حسرت تو...



اشعار برای روز قدس



پیغمبران فصّ سلیمانی فرنگ!
آموزه هزاره تان جنگ بود و جنگ
انجیلیان رومی تلمود در بغل!
بر خوان شام آخر تان خمر و خون و بنگ!
از وادی کدام شب کفر میرسید؟
با صد کرور لوحه مغلوپتان به چنگ
از دور بعد رستم مانیز میرسد
هر کولهای کوکی اهان، اندکی درنگ
نخجیرگاه شر قپتان گور میشود
فرعونهای فربه! تیمورهای لنگ!



این دیو را به کشتن ما گرم کرده اند
ما بندگان منگ خدا یان هفت رنگ
خوابیم و پنجه بر رخ مهتاب میکشد
گیرم عبث - به ناخن پولاد این پلنگ
پیرانمان نشسته به امید و کودکان
در جنگ نابرابر آینه اند و سنگ
کو کاوهای که بیرق توفان علم کند
اسکندران در شب ضحاک فرنگ؟
شاعر لمیده است و غزل ساز میکند
در وصف خط و خال ظریفان شوخ و شنگ
کار از قلم نمی رود آری، نمی رود
حالی تو غیر تی کن، معشوق من، تفنگ!



امروز یقین که درد دین یعنی تو
در قامت قبله اولین یعنی تو
این حرف به شرق و غرب عالم برسد
در وصف زمین که سرزمین یعنی تو



این خانه ویرانه کنون کشور توست
پس تک تک سنگ ریزه ها لشکر توست
تو ریشه این درخت سر در قدسی
ای غزه مگر محاصره مصدر توست



آغاز می کنم سختم را به یاحسین
در می زنم به خانه ی معبود با حسین
کاری به خاطر رمضانم نکرده ام
اما گرفت دست تهی مرا حسین
ما روزه دارها همه یاد لب تواییم
ای تشنه لب تر از همه ی تشنه ها حسین
آخر مرا برای خودش می خرد شبی
من میشوم مسافر کربلا... حسین



دوباره سفره ی شب زنده دارها وا شد
دوباره خانه ی دلدار، خانه ی ما شد
دوباره زمزمه ی دانه های تسبیح
دوباره دست دعای من و مفاتیح
دوباره با شهدا افتتاح می خوانم
و پای دین خدا با امام می مانم
دوباره بال گشایم دودست خالی را
فرازهای ابو حمزه ثمالی را
ببار ابر خطا پوش! ماه رحمت شد
بیخ صاحب خانه دوباره ز حمت شد
دلایا که خطا را به آه می بخشند
بیا که کوه گناه را به کاه می بخشند
صدای دعوت و این سفره های نورانی
منی که بی سر و پایم کجا و مهمانی
کنار سفره من آداب را نمی دانم
فقط رسید هامو خواب را نمی دانم
به روزه خوار بگو توبه در حضور اینجاست
هزار توبه شکستی بیا غفور اینجاست
کنار یار نشستن چه لذتی دارد
گناهکار هم انگار عزتی دارد
به جز کنار دعاخوان دلم نمی ماند
دلم گرفته چرا روضه ای نمی خواند
خوشا به حال هر آنکس که ناله ای دارد
و التماس به دخت سه ساله ای دارد

«شاه فکر می کرد با نابودی کمونیسم ها، ناسیونالیست ها و مذهبیونی که درخواست حکومت اسلامی دارند، کشور را آرام کرده است درحالیکه مجموعه این قضا یا صورت آتش زیر خاکستر بوده است که در ۱۵ خرداد بروز پیدا کرد.»

محمد مهدی عبدخدایی، کارشناس

تاریخ شناسی است که دوران جوانی

خود را در مبارزه بین اسلحه و خون و زندان گذراند.

وی که در قیام پانزده خرداد تنها زندانی سیاسی

مذهبی به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در زندان

بوده است و آخرین نفر از فدائیان اسلام در زندان

بوده است او که دیگر گرد پیروی بر موهایش

نشسته است تحلیل جامعی از آن روزها دارد.

عبدخدایی پانزده خرداد شعله ور شدن آتش زیر

خاکستر قیام مردم می داند که تداوم آن به پیروزی

انقلاب منجر می شود و آن روز را شروع قیام نمی داند.

محمد مهدی عبدخدایی، کارشناس تاریخ شناسی
در گفت و گو با هیئت رزمندگان مطرح کرد

۱۵ خرداد تداوم و تجلی مبارزه

عبدخدایی در گفت و گو با هیات رزمندگان از قیام ۱۵ خرداد می گوید: «قیام پانزده خرداد دارای زمینه های پیشین است. دیکتاتورها در طول تاریخ قتل های زیادی کردند مثل رضاخان در مسجد گوهر شاد پنج هزار نفر را کشته است بعد از آن هیچ حرکتی بوجود نیامده است. ۱۵ خرداد نتیجه اعمال دیکتاتورانه ی شاهی بوده که با عقاید و سنت های مذهبی شروع به مخالفت کرده است.»

عبدخدایی از پیشینه این قیام خونین نیز می گوید: «نیروهایی که با خداشناسی مذهب و شیعه مخالف بودند در شهریور ۱۳۲۰، رسانه ها را در دست داشتند. از طرف دیگر شخصیت های دینی در صحنه حضور دارند مانند آیت الله بروجردی، آیت الله کاشانی و نواب صفوی که هر کدام مسئولیت دینی به دوش کشیدند. مثلاً آیت الله بروجردی بار فرهنگی و خداشناسی، دین باوری و شیعه باوری را به دوش کشیدند.»

وی می افزاید: «برنده بهترین کتاب فلسفه در سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۳، دو کتاب برنده کتاب بهترین کتاب فلسفه سال می شوند.

یکی کتاب فیلسوف نماها به قلم آقای مکارم و دیگری اصول فلسفه روش رئالیسم که علامه طباطبایی با حاشیه آیت الله مطهری نوشته شده است. این فرهنگ در حال رشد است درحالیکه آیت الله بروجردی از طلبه ها می خواستند وارد سیاست نشوند اما در درس بیع خود، حکومت اسلامی را تدریس می کرد.»

این تاریخ شناس از تصورات اشتباه شاه را اینگونه شرح می دهد: «شاه فکر می کرد با نابودی



«امام رحمت الله علیه تربیون داشت و همه کسانی که در ایران مذهبی بودند و همه علما قم تربیون امام بودند لذا علما بعد از ۱۵ خرداد و دستگیری امام اعلام کردند که مرجع مافوق قانون است به همین جهت شاه نتوانست امام را محاکمه کند.»

اعلامیه نوار به تهران بوده است. علت این امر گرفتن تربیون از امام رحمت الله علیه بود. «عبدخدايي ادامه میدهد: «امام رحمت الله علیه تربیون داشت و همه کسانی که در ایران مذهبی بودند و همه علما قم تربیون امام بودند لذا علما بعد از ۱۵ خرداد و دستگیری امام اعلام کردند که مرجع مافوق قانون است به همین جهت شاه نتوانست امام را محاکمه کند.»

عبدخدايي از اقدامات جامعه روحانیت پس از دستگیری امام می گوید: «یک حرکت جمعی آغاز شد و همه مراجع از قم به تهران آمدند و گفتند که: «امام مرجع است و مرجع از نظر عقاید خود حرفی را که می زند را محاکمه نمی توان کرد.» و همه کشور از مراجع حمایت کردند از همین رو شاه نتوانست امام را محاکمه کند.»

وی با تأکید بر اینکه در قیام پانزده خرداد کسی از نظر اعتقادی برنگشته است، می گوید: «زمانی که امام از ادارات می خواهد که کار را بر زمین بگذارند و مسئولین ادارات کار نکنند، همه ادارات کشور فلج می شود درحالی که این افراد کسانی هستند که در زمان استخدام گفته اند: «ما وفادار به سلطنت هستیم.»

یکپارچگی مردم در روز ۱۵ خرداد و ۲۲ بهمن مصداق این موضوع است. تجلی حرکت ملت ایران در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بوده است و تداوم این قیام تا پیروى انقلاب اسلامی تداوم داشته است.»

وی در ادامه از علل برگشت بعضی در قیام ۱۵ خرداد نام می برد: «علل متفاوتی دارد بعضی از تس و بعضی دیگر از پیش بینی آینده عاجز هستند و تحمل ندارند و یا امیدوار به پیروزی نبودند.»



ایران در پانزده خرداد در حالی نشان دادند که پیشرو و گام بردار هستند که در کشوری عقب مانده بودند. انگلیس در طول سالیان خواسته است که این کشور را عقب مانده نگه دارد. وی از ویژگی های رهبر مردمی اینگونه می گوید: «امام از جریان اعتقاد مردم خبر داشت و یک زمان شناس خوب بود و زمان را می فهمید چه موقع به مخالف ضربه بزند. علاوه بر این، امام رحمت الله علیه از تربیون های عمومی به خوبی استفاده می کردند.»

عبدخدايي فضای رسانه ای آن موقع را اینگونه تشریح می کند: «اگر شاه، روزنامه، رادیو و تلویزیون داشت، امام هیئت های مذهبی مساجد و حتی مداحان داخل خانه را داشتند. حتی یکی از مسائلی که موجب خروج امام رحمت الله علیه از عراق در زمان تبعید شد، منع امام از فرستادن

کمونیسم ها، ناسیونالیست ها و مذهبیونی که درخواست حکومت اسلامی دارند، کشور را آرام کرده است درحالی که مجموعه این قضایا صورت آتش زیر خاکستر بوده است که در ۱۵ خرداد بروز پیدا کرد.

در حقیقت نیروهایی که علیه خداواری و دین باوری و شیعه باوری حرکت کرده بودند. همه در روز ۱۵ خرداد بصورت یک جلوه گاه عظیم خود را ظاهر کرد. که همه آن ها شکست خواهند خورد و یک نیروی مذهبی سنتی در حال حرکت است که جامعه را دگرگون سازد.»

عبدخدايي با تأکید بر اینکه ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز انقلاب و آغاز مبارزه نیست می گوید: «آغاز آن از سال شهادت آیت الله مدرس است. آغاز علمی انقلاب و مبارزه بعد از شهادت آیت الله سید مرتضی انصاری است. قیام روز ۱۵ خرداد تداوم حرکت عظیم سنتی شیعه است که در طول چندین سال از زمان علامه وحید بهبهانی شروع شده است که در پانزده خرداد ظاهر شده است. وی توضیح می دهد: «دستگیری و تبعید آیت الله خمینی در تداوم این حرکت است بگونه ای است که متدینین سنتی همه از امام حمایت می کنند. روشنفکران مذهبی نیز حتی به این جهت گرایش پیدا می کنند. قیام پانزده خرداد بقدری زیبا است که حتی ملی گراهای لائیک و کمونیست لائیک (خدا را قبول ندارند) به این جهت حرکت و گرایش پیدا می کنند.»

این مبارز از اقدامات شاه و حال و هوای مردم می گوید: «شاه با استفاده از اصلاحات ارضی، با سهیم کردن کارگران در کارخانجات، اهدای زمین به کشاورزان و با انقلاب سفید ۶ بهمن و تداوم آن می خواست این حرکت ها را در هم بکوبد اما این قیام بجای اینکه در هم کوبیده شود منسجم تر در حال حرکت هستند. همچون آتش زیر خاکستر.»

وی می افزاید: «ظهور مبارزات و انقلاب در روز ۱۵ خرداد است. کسانی که بعضی از مناسبات و روزها را می خواهند به ۱۵ خرداد تشبیه کنند، نمی دانند که در ۱۵ خرداد دیک ایدئولوژی به میدان آمده است. ایدئولوژی که از بعد از مشروطیت همیشه از طرف روشنفکران مذهبی، لائیک ها و چه حاکمین، آن را تخریب می کرده اند اما در روز ۱۵ خرداد تداوم خود را نشان داده است. این تداوم از زمان تنباکو ادامه داشته است.» این تاریخ شناس در ادامه تصریح می کند: «مردم





خاری در چشم شاه

در دهه اول محرم که مجلس عزاداری در خانه امام خمینی پر پا بود، خار چشمی بر چشم شاه و هیئت حاکمه بود و آنان را به وحشت می انداخت. از طرفی افشگری های و روشنگری های سخنگویان مذهبی در سراسر کشور و حملات کوبنده آنان به رژیم پرنگرانی های رژیم می افزود، بطوریکه دستگاه جاسوسی شاه ناچار شد که با سخنگویان اسلامی وارد مناظره شود. امام خمینی در روز عاشورا با شور علمای قم قرار شد که در مدرسه فیضیه قم سخنرانی بنمایند. چند روز پیش از عاشورا، گویندگان مذهبی در قم، تهران و بسیاری از شهرستان ها این خبر را در منابر اعلام کردند. این خبر شور و شغف فراوانی در توده های مسلمان و مبارز ایران ایجاد کرد. مردم تهران و بسیاری از شهرستان های دور و نزدیک برای شنیدن این سخنرانی به قم آمدند. بنا به نوشته روزنامه کیهان در تاریخ ۱۲ خرداد ۴۲ فقط از تهران حدود ۴۰۰۰۰ نفر در ایام عاشورا به قم عزیمت کردند. رژیم شاه با دیدن این اوضاع، در میان مردم منعکس کرد که شاه به ازتش فرمان آماده باش داده است تا در هنگام سخنرانی علما در مدرسه فیضیه آنجا را همانند مسجد گوهرشاه به آتش و خون یکشد.



نگاهی به واقعه ۱۵ خرداد و وقایعی که به دنبال دستگیری حضرت امام رحمت الله علیه روی داد

پیغام مأمور ساواک به امام

شب و روز، وقت و بی وقت با تلفن و نامه بطور شفاهی و با پیغام به امام خمینی فشار می آوردند تا از این نطق خطرناک منصرف گردد، اما هر چه بیشتر تلاش می کردند، کمتر نتیجه می گرفتند. صبح عاشورا در حالیکه هزاران نفر در منزل امام آمده بودند و مشغول عزادای برای حضرت سیدالشهدا (ع) بودند و امام خمینی نیز در میان توده ها نشسته به سخنان گوینده مذهبی که ذکر مصیبت می کرد گوش می دادند. یکی از مقامات «ساواک» خود را به ایشان رسانید و پس از معرفی خود اظهار داشت: «از طرف علیحضرت مأمورم به شما ابلاغ نمایم که اگر امروز بخواهید در مدرسه فیضیه سخنرانی نمایید کماتدوها را به مدرسه می ریزیم و آنجا را به آتش و خون می کشیم.» قائد بزرگ بدون اینکه خم به ابرو بیاورد بی درنگ پاسخ داد: «ما هم به کماتدوهای خود دستور می دهیم که فرستادگان علیحضرت را تادیب نمایند.» سرانجام امام در روز عاشورا آن سخنرانی کوبنده را کردند. شب ۱۲ محرم مطابق ۱۵ خرداد حمله رژیم شاه به روحانیت آغاز گردید. گویندگان اسلامی و پیروان واقعی امام یکی پس از دیگری دستگیر می شدند.



پس از ۵۴ سال از ۱۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هنوز هم در کوچه و خیابان های قم صدای «بامرگ، یا خمینی» مردم به گوش می رسد. قیام پانزده خرداد، فصل جدیدی در تاریخ کشور گشود و اغلب تحلیلگران سیاسی سر آغاز نهضت اسلامی ایران را آن روز می دانند. امام خمینی رحمت الله علیه نیز این روز را بسیار گرامی داشته و فرمودند: «من روز ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می کنم.» همچنین در دیوان اشعار امام آمده است: «سال های گذرد حادثه ها می آید / انتظار فرج از نیمه خرداد کشم»





روزهای پیش از ۱۵ خرداد

خرداد سال ۴۲ با ماه محرم و عزای حسینی همزمان شده بود. در آن روزها شور و خشم توده‌ها علیه رژیم شاه به اوج خود رسیده بود و نهضت امام خمینی رحمت‌الله علیه هر چه بیشتر در کشور به اوج خود گسترش می‌یافت. در آن ایام امام خمینی در قم ساکن بودند و هر شب برای عزاداری به یکی از محلات قم می‌رفتند و در جلسه عزاداری توده‌های محروم و فقیر اما آزاده شرکت می‌کردند. امام خمینی در این جلسات می‌رفتند تا سخنان خود را به گوش مردم برسانند و مردم را از جریاناتی که در کشور و ملت می‌گذرد، آگاه سازد. این عمل بی‌سابقه، تأثیر بسزایی در آگاهی، بینایی و رشد فکر و احساس و کشش زیاد مردم نسبت به امام خمینی ایجاد کرد. به استناد کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، یکی از برادران مبارز، جریان یکی از این یازده‌ها را چنین شرح داده است: «شب دوازدهم محرم (۱۵ خرداد) آقا در مجلس عزاداری محله حکیم در پائین شهر قم شرکت کرد. ساعت ۲۲ به تکیه کوچه حکیم در پائین شهر قم رسیدیم. هیچ یادم نمی‌رود که در طول خیابان آخر تا کوچه حکیم، مردم از شور حضور امام خمینی در میان خودشان، چه شادی‌ها می‌کردند و بیش از چهل راس گوسفند و گاو جلوی پای این مرد سر بریدند. از دحام جمعیت چنان بود که من حساب کردم دیدم که آقای خمینی در عرض ۲۵ دقیقه توانست در میان مردم فقط ۵۰ متر جلو برود. آدم به چشم خود می‌دید که یک رهبر واقعی چطور می‌تواند با مردم یکی شود، با آنها و در دل آنها باشد. ساعت از ۲۴ گذشته بود که به خانه آمدیم و من تا در خانه با آقا بودم...»

خبری که به سرعت در قم پیچید

همزمان با دستگیری امام رحمت‌الله علیه، حضرت آیت‌الله قمی از مشهد و حضرت آیت‌الله محلاتی از شیراز که نقش عمده‌ای در پیشبرد نهضت اسلامی ایفا کرده‌اند، دستگیر گردیده و به زندان در تهران آورده شدند. خبر دستگیری امام به سرعت در قم پیچید و مردم به درب منزل امام رحمت‌الله علیه و دیگر علما رفتند. مردم به رهبری حاج آقا مصطفی از خیابان ارج و میدان آستانه گذشتند و وارد صحن حضرت معصومه (ع) شدند و از بلندگوی صحن که صدای آن تقریباً سراسر قم را فرا می‌گرفت خشم خود را از دستگیری امام فریاد می‌زدند. همزمان علما قم به منزل آیت‌الله گلپایگانی رفته و تشکیل جلسه دادند و بیانه‌های بی‌قید و شرط برای آزادی امام و دعوت از مردم برای توده پایداری صادر کردند. این بیانه از بلندگو حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها خوانده شد.

مردم! امام خمینی را بردند

امام خمینی از اول محرم که در حیاط منزل ایشان چادر زده بودند، شب‌ها را در منزل فرزندش آقای حاج آقا مصطفی که مقابل منزل ایشان بود، استراحت می‌کرد. در آن شب تازه برای نماز از خواب برخاسته بود که سر و صدای ناهنجار و غیرعادی، ایشان را متوجه یورش دژخیمان شاه ساخت. فوراً از جا برخاست و حاج آقا مصطفی را که در حیاط در کنارشان خوابیده بود بیدار کرد: «مصطفی! بلند شو، مثل اینکه آمده‌اند.»

حاج آقا مصطفی چشم باز کرد و در جای خود نشست. پدر را دید که لباس می‌پوشد، زمزمه گنگ و مبهمی از خارج به گوش می‌رسید. نتوانست باور کند که این مزدوران شاه هستند که هجوم کرده‌اند. از جای برخاست و خودش را به پشت بام رسانید. دید سراسر کوچه و اطراف پر از سرباز مسلح و کماندو است که برق اسلح‌های گرم و سرد در دست آنان منظره وحشتناکی پدید آورده بود. امام خمینی به پشت در آمده گوش فرا داد و یقین کرد که قشون شاه برای دستگیری ایشان یورش آورده است. لحظه‌ای مکث کرد تا ببیند چه می‌شود؟ ولی صدای ضجه و ناله آن چند نفر که تحت شکنجه دژخیمان، سرسختانه مقاومت می‌کردند، به گوششان خورد، صدای پیرمردی که از سپیده صبح تا پاسی از شب در هوای گرم خرداد پای سماور می‌نشست و خدمت می‌کرد، صدای آن رنج‌دیده‌ای که از بام تا شام چای می‌داد و از مراجعین پذیرایی بعمل می‌آورد و صدای آن بی‌پناهی که زندگی خود را رها ساخته و به عشق و علاقه‌مندی خمینی به سوی قم آمده و با جان و دل کار می‌کند و هرگز احساس خستگی نمی‌نماید، سخت خمینی آشفته و خشمناک ساخت، بطوریکه دیگر نتوانست تحمل کند. درب خانه به روی پاشنه چرخید و قامت آراسته و رشید و چهره‌ی درخشانی در آستانه‌ی در، ظاهر شد و گفت: «روح‌الله خمینی منم! چرا اینها را می‌زنید؟! با آورده شدن نام «خمینی» لرزه سراپای دژخیمان شاه را فرا گرفت. هرگز تصور نمی‌کردند که بدینگونه خمینی را در مقابل خود ببینند و با پر خاش او روبرو شوند. امام خمینی قدم به داخل کوچه نهاد و در حالیکه عبا را زیر بغل گرفته بود از شدت خشم مشت‌های گره خورده خود را تکان می‌داد و به سر دژخیمان مسلح شاه مرتب فریاد می‌کشید: «روح‌الله خمینی منم، چرا این بیچاره‌ها را کتک می‌زنید؟ این چه رفتار وحشیانه‌ای است که با مردم می‌کنید؟ چرا به اصول انسانی پایبند نیستید؟ این چه وحشی‌گری‌ها است که از شما سر می‌زند؟» مزدوران شاه که یک‌باره خورده بودند در حالیکه می‌کوشیدند بر عصبانیت مسلط شوند با صدای لرزان و گرفته مرتب پاسخ می‌دادند: «همه ارادت داریم! همه مومنیم! کسی را نمی‌زنیم!!!!»

آدم دزدان رژیم با ترس و بیم و احتیاط، قائد بزرگ را محاصره کرده به ماشین فولکس واگن سیاه رنگی که دم در خانه ایستاده بود سوار نمودند و چند نفر از درجه داران و صاحب منصبان نیز که متأسفانه هنوز شناخته نشده‌اند، سوار شدند و ماشین را با «هل دادن» تا سر خیابان آوردند. آقای حاج سید مصطفی که از بالای بام ناظر جریان بود به شدت تحت تأثیر احساسات قرار گرفت، خواست خود را از ارتفاع پنج متری به داخل کوچه افکند و تا آنجا که ممکن است از بردن امام خمینی ممانعت بعمل آورد! قائد بزرگ که از داخل ماشین متوجه تصمیم خطرناک او شده بود با حرکت درست او را از این کار منع کرد و یکی از کماندوهای هفت تیر کش نیز کلت کشید و تهدید کرد: «تکان بخوری آتش می‌کنم.» حاج آقا مصطفی روی نهی و منع پدر از پایین پریدن منصرف شد ولی با تمام نیرو فریاد سر داد که: «مردم! امام خمینی را بردند...»





رازی که در یک روز نهفته است

۱۵ خرداد ۴۲ تظاهرات مردمی به شدت سرکوب می شد و اگر چه آمار کشته شدگان بطور رسمی بگونه ای قابل اطمینان منتشر نشد اما مشهور است که پانزده هزار نفر در این روز شهید شدند، اما چه رازی در این روز نهفته است که می توان به جرات آن را فصل دیگری در تاریخ کشور دانست؟ آیا تعداد کشته شدگان آن اهمیت دارد؟ در حالیکه تاریخ جنایت های هولناک تری را در خود جای داده است. آیا به نمایش گذاشتن توانایی مردم در مقابل رژیم شاه، رمز آن می باشد؟ این نیز نبوده است؛ چرا که کشتار، یکسویه بود. آنها که به خاک می افتادند و در خون خود می غلتیدند مردم بودند و نه رژیم شاه. شاید رمز نهفته در پانزده خرداد در عاشورا نهفته باشد. مردم در سال ۴۲ در طول عزاداری آموختند که برای نهی از منکر و پاسداشت حقیقت باید حسینی بود و با دست خالی نیز می توان به مصاف زشتی ها رفت و نیز آموختند که خون بر شمشیر پیروز است. این همان محتوای بخشیدن به مراسم عزای سالار شهیدان است.

در کتاب «امام خمینی در آیین اسناد» آن ها که در قیام ۱۵ خرداد خود حضور داشتند، به یاد دارند که برخی در دم جان باختند؛ استخوان های بعضی دیگر زیر تانک ها با شن و قیر خیابان ها مخلوط گردید؛ ملحفه تخت بیمارستان ها کفن برخی دیگر شد؛ شدت ضربات باتوم ها چنان بود که جمجمه های بسیاری را شکست، دست ها را قلم کرد و خطی از تاول های درشت بر گوشت و پوست برخی دیگر بر جای گذاشت و برخی جراحات ها تا سال ها التیام نمی یافت و همچنان درد آورد بود.

این در حالی است که مردم احساس شکست نداشتند. طعم احساس انجام وظیفه در کامشان شیرین بود. در آن روز پرشکوه، رهبر انقلاب در زندان بودند و نمی دیدند مردم چگونه ارادت خود را به ایشان نشان می دهند و قابلیت های دین را به نمایش گذاشته اند.

بعد از آزادی امام، با جملاتی احتیاط آمیز این ماجرا را برای ایشان بیان کردند و ایشان ضمن اشک ریختن برای علو درجات شهدا و صبر برای بازماندگان دعا کردند، باورش سخت بود که با چنین مردمی، نه تنها می توان شاه را سرنگون ساخت که حتی می توان بساط شاهنشاهی چند هزار ساله را برچید. قیام ۱۵ خرداد با الهام از عاشورای حسینی شکل گرفت، سر آغازی شد برای تحقق هدفی بلندتر از مبارزه با برنامہ های یک دولت وابسته.

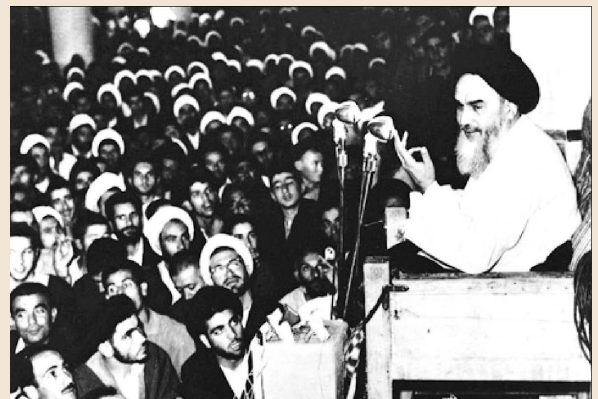
واکنش جامعه روحانیت به دستگیری امام (ره)

دستگیری امام و واکنش سریع و جدی جامعه روحانیت را به دنبال داشت. در این زمینه آیت الله العظمی مرعشی النجفی اعلامیه شدیدالحنی صادر کردند که در آن اعلامیه آمده است:

«ما بدین وسیله هل من ناصر بنصرنا گفته و تا آخرین لحظه استقامت خواهیم ورزید. خون ما رنگین تر از خون برادر عزیزمان حضرت آیت الله العظمی خمینی نیست و مادامی که ایشان را صحیح و سالم به دست ما ندهند، دست از اقدام بر نمی داریم و تا آخرین قطره خون خود از حریم اسلام و قرآن دفاع خواهیم کرد.» در روز پانزده خرداد صف های تظاهرات به رگبار تیر بسته می شدند. یک کامیون نظامی که می کوشید میان جمعیت رفته و عده ای را به خاک و خون بکشد مورد حمله مردم دلیر قرار گرفت. راننده کامیون مجروح شد و دو نظامی دیگر که همراه راننده بودند پا به فرار گذاشتند. مردم کامیون را به آتش کشیدند.

به استناد کتاب نهضت امام خمینی، برادر مبارزی که در یکی از کوچه های قم بقالی داشت آن حادثه خونین را این چنین شرح داد:

«سراسر کوچه و قسمتی از چهارراه که از پنجره دیده می شد مملو از اجساد کشته شدگان و مجروحین بود. فقط در همان کوچه ای نمازی که من شمردم ۳۲ نفر افتاده بودند عده ای مجروح و عده بیشتر شهید شدند. ناله ای جان خراش مجروحین به آسمان می رفت. از خون آن بی گناهان حوضچه ای راه افتاده بود. در چهارراه با چشم خود دیدم که خون راه افتاده بود. ساعتی بعد صدای تیراندازی قطع گردید، سکوت مرگباری سراسر شهر را فرا گرفت، پرندهای در کوچه و خیابان پر نمی زد، غرش کامیون ها، صدای چکمه سربازان و ناله ای مجروحین سکوت را می شکست. دیری نپائید که کامیونی سر کوچه متوقف گردید و چند نفر سرباز شتاب زده از آن پیاده شده، به داخل کوچه آمدند و اجساد کشتگان و مجروحین را برداشته توی کامیون می ریختند. بعضی مجروحین که هنوز حال داشتند و آگاه بودند، مرتب فریاد می کشیدند که ما هنوز زنده ایم ولی کسی به حرفشان گوش نمی داد. کامیون که از اجساد پر شد بسوی مقصد نامعلومی به حرکت درآمد. آنگاه ماشین های آتش نشانی سر رسیدند و سراسر خیابان ها و کوچه ها را شسته و از خون پاک کردند...» همین روایت که امام خمین این روز را بسیار گرمی داشته و فرمودند: «من روز ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می کنم.»





www.eheyat.com



@eheyat



@eheyat



@heyatt



[instagram.com/eheyat.ir](https://www.instagram.com/eheyat.ir)

هيات

مسجد كوفه - شب احياء

